13 مقاله‌ی سودمند

**تألیف:**

**جمعی از نویسندگان**

**تهیه:**

**اسحاق دبیری** /

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | 13 مقاله‌ی سودمند | | | |
| **نویسنده:** | جمعی از نویسندگان | | | |
| **محقق یا مصحح:** | اسحاق دبیری / | | | |
| **موضوع:** | مواعظ و حکمت‌‌ها | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری، 1437 قمری | | | |
| **منبع:** |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فرمانبرداری و نیکی به والدین (اطاعت از پدر و مادر) 5](#_Toc436310768)

[اندرزدهنده خاموش 12](#_Toc436310769)

[قبر 12](#_Toc436310770)

[راه بدون بازگشت 15](#_Toc436310771)

[پاک کنندگان گناهان 20](#_Toc436310772)

[زنان دوزخی 38](#_Toc436310773)

[1- آیا می‌دانید زنانی که زینت خود را نشان می‌دهند و خودنمایی می‌کنند و بد حجاب هستند چه گناهی دارند؟ 38](#_Toc436310774)

[2- درود بر شما، باز درود بر شما، مبارکتان باد حجاب شرعی 41](#_Toc436310775)

[آیا صفات و ویژگی‌های حجاب شرعی را می‌دانید؟ 43](#_Toc436310776)

[اگر یکی از موارد زیر در شما موجود باشد از زنان خودنما و متبرج می‌باشید، پس به‌سوی خدا باز گرد و توبه کن 44](#_Toc436310777)

[ده صنف از زنان مورد نفرت خدا و ملعون هستند 45](#_Toc436310778)

[آنچه بر زنان حرام است و باید از آن بپرهیزند 48](#_Toc436310779)

[موارد حرامی که معمولاً در بین زنان شایع است 52](#_Toc436310780)

[از موارد و کارهای زیر بپرهیزید و جداً بر حذر باشید 54](#_Toc436310781)

[قرآن سندی است یا به نفع شما، و یا بر علیه شما 56](#_Toc436310782)

[ذکر فضائل قرآن با استفاده از دلیل قرآن و سنت 57](#_Toc436310783)

[2- انواع دوری، جدائی، رها کردن و قطع رابطه با قرآن: 61](#_Toc436310784)

[3- فضائل سوره‌‌های معینی از قرآن 62](#_Toc436310785)

[سوره الفاتحه: 62](#_Toc436310786)

[سورة البقره: 63](#_Toc436310787)

[سوره آل عمران: 64](#_Toc436310788)

[سوره الکهف: 64](#_Toc436310789)

[سوره ملک: 64](#_Toc436310790)

[سوره الکافرون: 65](#_Toc436310791)

[سوره اخلاص ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾: 65](#_Toc436310792)

[سوره‌های معوذتین 68](#_Toc436310793)

[4- فضائل آیات معینی از قرآن: 69](#_Toc436310794)

[آیة الکرسی: 69](#_Toc436310795)

[دو آیه آخر سوره البقره: 70](#_Toc436310796)

[آداب و دستوراتی در باره قرآن کریم 70](#_Toc436310797)

[سه برنامه ساده قرآنی برای ختم قرآن کریم 74](#_Toc436310798)

[دعا و ذکرهایی که مسلمان را دربرمی‌گیرد و محفوظ می‌نماید 76](#_Toc436310799)

[ذکرهای هنگام خواب و هنگام بیدار شدن 76](#_Toc436310800)

[دعایِ هنگام بیدار شدن از خواب در شب 77](#_Toc436310801)

[دعا و ذکر هنگام بیدار شدن از خواب «در صبح» 78](#_Toc436310802)

[ذکرهای هنگام اذان گفتن 78](#_Toc436310803)

[ذکرهای گوناگون 79](#_Toc436310804)

[ذکرهای صبح و شام «عصر یا غروب» 81](#_Toc436310805)

[ذکرهای بعد از سلام دادن «پایان» نمازهای واجب 84](#_Toc436310806)

[فضائل بعضی از سوره‌های و آیات قرآن 87](#_Toc436310807)

[افسون و دعاهای شرعی برای بیماری و چشم بد و سِحْر 87](#_Toc436310808)

[اذکار «ذکرهای» متنوع و گوناگون 88](#_Toc436310809)

[ذکرهای مهم «عظیم» 91](#_Toc436310810)

[خانواده ناپاكيها مسكرات و مخدرات «مواد مخدر» ره‌آورد استعمار 93](#_Toc436310811)

[مسکرات و مخدرات «مواد مخدر» زندگی را بر باد می‌دهد 93](#_Toc436310812)

[مسکرات «مست کننده‌ها» تو را بسوی هر جرم و جنایتی می‌کشانند 94](#_Toc436310813)

[تشفیط راهی است بسوی دیوانگی 95](#_Toc436310814)

[معسل و قلیان راه تو بسوی سرطان 103](#_Toc436310815)

[این خبائث و مواد ناپاک از کجا به میان ما آمده‌اند 103](#_Toc436310816)

[خانواده خبیثه‌ای که جامعه ما را به نابودی می‌کشاند 104](#_Toc436310817)

[داستان مرگ آن جوان چیست؟ چگونه است؟ 105](#_Toc436310818)

[مصرف سیگار بزرگ‌ترین قاتل‌ماست 105](#_Toc436310819)

[نزدیکترین راه بسوی بهشت 106](#_Toc436310820)

[از شما برادر عزیز سؤال می‌کنم: که آیا بهشت را می‌خواهی؟ 106](#_Toc436310821)

[خاتمه 108](#_Toc436310822)

[غمگین مباش دعاهایی که غم و غصه و اندوه را برطرف می‌کند 109](#_Toc436310823)

[دعاهایی که غم و غصه و اندوه را از بین می‌برد 109](#_Toc436310824)

[دروازه بدیها يا کلید گناهان کبیره 113](#_Toc436310825)

[خاتمه 126](#_Toc436310826)

[آیا می‌دانی مفلس کیست؟ 127](#_Toc436310827)

[چرا صحابه را دوست داریم؟ 134](#_Toc436310828)

[مهاجرین: 142](#_Toc436310829)

[انصار: 143](#_Toc436310830)

فرمانبرداری و نیکی به والدین  
(اطاعت از پدر و مادر)

فضیلت و آداب آن

ترجمۀ:

بر الوالدین – فضله و آدابه

الحمدلله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده نبينا محمد وعلى آله وصحبه، أمابعد.

سپاس برای خدای یکتا، درود و سلام بر خاتم پیغمبران محمد ص آل و اصحاب او باد.

برادر و خواهر مسلمان! بدان که همانا حق پدر و مادر «والدین» بسیار بزرگ و شأن و منزلت آن‌ها در دین بسیار مورد توجه است. سپاسگزاری از آنان برابر است با سپاسگزاری و شکرگزاری خداى أ و نیکی کردن به آن‌ها نزد خدا از محبوب‌ترین و بهترین کارهاست. هیچ احدی منکر فضل، بزرگی و منزلت والای آن‌ها در دل‌ها نیست. چه بسیار عطوفت و رحم و رعایت‌ها که فرزندان از پدران و مادران‌شان بدست آورده‌اند. شب‌های شب بیدار ماندند تا فرزندشان بخواب برود.

رنج‌ها را بخاطر آسایش وی متحمل شدند. تلاش‌ها نمودند تا وی خوشبخت و سعادتمند شود، عمرشان را فدا نمودند تا زیبایی و طراوت عمر فرزند زنده بماند.

چه بسیار حقوقی که دارند و چه بسیار نیکی و احترام که برای‌شان لازم است!.

نیکی و خدمت به پدر و مادر وظیفه‌ایست که فرزندان خوش رفتار، فهمیده و فرزانه آن را بعهده می‌گیرند. آنهائیکه راه فرمانبرداری و اطاعت، جوانمردی و مروت را می‌شناسند، و برای بدست آوردن سعادت در دنیا و آخرت تلاش می‌نمایند، فرزندانی که ارزش فرمان‌برداری و خدمت را می‌دانند، و نزد آنان تربیتی که از والدین خود گرفته‌اند مثمر ثمر واقع شده، و «هم‌اکنون دوران استفاده پدر و مادر از ثمره آن است».

برادر و خواهر مسلمان! بدانکه فرمانبرداری و نیکی به پدر و مادر نزد خداوند از محبوب‌ترین اعمال است. عبدالله بن مسعود س می‌فرماید: «سألت النبي ص أي العمل أحب الله؟ قال: الصلاة علی وقتها. قال: ثم أي؟ قال: برالوالدین. قال: ثم أي؟ قال: الجهاد في سبیل الله». (البخاری ومسلم). «از پیامبر ص سوال نمودم چه عملی نزد خدا محبوب‌تر و دوست داشتنی‌تر است. فرمود نماز در وقت، گفت: بعد از آن کدام عمل؟ فرمود: نیکی کردن و فرمانبرداری پدر و مادر. گفت: بعد از آن؟ فرمود: جهاد در راه خدا».

نیکی و فرمانبرداری پدر و مادر راهی است بسوی بهشت: رسول الله ص فرمودند: «رغم أنف، ثم رغم أنف، ثم رغم أنف، قيل من یا رسول الله؟ قال: من أدرك أبویه عند الكبر أحدهما أو كلیهما فلم یدخل الجنة». (مسلم).

دماغش با حالت خواری بر خاک خورد «خاک برسرش» باز خاک بر سرش، باز خاک برسرش، عرض کردند چه کسی یا رسول الله؟ فرمود: کسی که یکی از پدر و مادرش یا هر دوی آن‌ها را در سن پیری درک کند، و کاری نکند که به بهشت برود. «یعنی آنچه لازم است در حق آنان نیکی و خدمتگذاری نکند و در اثر این کاخهاى بهشت را از دست بدهد».

پیامبر ص می‌فرماید: «الوالد أوسط أبواب الجنة فإن شئت فأضع ذلك الباب، أو احفظه». (أحمد، ترمذی، ابن ماجه وآلبانی آنرا در صحیح الترغیب صحیح دانسته است). «پدر و مادر بهترین و بالاترین، درهای بهشت می‌باشند پس اگر می‌خواهی وارد آن شوی مراقب آن در باش «به پدر و مادرت نیکی، و از آنان نافرمانی مکن» و یا آن در را «در اثر آزار و نافرمانی آنان» از دست بده و ضایع گردان».

نیکی نسبت به پدر و مادر موجب زیادی عمر و فزونی و رونقی رزق و روزی می‌شود.

رسول الله ص می‌فرماید: «مَن سَرَّهُ أَن یَمُدَّ لَه في عُمرِه وَیُزادَ في رِزقِهِ، فَیَبَر والِدَیه ولیَصِل رَحِـمَهُ». (صحیح الترغیب: 2488).«کسی که دوست دارد در دنیا عمرش طولانی و با برکت، و رزق و روزی‌اش افزون گردد «فزونی یابد» به پدر و مادر خویش نیکی کند، و صله رحم «رفت و آمد فامیل نزدیک» انجام دهد».

و اینک آدابی چند درباره رفتار با پدر و مادر که رعایت آن‌ها لازم و ضروری است تا شاید که اندکی از دَیْن و بدهکارى خود نسبت به آنان ادا کرده. و قسمتی از آنچه که خداوند نسبت به آنان بر ما واجب گردانیده بجا بیاوریم تا که خدایمان را راضی، روحمان را شاد، زندگیمان را شیرین، و کارهایمان را آسان نموده و خداوند عمرمان را پر برکت نماید.

1. پیروی و فرمانبرداری از آن‌ها و اجتناب و پرهیز از نافرمانی آنان: بر مسلمان فرض و واجب است که از پدر و مادرش فرمانبرداری نموده، و از نافرمانی آن‌ها بپرهیزد، و اطاعت آن‌ها را بجز شوهر که اطاعت و فرمانبرداری او مقدم بر اطاعت از پدر و مادر است بر اطاعت هر فرد دیگری مقدم دارد. مادامیکه بر معصیت و نافرمانی خدا و رسولش دستور ندهند. «یعنی اطاعت از والدین در معصیت خداوند جائز نیست. مثلاً چنانچه پدر و مادر به کفر و الحاد یا نافرمانی خدا دستور دادند بر فرزند لازم است که به احسان و نیکی خود نسبت به آنان تداوم بخشد، اما در معصیت و نافرمانی از اوامر و دستورات خدا از آنان اطاعت ننماید».
2. نیکی نمودن به آنها: هم بوسیله گفتار، و هم بوسیله کردارد «به قول و عمل و به هر وسیله ممکن».
3. فروتنی و تواضع: بوسیله فروتنی و تواضع نسبت به آن‌ها و انجام دادن کارهایشان «خم شدن برای کارهایشان».
4. دوری از داد زدن بر سر آنها: بوسیله کلام ملایم و آرام سخن گفتن با آنها، مهربانی کردن به هنگام صحبت و گفتگو، و پرهیز از هر نوع درشتی و فریاد زدن بر سر آنها.
5. گوش دادن به آنها: بوسیله رو کردن به آن‌ها هنگام صحبت کردن آنها، و ترک قطع نمودن حرف‌ها و کشمکش با آنها، و پرهیز از هر نوع تکذیب و یا رد نمودن حرفهایشان.
6. خشنود و شاد شدن بدستورات آنها: ترک اظهار اندوه و بستوه آمدن و دلتنگ شدن از دست آن‌ها همانطور که خداوند می‌فرماید: ﴿فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفّٖ وَلَا تَنۡهَرۡهُمَا﴾ [الإسراء: 23]. «کم‌ترین اهانتى به آن‌ها روا مدار(به آن‌ها اف مگو)! و بر آن‌ها فریاد مزن».

یعنی کلمه اف «وای و آه» را که علامت اظهار ناراحتی و بیانگر دلتنگی است بر سر زبان نیاورید، تا ثابت شود که به دستورات آن‌ها خوشحال و مسرور هستید.

1. گشاده روئی در حق آنها: بوسیله روبرو شدن با آنان با فراخی و خوشرویی و دوری و پرهیز از اخم کردن و ترشرویی.
2. اظهار دوستی و محبت به آنها: بوسیله سلام کردن به آنها، دستبوسی و روبوسی آنان و جادادن به آن‌ها در مجلس.
3. با ادب و احترام نشستن در مقابل آنها: بوسیله درست نشستن و پرهیز از هر چه که آن‌ها فکر کنند اهانت و بی‌احترامی به آن‌ها است. مانند دراز کشیدن، با خنده پر صدا بحضور آنان دراز کشیدن و برهنه شدن. اشتغال به منکرات نزد آنان و غیر این‌ها که منافی ادب و احترام باشد.
4. پرهیز از منت گذاشتن و به رخ کشیدن بخشش و یا خدمتی که نسبت به آن‌ها انجام می‌دهید: منت گذاردن، احساس و نیکی انسان را به هدر می‌دهد، و از عیب‌های اخلاق است، و زشتی آن هنگامی بیشتر می‌شود که در حق پدر و مادر باشد.
5. مقدم داشتن حق مادر «بر پدر به هنگام انتخاب یکی از آن دو»: از مواردی که باز رعایت آن لازم است مقدم داشتن نیکی و فرمانبرداری در حق مادر بر فرمانبرداری و توجه به پدر است. و آن بخاطر حدیث پیامبر است.

«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ س قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي؟ قَالَ: «أُمُّكَ». قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «ثُمَّ أُمُّكَ». قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «ثُمَّ أُمُّكَ». قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «ثُمَّ أَبُوكَ». (البخارى:5971). «ابوهریره س می‌گوید: شخصی نزد رسول ‏الله ص آمد و گفت: چه کسی برای خوش رفتاری من از دیگران، مستحق‌تر است؟ فرمود: «مادرت». گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: «مادرت». گفت: بعد از او چه کسی؟ فرمود: «باز هم مادرت». پرسید: پس از او چه کسی؟ فرمود: «بعد از او پدرت»».

1. عادت دادن فرزندان به نیکی کردن و فرمانبرداری: بطوریکه مرد خانه الگوی آنان شده و در حدّ امکان برای تقویت و تثبیت علاقه بین فرزندان خود و پدر و مادرش تلاش نماید.
2. اجازه خواستن از آن‌ها و کمک گرفتن از رأی و اندیشه آنان: چه برای سفر با دوستان به صحرا، یا در سفر خارج شهر برای تحصیل و غیر آن، یا برای خارج شدن از منزل و اقامت در بیرون آن، اگر چنانچه اجازه دادند که خوب، وإلاَّ در صورتیکه اجازه نداد باید کوتاه آمد و آنچه را می‌خواست انجام دهد ترک کند «که خیر در آن است» بخصوص اگر تدبیر و رأی آنان مستدل و یا از روی دانش و فهم باشد.

برادر و خواهر مسلمان بدانکه نافرمانی و آزردن پدر و مادر: انکار و تکذیب نیکوئی و فضل، نمک نشناسی و دلیل حماقت و نادانی و فرومایگی است.

نافرمانی و آزردن نشانه‌‌های متعدد صورت‌های گوناگونی دارد که بعضی از آن‌ها بدین شرح است:

\* گریاندن و اندوهگین نمودن آنان: داد زدن و درشتی نمودن با آنها، اظهار اندوه و دلتنگ شدن و بستوه آمدن از دستورات آنها، نگاه خشمگینانه به آنان، اخم کردن بر رویشان. ترک همکاری و کمک به آنها، کم اهمیت شمردن رأی آنان، طعنه زدن و نکوهش آنان.

\* باز از گونه‌‌های نافرمانیست: بخیل بودن و خست و سخت‌گیری از لحاظ نفقه و مخارج بر آنها، دوری گزیدن و ترک دوستی و نصیحت آنان، مقدم داشتن فرمانبرداری و اطاعت همسر و فرزندان بر اطاعت آنان.

\* باز از گونه‌‌های نافرمانی و آزار آن‌ها است: رها کردن و تنها گذاشتن آنان به هنگام نیاز و پیری و بیزاری جستن از آنان، پرهیز از یاد کردن و نام بردن و نسبت دادن خود به آن‌ها که این از بزرگ‌ترین نافرمانی‌هاست.

\* باز از گونه‌‌های سرپیچی و نافرمانیست: دور شدن و جدایی و ترک آنان در دوران پیری و مراقبت. به هنگام مریضی و فقیر بودن‌شان آرزوی نابود شدن آنان، و خلاصی یافتن از دست‌شان.

\* باز از گونه‌‌های نافرمانی و آزار والدین است: دزدی از آنان، تجاوز به حریم شخصیت آنان بوسیله ضرب و شتم، و یا منت گذاردن و به رخ کشیدن چیزی که به آن‌ها تقدیم کرده‌ای، یا اشتغال به کار‌های زشت نزد آنان، و یا روی گرداندن با حالت تنفر به هنگام سخن گفتن آنان.

آنچه ذکر شد قسمتی از مظاهر و گونه‌‌‌های نافرمانی و آزار والدین است. پس چه دور است خیر و نیکی از کسیکه پدر و مادرش را آزار دهد، و چه عاقبت و کیفر بدی در انتظار اوست. شر و بدی چه زود به سراغش می‌آید، و این «عاقبت بد» امری است محسوس و قابل رؤیت که همه مردم می‌دانند و با چشم سر آن را دیده و داستان‌های متعددی را از مردمانی که به سبب نافرمای و آزار والدین به کیفر اعمال خود رسیده و خوار و ذلیل شده‌اند، شنیده‌اند.

وصلى الله على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

اندرزدهنده خاموش

ترجمه:

الواعظ الصامت

الحمدلله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده نبينا محمد وعلى آله وصحبه، أما بعد:

سپاس و ستایش خدای یکتا را، درود و سلام خدا بر محمد ص و آل و أصحاب او خاتم پیغمبران اما بعد.

قبر

قبر خانه تنهایی، سرای ترس و دلتنگی، زادگاه و موطن تاریکی است، ملازم آن در بیخوابی، و ساکن آن در خاموشی. یار و همدم وی، ناله و فریاد، خونا به کرم است. خانه مردگان، جای حسرت و افسوس و غصه‌هاست.

قبر: پیامبر درباره‌اش فرمودند: «إنَّ القبر أول منازل الآخرة فإن نجی منه فما بعده أیسرمنه، وإن لم ینج منه فما بعده أشد منه». (الترمذی). «قبر اولین منزل از منازل آخرت است. پس اگر فرد از آن نجات یافت بعد از آن (دنباله آن) آسان‌تر است. و اگر از آن رستگار نشد بعد از آن سخت‌‌تر است».

باز پیامبر ص در درباره آن فرموده: «ما رأیت منظراً قط إلاَّ والقبر أفظع منه». (صحیح الترغیب والترهیب). «هرگز منظر وحشتناکى ندیدم، مگر اینکه قبر وحشتناک‌تر از آن است».

قبر خانه‌ای است که بعد چند لحظه یا چند ساعت و یا چند سال دیگر بطرف آن کوچ خواهی نمود، و مسلمان شکی در آمدن این لحظه را ندارد.

قبر: منظره‌ایست که با آن دل‌ها نرم، و چشم‌ها گریان می‌شوند. انسان را نسبت به دنیا بی‌علاقه، و به آخرت ترغیب و علاقه‌مند می‌نماید. یادآور مرگ، در هم کوبنده لذات و خوشیها. جدائی کننده جمعیت‌هاست. پند و عبرت و بیداری از غفلت را یاد می‌دهد.

قبر: با بی‌صدایی زندگان را پند می‌دهد. تا آینده را بیاد آورند و بیشتر برای آخرت و معاد آماده شوند. پیامبر ص فرمود: «كنت نهیتكم عن زیارة القبور فزوروها فإنها تذكر الآخرة». «شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم. از این به بعد آن‌ها را زیارت کنید. «به زیارت قبرها بروید» چون یادآور آخرت است».

در آنجا قبر می‌پرسد کجاست ثروت و سامان؟ کجاست زیبایی و فربندگی؟ تندرستی و نیرو کجاست؟ بیماری و ناتوانی «سستی» کجاست؟ کجاست توانایی و قدرت؟ سلطه و عظمت کجاست؟ تضرع و فروتنی یا خواری کجایند؟ آری قطعاً قبر جسم‌های نازک و توانگری را که همواره در نعمت بودند و بوی عطر از آن‌ها برمی‌خواست می‌فشارد. و چه کاری که با آن‌ها می‌کند؟!.

در داخل قبر چهره‌‌های فریبنده، دست‌های ستمکار، زبان‌های دروغگو، چشم‌های خائن و دل‌های سیاه به استخوان‌های پوسیده تبدیل می‌شوند. و بجز اعمالی که صاحب قبر پیش از خود فرستاده چیزی باقی نمی‌ماند «تنها کار‌های نیک انسان در دنیاست که در قبر بداد او می‌آید».

عذاب قبر: پیامبر ص هیچ نمازی را نمی‌خواند مگر آنکه در آن نماز از عذاب قبر بخدا پناه می‌برد. و می‌فرمود: «إذا فرغ أحدكم من التشهد الأخیر فلیتعوذ بالله من أربع: من عذاب جهنم، ومن عذاب القبر، ومن فتنة الـمحیا والـممات، ومن فتنة الـمسیح الرجال». (ابن ماجه). «هرگاه در نماز به آخر تشهد دوم رسیدید «قبل از سلام کردن» از چهار چیز به خدا پناه برید:1- از عذاب جهنم، 2- عذاب قبر، 3- فتنه زنده‌ها و مرد‌ه‌ها، 4- و فتنه دجال».

پیامبر ص به اصحاب و یاران خود می‌فرمود: «استعیذوا بالله من عذاب القبر فإنَّ عذاب القبر حق». (أحمد). «از عذاب قبر بخدا پناه ببرید، همانا عذاب قبر حق است».

و پیامبر ص می‌فرماید: «إنَّ هذه القبور مـملوءة ظلمة علی أهلها وإنَّ اللهﻷ ینورها لـهم بصلاتي علیهم». (مسلم). «همانا این قبرستان‌ها بر ساکنینش بسیار تاریک است. خداوند ﻷ بوسیله دعای من برایشان آن را روشن و نورانی می‌گرداند».

برادر و خواهر جان: قبر همان اندرز دهنده ساکت است. اندرزها و پند‌های آن را شنیدی حال چه چیزی برایش مهیا نموده‌ای؟ آیا کردار نیک و عمل صالحی که شما را از ترس و عذاب آن نجات دهد برای داخل قبر آماده نموده‌ای؟ یا اینکه بی‌خبری از اینکه روزی به آنجا خواهی رفت. برادر و خواهرم بهتر است خود را برای آن روز آماده کنی «توشه‌ای برای آن روز داشته باشی» تو می‌توانی کارهای نیک انجام دهی و نیک باشی. باقیمانده عمر خود را غنیمت شمار. این زندگی فرصتی است برای نجات «در آنجا»، برخیز و کمر همت ببند و تصمیم بگیر که از این به بعد نیک باشی و نیکی کنی. قبل از اینکه به هنگام مرگ پشیمان و شرمنده شوی که فایده‌ای ندارد.

راه بدون بازگشت

ترجمه:

ذِهاب بِلا عَودة

تالیف: ابوعبدالرحمن

الحمدلله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده نبينا محمد وعلى آله وصحبه، أما بعد:

ناگهان خبر می‌رسد که فلانی فوت کرد:

«‌عن أبی سعید الخدري س قال: كان النبي ص یَقُولُ: إذا وُضَعَت الجَنازَةُ فَاحتَمَلَها الرِّجالَ عَلی أعَناقِهِمَ فِإن كانَت صالَحِةً قالَت قَدِّموني وإن كانت غَیرَ صالحِةٍ قالت لأَهلِها یاویلَها أینَ تَذهَبوُن بها، یسمع صوتها كلّ شيءٍ إلاَّ الإنسان، ولو سمع الإنسان لَصَعِقَ». (البخاری). «از ابو سعید خدری س روایت شده که پیامبر ص می‌فرمود ‌هرگاه جنازه‌ای را گذاشتند و برای قبرستان آماده شد. مردم آن را بر دوش خود حمل می‌کنند. اگر صالح و نیکوکار باشد می‌گوید: مرا به جلو ببرید، و اگر آدم بدی باشد به خانواده‌اش می‌گوید: وای بر او کجایش می‌برید «چه عذابی در انتظار او است». صدای این فریاد را بجز انسان همه چیز می‌شنود، و اگر انسان آن را بشنود بیهوش خواهد شد».

بعد از انسان چه چیزهایی بر جای می‌ماند: «قال النبی ص یتبع الـمیت ثلاثة: أهله وماله وعمله: فیرجع اثنان ویبقی واحد، یرجع أهله وماله ویبقی عمله». (متفق علیه). «رسول الله ص می‌فرماید: سه چیز بعد از مرده به او ملحق می‌شود. خانواده، ثروت و مال، و اعمال وی، سپس دو مورد آن باز می‌گردند و یکی از آن‌ها باقی می‌ماند و «با او وارد قبر می‌شود» خانواده و ثروت او بر می‌گردند، و عمل وی همراه اوست».

موعظه

عَنْ عَبْدِاللَّهِ بن مسعود س قَالَ: خَطَّ النَّبِيُّ ص خَطًّا مُرَبَّعًا، وَخَطَّ خَطًّا فِي الْوَسَطِ خَارِجًا مِنْهُ، وَخَطَّ خُطَطًا صِغَارًا إِلَى هَذَا الَّذِي فِي الْوَسَطِ مِنْ جَانِبِهِ الَّذِي فِي الْوَسَطِ، وَقَالَ: «هَذَا الإِنْسَانُ، وَهَذَا أَجَلُهُ مُحِيطٌ بِهِ، أَوْ قَدْ أَحَاطَ بِهِ، وَهَذَا الَّذِي هُوَ خَارِجٌ: أَمَلُهُ، وَهَذِهِ الْخُطَطُ الصِّغَارُ: الأَعْرَاضُ، فَإِنْ أَخْطَأَهُ هَذَا، نَهَشَهُ هَذَا، وَإِنْ أَخْطَأَهُ هَذَا، نَهَشَهُ هَذَا». (بخارى:6417). «عبدالله بن مسعود س می‌گوید: نبی اکرم ص مربعی رسم کرد و خطی هم از وسط آن، رسم نمود طوریکه از آن، خارج می‌شد. و پیرامون آن قسمت از این خط که داخل مربع، قرار داشت، خط‌های کوچکی رسم نمود که به‌سوی آن، در حال حرکت بودند و فرمود: «این خط که داخل مربع قرار دارد، انسان است. و این مربع، اجل اوست که وی را احاطه کرده است. این خط که خارج از مربع، قرار دارد، آرزوهایش می‌باشند. و این خط‌های کوچک، مسائل و مشکلات‌اش هستند. اگر انسان از یکی از این‌ها نجات پیدا کند، به دام دیگری می‌افتد. و اگر از دومی، نجات پیدا کند، به دام آن یکی دیگر، خواهد افتاد».

تصادف زلزله سرطان حادثه

..... .بلا سکته بیماری سیل

آدمی

اَمَل و آرزوها

اجل

اجل

شکل مربع برابر حدیث فوق

«عَنْ عَلِيٍّ س قَالَ: كُنَّا فِي جَنَازَةٍ فِي بَقِيعِ الْغَرْقَدِ، فَأَتَانَا النَّبِيُّ ص فَقَعَدَ وَقَعَدْنَا حَوْلَهُ، وَمَعَهُ مِخْصَرَةٌ، فَنَكَّسَ فَجَعَلَ يَنْكُتُ بِمِخْصَرَتِهِ، ثُمَّ قَالَ: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ، مَا مِنْ نَفْسٍ مَنْفُوسَةٍ، إِلاَّ كُتِبَ مَكَانُهَا مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَإِلاَّ قَدْ كُتِبَ: شَقِيَّةً أَوْ سَعِيدَةً». فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَلا نَتَّكِلُ عَلَى كِتَابِنَا وَنَدَعُ الْعَمَلَ، فَمَنْ كَانَ مِنَّا مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ فَسَيَصِيرُ إِلَى عَمَلِ أَهْلِ السَّعَادَةِ، وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَّا مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ فَسَيَصِيرُ إِلَى عَمَلِ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ، قَالَ: «أَمَّا أَهْلُ السَّعَادَةِ فَيُيَسَّرُونَ لِعَمَلِ السَّعَادَةِ، وَأَمَّا أَهْلُ الشَّقَاوَةِ فَيُيَسَّرُونَ لِعَمَلِ الشَّقَاوَةِ». ثُمَّ قَرَأَ: ﴿فَأَمَّا مَنۡ أَعۡطَىٰ وَٱتَّقَىٰ٥ وَصَدَّقَ بِٱلۡحُسۡنَىٰ٦ فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلۡيُسۡرَىٰ٧﴾ [اللیل: 5-7]. الآیةَ. (بخارى:1362). «علی س می‌فرماید: برای تشییع جنازه‌ای به قبرستان بقیع غرقد، رفته بودیم. رسول الله ص تشریف آورد و نشست. ما نیز اطراف او نشستیم. رسول الله ص که عصایی در دست داشت و نوک آن را آهسته بر زمین می زد، فرمود: «کسی در میان شما نیست و اصلا هیچ انسانی وجود ندارد، مگر اینکه جایگاهش در بهشت و دوزخ، معین شده و سعادت و شقاوتش، تعیین گردیده است». یکی عرض کرد: ای رسول خدا! پس چرا عمل را کنار نگذاریم و به تقدیر خود، توکل نکنیم؟ زیرا هر کدام از ما، اهل سعادت باشد، خود به خود بسوی عمل اهل سعادت، می‌رود و اگر، اهل شقاوت باشد، به‌سوی عمل اهل شقاوت می‌رود».

رسول الله ص فرمود: «چنین نیست، برای اهل سعادت، انجام اعمال نیک، آسان می‌شود، و برای اهل شقاوت، ارتکاب اعمال بد، آسان می‌گردد». سپس، آنحضرت ص این آیه را تلاوت فرمود: ﴿فَأَمَّا مَنۡ أَعۡطَىٰ وَٱتَّقَىٰ٥ وَصَدَّقَ بِٱلۡحُسۡنَىٰ٦ فَسَنُيَسِّرُهُۥ لِلۡيُسۡرَىٰ٧﴾ [اللیل: 5-7]». «اما آن کس که (در راه خدا) انفاق کند و پرهیزکاری پیش گیرد. و جزای نیک (الهی) را تصدیق کند. ما او را در مسیر آسانی قرار می‌دهیم».

و در روایتى: «كُلٌّ يَعْمَلُ لِمَا خُلِقَ لَهُ أَوْ لِمَا يُسِّرَ لَهُ». (بخارى:6596).

«هرکس، عملی را انجام می‌دهد که برای آن، آفریده شده است. و یا هرکس، همان کاری را انجام می‌دهد که برایش میسر است».

.﴿كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۗ وَإِنَّمَا تُوَفَّوۡنَ أُجُورَكُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ فَمَن زُحۡزِحَ عَنِ ٱلنَّارِ وَأُدۡخِلَ ٱلۡجَنَّةَ فَقَدۡ فَازَۗ وَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلۡغُرُورِ١٨٥﴾ [آل عمران: 185].

«هر کسى مرگ را مى‏چشد؛ و شما پاداش خود را بطور کامل در روز قیامت خواهید گرفت; آن‌ها که از آتش (دوزخ) دور شده، و به بهشت وارد شوند نجات یافته و رستگار شده‏اند و زندگى دنیا، چیزى جز سرمایه فریب نیست».

«آری آدمی که فوت کرد مردم جنازه او را بر دوش خود حمل و او را به خاک می‌سپارند». بعد از آن چه؟ همه چیز خاتمه یافت مردم به قبر تو پشت کرده «و بطرف خانه‌هایشان بر می‌گردند و تو صدای کفش‌های آن‌ها را می‌شنوی چند روزی خانواده‌ات در سوگ تو گریه می‌کنند و سپس تُو را از یاد می‌برند.

تو تنها میمانی. حال فکر کن که اگر دوباره برانگیخته شدی و از قبر برخاستی چه چیزی را آرزو می‌کنی؟ سیگار؟ خلافکاری و مزاحمت؟ آواز و ترانه؟ آرایش و خودنمایی، یا طاعت و عبادت؟ به خود فکر کن، و این‌ها را در نظر بیاور. بیاد بیاور که در قبر از اعمال و کردارت سوال می‌شود. چه آورده‌ای؟ آن وقت چه پاسخی خواهی داد؟ (20) ترانه، (60) فیلم، هزاران سیگار. یا نمازها و دعا و صلواتی که بدادت می‌رسند، و اعمال صالحی که از آن بهره‌مند شوی و بتو نفع رسانند. «كفی بِالْمَوْتِ وَاعِظاً». مرگ بعنوان موعظه و پند کافی است. برای این سفر «بدون بازگشت» زاد و توشه آماده کن همانا بحقیقت بهترین توشه تقواست. ﴿فَإِنَّ خَيۡرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقۡوَىٰ﴾ [البقرة: 197]. «که بهترین زاد و توشه، پرهیزکارى است».

﴿وَٱتَّقُواْ يَوۡمٗا تُرۡجَعُونَ فِيهِ إِلَى ٱللَّهِۖ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ٢٨١﴾ [البقرة: 281].

«و از روزى بپرهیزید (و بترسید) که در آن روز، شما را به سوى خدا بازمى‏گردانند; سپس به هر کس، آنچه انجام داده، به طور کامل باز پس داده مى‏شود، و به آن‌ها ستم نخواهد شد. (چون هر چه مى‏بینند، نتایج اعمال خودشان است)».

توضیح:

بقیع قبرستانی است در مدینه و به جایی گفته می‌شود که در آن درختان و گیاهان گوناگون باشد.

بقیع الغرقد: که در حدیث آمده چون در آن قبرستان گیاهی بنام غرقد زیاد است به بقیع غرقد مشهور است.

غرقد نام گیاهی است که به فارسی دیوخار نام دارد. گیاهی است دارای برگ‌های کامل و به رنگ‌های سفید و بنفش و قرمز و صورتی و زرد دیده می‌شود و (70) گونه از آن شناخته شده است. که همگی در نواحی گرم و معتدل می‌رویند.

(فرهنگ معین جلد دوم).

پاک کنندگان گناهان

خصلت‌هایى که خطا و گناهان را محو می‌کند

ترجمه:

مذهبات السیئات

تألیف:

صالح بن عبدالله الصیاح

(مطالب زیر) تو را بسوی کارهایی هدایت می‌کند که گناهان را محو، و از بین می‌برد.

1. ترک شرک: «قالَ الله تَبارَك وَتَعالی: یَا ابْنَ آدَمَ لَوْ لَقَیْتَني بِمِثْلِ الْأَرْضِ خَطایَا لاَ تشرك بي شَیئاً لَقیتُك بِملء الأرض مغفرة». (مسلم). «پیامبر ص می‌فرماید: که خداوند «در حدیث قدسی» فرموده: ای بنی آدم اگر به اندازه کره زمین خطا و گناه داشته اما شریکی برایم قائل نشده باشی شما را با دنیایی از گذشت و مغفرت بحضور می‌پذیرم».
2. نماز پنجگانه، و نماز جمعه: «الصلوات الـخمس والـجمعة إلى الـجمعة مكفرات لـما بینهن إذا اجتنبت الكبائر، ما من امریء مسلم تحضره صلاة مكتوبة فیحسن وضوءَها وخشوعها وركوعها إلاَّ كانت كفارة لـما قبلها من الذنوب ما لم یؤتَ كبیرة وذلك الدهر كله». (البخاری). «رسول الله ص می‌فرماید: ادای نماز‌های پنجگانه و نماز جمعه تا جمعه بعد، کفاره گناهان (صغیره) فاصله بین خود می‌باشند بشرطیکه از گناهان کبیره پرهیز شود. هر مسلمانی که به هنگام آمدن وقت نماز مرتب و کامل وضو بگیرد، و رکوع و سجود را نیکو بجا آورد، و خاشع و خاضع باشد. بشرطیکه بسوی گناهان کبیره نرود نمازهایش برای همیشه کفاره گناهان گذشته او خواهد بود».

نماز: عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ س: أَنَّ رَجُلا أَصَابَ مِنِ امْرَأَةٍ قُبْلَةً، فَأَتَى النَّبِيَّ ص فَأَخْبَرَهُ، فَأَنْزَلَ اللَّـهُ : ﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ طَرَفَيِ ٱلنَّهَارِ وَزُلَفٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِۚ إِنَّ ٱلۡحَسَنَٰتِ يُذۡهِبۡنَ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ﴾ [هود: 114] قَالَ الرَّجُلُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إليَّ هَذَا؟ قَالَ: «لِجَمِيعِ أُمَّتِي كُلِّهِمْ». (بخارى:526). «ابن مسعود س می‌گوید: شخصی زنی را بوسید. بعد از آن، خدمت رسول‏ الله **ص** آمد و گفت: ای رسول خدا! مرتکب چنین خطایی شده‌ام، تکلیف چیست؟ آنگاه، خداوند این آیه را نازل فرمود: «در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار; چرا که حسنات، سیئات (و آثار آن‌ها را) از بین مى‏برند». آن شخص، سؤال کرد: ای رسول ‏الله! آیا این حکم، ویژۀ من است؟ رسول ‏الله **ص** فرمود: «خیر، بلکه شمال حال همه‌ی امت من است»».

1. انجام دادن دو رکعت با خشوع: قَالَ رَسُولُ اللَّه ص: «مَنْ تَوَضَّأَ نَحْوَ وُضُوئِي هَذَا ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ لا يُحَدِّث فِيهِمَا نَفْسَهُ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخارى:159). «رسول الله ص فرموده است: «هرکس، مانند این وضوی من، وضو بگیرد و با اخلاص، دو رکعت نماز بخواند، خداوند تمام گناهان گذشته‌اش را مورد عفو قرار خواهد داد»».
2. روزه: «فِتْنَةُ الرَّجُلِ فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ وَجَارِهِ تُكَفِّرُهَا الصَّلاةُ وَالصَّوْمُ وَالصَّدَقَةُ وَالأَمْرُ وَالنَّهْيُ». (بخارى:525). «فتنه‏هایی که دامن‌گیر مرد از ناحیه زن، فرزند، ثروت و همسایه می‌شود به وسیله نماز، روزه، صدقه، و امر به معروف و نهی از منکر از بین خواهند رفت».
3. روزه ماه رمضان: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخارى: 38). رسول الله ص فرمود: «کسی که ماه رمضان را از روی ایمان و برای حصول اجر و پاداش، روزه بگیرد، گناهان گذشته‌اش، آمرزیده می‌شوند».
4. قیام رمضان «تروایح» «مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخارى:37). پیامبر ص می‌فرماید: «هر کس، ماه مبارک رمضان را بقصد حصول ثواب، در عبادت بگذراند، تمام گناهان گذشته‌اش، مورد عفو قرار خواهند گرفت».
5. بیداری و بر پاداشتن شب‌های قدر: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ س قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله ص: «مَنْ يَقُمْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخارى:35). از ابو هریره س روایت است که رسول الله ص فرمود: «هر کس، شب قدر را بقصد ثواب، زنده نگاه دارد، (یعنی آن شب را در عبادت و بندگی بسر برد)، همۀ گناهان گذشته‌اش، مورد عفو قرار خواهند گرفت».
6. روزه روز عرفه، «روز قبل از عید»، «صیام یوم عرفة أحتسب على الله أن یُكفِّرَ السنة التي قبله والسنة التي بعده». (الترمذی و ابن ما جه و الحاکم). «پیامبر ص می‌فرماید: روزه روز عرفه کفاره گناهان سال قبل و سال بعد از خود می‌باشد».
7. روزه روز (10) ماه محرم «عاشورا» «صیام یوم عاشوراء أحتسب علی الله أن یُكفِّرَ السنة التي قلبها». (أبوداود، ترمذی، ابن ماجه وحاکم). «روزه عاشورا «روز دهم ماه محرم» کفاره گناهان سال قبل از خود است».
8. صدقه: «الصَّدَقةُ تُطْفِیءُ الْخَطیئَةَ كما یُطْفِیُء النّارُ الـْماءُ». (الترمذی). «صدقه گناهان را محو و نابود می‌کند همانطور که آب آتش را خاموش می‌کند».

«يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ، فَإِنِّي أُرِيتُكُنَّ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ». (متفق علیه). «ای گروه زنان ! صدقه دهید. زیرا شما را بیش‌ترین اهل دوزخ دیدم».

1. امر بمعروف و نهی از منکر: «فِتْنَةُ الرَّجُلِ فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ وَجَارِهِ تُكَفِّرُهَا الصَّلاةُ وَالصَّوْمُ وَالصَّدَقَةُ وَالأَمْرُ وَالنَّهْيُ». (بخارى:525). «فتنه‏هایی که دامن‌گیر مرد از ناحیه زن، فرزند، ثروت و همسایه می‌شود به وسیله نماز، روزه، صدقه، و امر به معروف و نهی از منکر از بین خواهند رفت».
2. آمین گفتن: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ س: أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ: «إِذَا أَمَّنَ الإِمَامُ فَأَمِّنُوا، فَإِنَّهُ مَنْ وَافَقَ تَأْمِينُهُ تَأْمِينَ الْمَلائِكَةِ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخارى:781). «ابوهریره س می‏گوید: رسول‏ الله ص فرمود: «هنگامی که امام آمین گفت، شما نیز آمین بگویید. زیرا آمین هر کس که همزمان با آمین فرشتگان باشد، تمام گناهان گذشته‌اش، آمرزیده می‌شود». (گفتنی است که بعد از آمین امام، فرشتگان نیز آمین می‏گویند)». (مترجم).
3. گفتن این ذکر: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ س أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: إِذَا قَالَ الإِمَامُ: سَمِعَ اللَّـهُ لِمَنْ حَمِدَهُ فَقُولُوا: اللَّـهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، فَإِنَّهُ مَنْ وَافَقَ قَوْلُهُ قَوْلَ الْمَلائِكَةِ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخارى:796). «ابوهریره س می‏گوید: رسول‏ الله ص فرمود: هنگامی که امام (سَمِعَ اللَّـهُ لِمَنْ حَـمِدَهُ) می‏گوید، شما (اللَّـهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ) بگویید. اگر این گفتۀ شما همزمان با (اللَّـهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ) ملائکه ادا شود، تمام گناهان گذشتۀ شما مورد عفو قرار خواهند گرفت».
4. حج مبرور و مقبول: «عن أَبَي هُرَيْرَةَ س قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ ص يَقُولُ: «مَنْ حَجَّ لِلَّهِ، فَلَمْ يَرْفُثْ، وَلَمْ يَفْسُقْ، رَجَعَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»». (بخارى: 1521). «ابوهریره س می‌گوید: شنیدم که رسول ‏الله ص فرمود: «هرکس، بخاطر (رضای) خدا حج نماید و از مقاربت جنسی و مقدمات آن، (در زمان حج) پرهیز نماید و مرتکب معصیت نشود، چنان از گناه پاک می‌شود که گویی تازه از مادر، متولد شده است»».

«الْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلاَّ الْجَنَّةُ». (بخارى:1773). «حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد».

1. اندوه و گرفتاری: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُصِيبُهُ أَذًى إِلاَّ حَاتَّ اللَّـهُ عَنْهُ خَطَايَاهُ، كَمَا تَحَاتُّ وَرَقُ الشَّجَرِ». (بخارى:5647). «هر مسلمانی که به مصیبتی، گرفتار آید، خداوند گناهانش را می‌ریزد همانگونه که برگ درختان، می‌ریزند».

«عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ وَأَبِي هُرَيْرَةَ س عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: «مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلا وَصَبٍ، وَلا هَمٍّ وَلا حُزْنٍ، وَلا أَذًى وَلا غَمٍّ، حَتَّى الشَّوْكَةِ يُشَاكُهَا، إِلاَّ كَفَّرَ اللَّـهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ». (بخارى:5642). «ابوسعید خدری و ابو هریره ب می‌گویند: نبی اکرم ص فرمود: «مسلمان، دچار هیچگونه خستگی، بیماری، نگرانی، ناراحتی، گرفتاری و غمی نمی‌شود مگر اینکه خداوند به وسیلۀ آنها، گناهانش را می‌بخشد. حتی خاری که به پایش می‌خلد» (باعث کفارۀ گناهانش می‌شود)».

1. تب: «لا تسبي الحَمی فإنَّها تذهب خطایا بني آدم كما یذهب الكیر خبث الحدید». (مسلم). «رسول الله ص می‌فرماید: تب را دشنام ندهید چون بیماری تب بسان کوره آهنگری که زنگ آهن را می‌زداید، گناهان را محو می‌کند».

اعمال صالح و کردار‌های نیک: ﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ طَرَفَيِ ٱلنَّهَارِ وَزُلَفٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِۚ إِنَّ ٱلۡحَسَنَٰتِ يُذۡهِبۡنَ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ﴾ [هود: 114]. «در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار ؛ چرا که حسنات، سیئات (و آثار آن‌ها را) از بین مى‏برند».

1. عمره: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ س أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلاَّ الْجَنَّةُ»». (بخارى:1773). «از ابوهریره س روایت است که رسول ‏الله ص فرمود: «یک عمره تا عمره دیگر، موجب بخشش و کفاره گناهانی می‏شود که میان آن دو عمره، انجام گرفته‌اند. و حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد»».
2. شهادت در راه خدا: «یُغفر للشهید كلّ ذنب إلاَّ الدَّیْن». (مسلم). «رسول اکرم ص می‌فرماید: همه گناهان کسی که در راه خدا شهید می‌شود بجز بدهی و قرض آمرزیده می‌شود».
3. گفتن این ذکر هنگام خواب: «عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ س قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص: «إِذَا أَتَيْتَ مَضْجَعَكَ فَتَوَضَّأْ وُضُوءَكَ لِلصَّلاةِ، ثُمَّ اضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الأَيْمَنِ، ثُمَّ قُلِ: اللَّـهُمَّ أَسْلَمْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ لا مَلْجَأَ وَلا مَنْجَا مِنْكَ إِلا إِلَيْكَ، اللَّـهُمَّ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ، فَإِنْ مُتَّ مِنْ لَيْلَتِكَ فَأَنْتَ عَلَى الْفِطْرَةِ، وَاجْعَلْهُنَّ آخِرَ مَا تَتَكَلَّمُ بِهِ»، قَالَ: فَرَدَّدْتُهَا عَلَى النَّبِيِّ ص فَلَمَّا بَلَغْتُ: اللَّـهُمَّ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، قُلْتُ: وَرَسُولِكَ، قَالَ: «لا، وَنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ»». (بخارى:247). «از براء ابن عازب س روایت است که نبی اکرم ص فرمود: قبل از رفتن به رختخواب، وضوی کامل بگیر و بر پهلوی راست بخواب و این دعا را بخوان: «اللَّـهُمَّ أَسْلَمْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ لا مَلْجَأَ وَلا مَنْجَا مِنْكَ إِلا إِلَيْكَ، اللَّـهُمَّ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ». «پروردگارا! با خوف و رجاء، چهره‏ام را بسوی تو برمی‏گردانم و تمام امورم را به تو می‏سپارم و تو را پشت و پناه خود می‏دانم. و یقین دارم که هنگام خشم و غضبت، پناهی جز تو ندارم. پروردگارا! به کتابی که نازل فرمودی و پیامبری که مبعوث نمودی، ایمان آوردم). اگر در همان شب بمیری، بر فطرت (با ایمان) از دنیا رفته ای. این جملات را آخرین کلام خود قرار بده. راوی(براء) می‏گوید: این دعا را نزد رسول اکرم ص خواندم. وقتی گفتم: آمَنْتُ بِرَسُوْلِكَ، آنحضرت ص فرمود: «بگو: آمَنْتُ بِـنَـبِيِّكَ». یعنی بجای لفظ رسول، کلمۀ نبی را بکار ببر».
4. یاد خدا و تسبیح «سبحان الله گفتن: «مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ في یَومٍ مِأئةُ مَرَةٍ حَاطَتْ خَطَایَاهُ وَإنْ كانَ مِثلُ زَبَدِ البَحْر». (مسلم). «پیامبر ص می‌فرماید: کسی که در روز صد بار بگوید: سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ یعنی پاکی و بی‌عیبی و ستایش خدای را. گناهانش آمرزیده می‌شود اگر چه به کثرت کف دریا باشد».

«أَیَعْجَزُ أَحَدُكم أنْ یَكسِبَ كلَّ یَومٍ أَلّفَ حَسَنَةٍ. یُسَبِّحُ مِأَئةُ تَسْبیحَةٍ فَیُكتَبُ لَهُ أَلفَ حَسَنَةٍ وَیُحَطُ عَنْهُ أَلَفَ خَطِیْئَةٍ». (مسلم). «پیامبر ص می‌فرماید آیا یکى از شما ناتوان است که هر روز هزار حسنه کسب کند؟ پس در هر روز صد بار بگوید: سبحان الله، صد حسنه را کسب، و صد گناه از او کاسته می‌شود».

1. نماز جماعت: «من تَوَضَّأ للصلاة فأسبغ الوضوء ثم مشی إلى الصلاة المكتوبة فصَلاها مع الناس أو مع الـجماعة أو في الـمسجد غَفَرَ اللهُ لَهُ ذنوبه». (مسلم). «پیامبر ص فرموده است: هر کس وضوء کاملی بگیرد بعداً برای ادای نماز واجب براه افتد آن را با مردم یا با جماعت و یا در مسجد بخواند خداوند گناهانش را عفو می‌نماید»[[1]](#footnote-1).
2. وضوء زیبا و کامل: «من توضأ فأحسن الوضوء خرجت خطایاه من جسده حتی تخرج من تحت أظفاره». (مسلم). «پیامبر ص فرمود: هر کس وضوء بگیرد و وضوءش کامل و زیبا باشد خداوند گناهان او را محو می‌نماید. «گناهانش از تن او حتی از زیر ناخن‌هایش خارج می‌شود»».
3. وضوء کامل به هنگام سختی‌ها، رفت و آمد مسجد و انتظار نماز: «أَلا أدلُّكم علی ما یَمحُو الله به الخطایا ویرفع به الدرجات؟ قالوا بلی یا رسولَ الله، قال: إسباغ الوضوء علی المكاره، وكثرة الخَطا إلى المَساجد، وانتظار الصلاة بعد الصلاة، فذلكم الرّباط، فذلكم الرباط». (مسلم). «رسول ص اکرم فرمود: آیا به شما به چیزی راهنمایى کنم که گناهان را پاک و منزلت و درجات انسان را بالا می‌برد؟ عرض کردند آری ای رسول خدا، فرمود: وضو گرفتن به هنگام سختی‌ها(شدت سرما، و...)، رفت و آمد زیاد به مسجد، و انتظار نماز دیگر پس از نماز فعلی. این‌ها هستند ریسمان برای چنگ زدن (رباط یعنی ربط دهنده)».
4. گفتن این ذکر بعد از اذان: «من قال حین یسمع الـمؤذن: أشهد أن لا إله إلاَّ الله وَحدَهُ لا شَریك لَهُ وَأَنَّ مُحَمَداً عبده ورسوله رضیت بالله رباً وبمحمد رسولاً وبالاسلام دیناً غُفِرَ لَهُ ذنبه». (مسلم). «پیامبر ص می‌فرماید: کسی که به هنگام شنیدن أذان ذکر فوق را بگوید، گناهانش آمرزیده می‌شود».

معنی ذکر: من هم گواهی می‌دهم که خدا یکتا و بی‌نیاز است و محمد بنده و فرستاده اوست و راضیم به اینکه الله پروردگار من و محمد ص پیامبر، و اسلام دین من است).

1. گفتن و خواندن این ذکر بعد از نماز‌های واجب: «من سبَّح الله في دبر كل صلاة ثلاثاً وثلاثين. وحــمد الله ثلاثاً وثلاثين. وكبر الله ثلاثاً وثلاثين. فتلك تسعة وتسعون. وقال، تمام الـمائة: لا إله إلا الله وحده لا شريك له. له الملك، وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، غفرت خطاياه وإن كانت مثل زبد البحر». (متفق علیه). «رسول الله ص می‌فرماید: هر کس پس از هر نماز (33) بار بگوید سبحان الله، و(33) بار بگوید الحمد لله، و(33) بار بگوید الله اکبر که جمعاً می‌شود (99) و برای اینکه صد را تمام کند «ذکر را به صد مرتبه برساند» در آخر این (99) بگوید: لا إله إلا الله وحده لا شريك له. له الـملك، وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، یعنی هیچ خدایی بحق جز او نیست تنها و بی‌نیاز است. عظمت و ستایش لایق اوست و بر هر چیزی قادر است. گناهانش اگر به مانند کف دریا هم زیاد باشد آمرزیده می‌شود».
2. دست مالیدن و مسح رکن یمانی و حجر الاسود و طواف کعبه: «قال ابن عمر سَمْعِتُهُ ص یقول إنَّ مَسْحَهُما ای الركنین كفارةٌ للخطایا، وسمعته یقول: من طاف بهذا البیتِ أُسْبوعاً فأحصاه كان كعتق رقبة، وسمعته یقول: لا یَضَعُ قدماً ولا یرفع أخری إلاَّ حَطَ الله عنه خطیئة، وكتب له بها حسنة». (الترمذی والنسائی). «ابن عمر می‌گوید از پیامبر ص شنیدم که می‌فرمود. همانا مسح آن دو «رکن یمانی وحجرالاسود» کفاره گناهان است، و شنیدم می‌فرمود: کسی که این خانه را «کعبه» هفته‌ای طواف نماید بمانند این است که بنده‌ای را آزاد کرده است، و شنیدم می‌فرمود: هیچ قدمی بر نمی‌دارد مگر اینکه خداوند گناهی از گناهان وی را بخشوده و یا حسنه‌ای برای وی می‌نویسد».
3. کفاره مجلس: «من جلس في مجلس فكثر فیه لَغَطُه فقال قبل أن یقوم من مجلسه ذلك: سبحانك اللّهم وبحمدك أشهد أن لا إله إلاَّ أنت أستغفرك وأتوب إِلَیْك إلّا غُفِرَ له ما كان في مجلسه ذلك». (الترمذی). «پیامبر ص فرمود: کسی که در مجلسی بنشیند که در آن سخنان مختلفی رد و بدل شود، قبل از ترک آن مجلس دعای فوق را بخواند خداوند آنچه که از گناهان در آن مجلس گذشته می‌بخشاید».
4. مجالس ذکر: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ س قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «إِنَّ لِلَّهِ مَلائكَةً يَطُوفُونَ فِي الطُّرُقِ، يَلْتَمِسُونَ أَهْلَ الذِّكْرِ، فَإِذَا وَجَدُوا قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ، تَنَادَوْا: هَلُمُّوا إِلَى حَاجَتِكُمْ، قَالَ: فَيَحُفُّونَهُمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا، قَالَ: فَيَسْأَلُهُمْ رَبُّهُمْ ـ وَهُوَ أَعْلَمُ مِنْهُمْ ـ: مَا يَقُولُ عِبَادِي؟ قَالَ: يَقُولُونَ: يُسَبِّحُونَكَ، وَيُكَبِّرُونَكَ، وَيَحْمَدُونَكَ، وَيُمَجِّدُونَكَ، قَالَ: فَيَقُولُ: هَلْ رَأَوْنِي؟ قَالَ: فَيَقُولُونَ: لاَ، وَاللَّهِ مَا رَأَوْكَ. قَالَ: فَيَقُولُ: وَكَيْفَ لَوْ رَأَوْنِي؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَوْ رَأَوْكَ كَانُوا أَشَدَّ لَكَ عِبَادَةً، وَأَشَدَّ لَكَ تَمْجِيدًا وَتَحْمِيدًا، وَأَكْثَرَ لَكَ تَسْبِيحًا. قَالَ: يَقُولُ: فَمَا يَسْأَلُونِي؟ قَالَ: يَسْأَلُونَكَ الْجَنَّةَ، قَالَ: يَقُولُ: وَهَلْ رَأَوْهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لاَ، وَاللَّهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا. قَالَ: يَقُولُ: فَكَيْفَ لَوْ أَنَّهُمْ رَأَوْهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَوْ أَنَّهُمْ رَأَوْهَا، كَانُوا أَشَدَّ عَلَيْهَا حِرْصًا، وَأَشَدَّ لَهَا طَلَبًا، وَأَعْظَمَ فِيهَا رَغْبَةً. قَالَ: فَمِمَّ يَتَعَوَّذُونَ؟ قَالَ: يَقُولُونَ: مِنَ النَّارِ. قَالَ: يَقُولُ: وَهَلْ رَأَوْهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لاَ، وَاللَّهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا. قَالَ: يَقُولُ: فَكَيْفَ لَوْ رَأَوْهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَوْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ مِنْهَا فِرَارًا، وَأَشَدَّ لَهَا مَخَافَةً. قَالَ: فَيَقُولُ: فَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ. قَالَ: يَقُولُ مَلَكٌ مِنَ الْمَلاَئِكَةِ: فِيهِمْ فُلانٌ لَيْسَ مِنْهُمْ، إِنَّمَا جَاءَ لِحَاجَةٍ. قَالَ: هُمُ الْجُلَسَاءُ لا يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ». (بخارى:6408). «ابوهریره س می‌گوید: رسول الله ص فرمود: «خداوند، فرشتگانی دارد که در راه‌ها مشغول گشت زنی هستند و بدنبال ذاکران می‌گردند. هرگاه، گروهی را ببینند که به یاد خدا مشغول‌اند، یکدیگر را صدا می‌زنند و می‌گویند: به هدف خود رسیدیم. آنگاه، ذاکران را تا آسمان دنیا زیر بالهایشان می‌گیرند. سپس خداوند که حال بندگانش را بهتر می‌داند از فرشتگان می‌پرسد که بندگانم چه می‌گویند؟ فرشتگان می‌گویند: پاکی و بزرگی تو را بیان می‌کنند و تو را تعریف و تمجید می‌نمایند. خداوند می‌فرماید: آیا مرا دیده‌اند؟ جواب می‌دهند: خیر، سوگند به خدا که تو را ندیده‌اند. خداوند می‌فرماید: اگر مرا می‌دیدند، چکار می‌کردند؟ می‌گویند: اگر تو را می‌دیدند، بیشتر عبادت می‌کردند و بیشتر حمد و ثنا و پاکی‌ات را بیان می‌نمودند. آنگاه خداوند می‌فرماید: از من چه می‌خواهند؟ فرشتگان می‌گویند: از تو بهشت می‌طلبند. خداوند می‌فرماید: آیا آن را دیده‌اند؟ می‌گویند: ای پروردگار! نه، سوگند به خدا که آن را ندیده‌اند. می‌فرماید: اگر آن را می‌دیدند، چکار می‌کردند؟ فرشتگان می‌گویند: اگر آن را می‌دیدند، بیشتر به آن علاقه مند می‌شدند، بیشتر به دنبال آن می‌رفتند و بیشتر به آن، تمایل نشان می‌دادند. خداوند می‌فرماید: از چه چیزی پناه می‌خواهند؟ می‌گویند: از جهنم. خداوند می‌فرماید: آیا آن را دیده‌اند؟ می‌گویند: ای پروردگار! نه، سوگند به خدا که آن را ندیده‌اند. خداوند می‌فرماید: اگرآن را می‌دیدند، چکار می‌کردند؟ می‌گویند: اگر آن را می‌دیدند، بیشتر از آن، دوری می‌کردند و بیشتر می‌ترسیدند. سرانجام، خداوند می‌فرماید: شما گواه باشید که من آنان را بخشیدم. یکی از فرشتگان می‌گوید: در میان آنان، فلانی وجود دارد که جزو آنان نیست بلکه برای انجام کاری آمده است. خداوند می‌فرماید: آن‌ها کسانی هستند که همنشینشان هم بدبخت نمی‌شود».
5. کنار زدن اشیاء مزاحم بر سر راه مردم: «بینما رجل یمشی بطریق وجد غصن شوك علی الطریق فأخره فشكرَ اللهَ لَه فَغُفِرَ له». (مسلم). «یکبار مردی در راه عبور می‌کرد، برگ خاری را بر سر راه یافت آن را کنار زد، خداوند او را سپاس گفت و او را آمرزید».
6. ترس از خدا: «یَعجب ربك من راعي غنم في رأس شظیةِ الجبل یؤذن بالصلاةِ ویُصَلّي. فیقول الله ﻷ انظروا إلى عبدي هذا یؤذن ويقیم الصلاة یخاف مني قد غفرت لعبدي وأَدْخَلْتُه الجنة». (أبوداود والنسائی والحاکم). «پیامبر ص فرمود: خداوند از چوپانی که بر قله کوه گوسفند می‌چراند و به هنگام نماز اذان می‌گوید و نماز می‌خواند در شگفت است، و می‌فرماید به این بنده من بنگرید. اذان گفته و نماز می‌خواند و از من می‌ترسد، من او را بخشیدم و به بهشت داخل نمودم».
7. اذان: «الـمؤذن یغفر له بمد صوته ویشهد له كل رطب ویابس». (النسائی). «مؤذن که بانک بر آورد هر تر و خشکی «هر چیز» برایش شهادت و گواهى می‌دهد و گناهانش آمرزیده می‌شود».
8. صلوات بر پیامبر ص: «من صلی عَلَيَّ صَلاةً واحدةً صَلَی اللهُ عَلَیْهِ عَشْر صلوات، وحُطت عنه عشر خطیئات، ورُفعت له عشر درجات». (النسائی والحاکم). «رسول اکرم ص می‌فرماید: کسی که یک صلوات بر من بفرستد خداوند ده صلوات بر او می‌فرستد. و ده گناه او را محو، و ده درجه وی را رفیع و بلند می‌گرداند».
9. نماز در مسجد الاقصی «بیت المقدس»: «لـما فرغ سلیمان من بناء بیت الـمقدس سأل الله ثلاثاً: حُكماً یُصادِفُ حُكمَهُ، ومُلْكا لا یَنْبَغي لأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، وأن لا یأتي هذا الـمسجد أحدٌ لا یرید إلاَّ الصلاة فیه إلاّ خرج من ذنوبه كیوم ولدته أمه، فقال ص أما اثنان قد أعطیهما، وأرجو أن یكون قد أعطي الثالثة». (النسائی أحمد وابن ماجه). «پیامبر ص فرمود: هنگامیکه سلیمان ؛ بنای بیت المقدس را به پایان رسانید سه چیز را از خدا درخواست کرد: 1- حکمى که مطابق حکم خداوند باشد. 2- ملک و پادشاهى که بعد از او برای کسی چنان میسر نشود. 3- بخشیده شدن تمام گناهان کسی که محضاً بمنظور نماز خواندن وارد این مسجد شود. پیامبر فرمود اما آن دو «پادشاهی و ثروت» به وی داده شد و من از خدا می‌خواهم که سومی هم بوی عطا شود».
10. نماز شب: «الصَّدَقةُ تُطْفِیءُ الْخَطیئَةَ كما یُطْفِیُء النّارُ الـْماءُ، وَصَلاَةُ الرَّجُلِ مِنْ جَوفِ اللَیْل». (الترمذی و ابن ماجه). «رسول اکرم ص می‌فرماید: صدقه گناهان را محو و نابود می‌کند همانطور که آب آتش را خاموش می‌کند. و همچنین نماز شب بسان آب که آتش را خاموش می‌کند و از بین می‌برد خطا و گناهان را از بین می‌برد».
11. خواندن این ذکر عظیم: «عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ س عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: «مَنْ تَعَارَّ مِنَ اللَّيْلِ فَقَالَ: لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّـهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلا إِلَهَ إِلاَّ اللَّـهُ وَاللَّـهُ أَكْبَرُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّـهُمَّ اغْفِرْ لِي أَوْ دَعَا اسْتُجِيبَ لَهُ، فَإِنْ تَوَضَّأَ وَصَلَّى قُبِلَتْ صَلاتُهُ». (بخارى:1154). «عباده بن صامتس می‏گوید: نبی اکرم ص فرمود: «هرکس که در شب بیدار شود و این دعا، یعنی: (لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّـهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلا إِلَهَ إِلاَّ اللَّـهُ وَاللَّـهُ أَكْبَرُ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ) را بخواند و سپس، بگوید: خدایا! مرا مغفرت کن. یا دعای دیگری نماید، خداوند، اجابت می‏کند. و اگر (بلند شود و) وضو بگیرد و نماز بخواند، این نماز (بیشتر) به درگاه خدا پذیرفته می‏شود».
12. استغفار «طلب آمرزش از خدا»: «والذي نفسي بیده لو لم ‌تذنبوا لذهب الله بكم ولَـجَاءَ بقوم یذنبون فیستغفرون الله، فیغفر لـهم». (مسلم). «رسول الله ص می‏فرماید: قسم به کسی که نفس من در دست اوست اگر گناه نکنید خداوند شما را از بین می‌برد و بجای شما قومی را می‌آفریند که گناه کنند و سپس استغفار نمایند و خداوند گناهانشان بیامرزد. (در این حدیث اثبات صفت دست براى خداوند است که به جلال و کمال او لایق است و با هیچ چیز تشابه ندارد)».
13. توبه کردن: قال الله تعالي ﴿قُلۡ يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ أَسۡرَفُواْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمۡ لَا تَقۡنَطُواْ مِن رَّحۡمَةِ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًاۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ٥٣﴾ [الزمر: 53]. «بگو: «اى بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‏اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را مى‏آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است».

قال الله تعالى: ﴿أَلَمۡ يَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ يَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ وَيَأۡخُذُ ٱلصَّدَقَٰتِ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ١٠٤﴾ [التوبة: 104]. «آیا نمى‏دانستند که فقط خداوند توبه را از بندگانش مى‏پذیرد، و صدقات را مى‏گیرد، و خداوند توبه‏پذیر و مهربان است؟!».

قال الله تعالى ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَقۡبَلُ ٱلتَّوۡبَةَ عَنۡ عِبَادِهِۦ وَيَعۡفُواْ عَنِ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ وَيَعۡلَمُ مَا تَفۡعَلُونَ٢٥﴾ [الشورى: 25]. «او کسى است که توبه را از بندگانش مى‏پذیرد و بدی‌ها را مى‏بخشد، و آنچه را انجام مى‏دهید مى‏داند».

و قال ص: «من تاب قبل أن تطلع الشمس من مغربها، تاب الله عليه». (مسلم). «و پیامبر ص فرموده است کسی که توبه کند قبل از بر پائی قیامت «قبل اینکه خورشید از طرف مغرب طلوع کند» خداوند توبه او را قبول می‌کند».

1. آب دادن تشنگان: «بیْنَما رَجُلٌ یَمْشِي بِطَریقٍ اشْتَدَ عَلَیِه العَطَشُ فَوَجَدَ بِئْراً فَنَزَلَ فِیهَا فَشَرِبَ ثُمَ خَرَجَ فَإِذَا كلْبٌ یَلْهَثُ يَأْكلُ الثَّرَی مِنَ العَطَش، فَقَالَ الرّجلُ لقَدْ بَلَغَ هَذا الكلْبُ مِنَ العَطَشِ مِثْلَ الذَي كانَ بَلَغَ مِنَي، فَنَزَلَ البِئْرَ فَمَلأ خُفَّهُ مَاءً ثُمَ أَمْسَكهُ بِفِیهِ حَتیَ رَقَی فَسَقی الكلْبَ فَشَكرَ اللهُ لَهُ فَغُفِرَ لَهُ: قالوا یا رسول الله وَإنَّ لَنا فِي هَذِهِ البَهَائِمِ لَأجْرَا؟ فَقَالَ فِي كلِّ كبِدٍ رَطْبَةٍ أَجْرٌ». (مسلم). «یک روز مردی راهی را طی می‌کرد، در راه تشنگی بر او چیره شد و سپس چاه آبی را در راه یافت، وارد آن شد و از آب آن نوشید و از چاه بیرون آمد، سپس سگی را دید که از فرط تشنگی زبان بر خاک می‌مالید. آن مرد گفت این سگ به همان تشنگی من دچار گشته، وارد چاه شد و موزه (پاپوش) خود را پر از آب کرد و آن را بدهان گرفت و از چاه بیرون آمد و آب را به سگ داد، خداوند او را سپاس گفت بخاطر همین کار نیک گناهانش آمرزید. به پیامبر عرض کردند ای رسول خدا آیا در رابطه با این حیوانات نیز اجر داریم؟ پیامبر ص فرمود: در ترحم به هر حیوانی که جگر دارد اجر و پاداش وجود دارد».
2. خواندن این ذکر: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ س: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: «مَنْ قَالَ: لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّـهُ، وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فِي يَوْمٍ مِائةَ مَرَّةٍ، كَانَتْ لَهُ عَدْلَ عَشْرِ رِقَابٍ، وَكُتِبَ لَهُ مِائةُ حَسَنَةٍ، وَمُحِيَتْ عَنْهُ مِائةُ سَيِّئةٍ، وَكَانَتْ لَهُ حِرْزًا مِنَ الشَّيْطَانِ يَوْمَهُ ذَلِكَ حَتَّى يُمْسِيَ، وَلَمْ يَأْتِ أَحَدٌ بِأَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ إِلاَّ رَجُلٌ عَمِلَ أَكْثَرَ مِنْهُ». (بخارى:6403). «ابوهریره س می‌گوید: رسول الله ص فرمود: «هرکس، روزانه صد بار لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّـهُ، وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بگوید، به او به اندازۀ آزاد ساختن ده برده، ثواب می‌رسد. و همچنین صد نیکی برایش نوشته می‌شود و صد گناه از گناهانش، پاک می‌گردد و آنروز تا شب از شیطان، حفاظت می‌شود. و هیچ کس (در روز قیامت) عملی بهتر از آن نمی‌آورد مگر فردی که عمل بیشتری انجام دهد». یعنی همین کلمه را بیشتر بگوید و یا به طور کلی، اعمال بیشتری انجام داده باشد».
3. نماز در چهار مسجد: «عن عاصم بن سُفیان الثقفي قال: قد أخبرنا أنَّه من صلی في الـمساجد الأربعة غُفِرَ له ذنبه». (أحمد والنسائی ابن ماجه وابن حبان). «قال ابن حبان الـمساجد الأربعه: المسجد الحرام، ومسجد المدینة، ومسجد الأقصی، ومسجد قباء». «از عاصم بن سفیان ثقفی روایت شده که گفت پیامبر ص فرموده است. کسی که در چهار مساجد نماز بخواند گناهانش آمرزیده می‌شود. ابن حبان گفته که چهار مساجد عبارتند از: مسجد الحرام، مسجد مدینه، مسجد الاقصی، و مسجد قباء».
4. زیاد خواندن سوره تبارک: «سُورةٌ مِنَ القُرآنِ ثَلاَثُونَ آیَة تَشْفَعُ لِصَاحِبِهَا حَتَی یَغْفِرَ لَهُ: ﴿تَبَٰرَكَ ٱلَّذِي بِيَدِهِ ٱلۡمُلۡكُ﴾». (ابوداود، ابن ماجه، احمد وابن حبان). «پیامبر ص می‌فرماید: در قرآن سوره‌ای هست که سی آیه می‌باشد و برای کسی که آن را می‌خواند شفاعت می‌کند تا آمرزیده می‌شود، آنهم سوره ﴿تَبَٰرَكَ ٱلَّذِي بِيَدِهِ ٱلۡمُلۡكُ﴾ است».
5. خواندن این ذکر: «قال ص لِعَلِيِّ ألَا أُعَلِّمُك كلِماتٍ إذا قلتهن غفر لك، مع أنَّه مغفور لك. لا إله إلاَّ الله العلیم الكریم، لا إله إلاَّ الله العلي العظیم، سبحان الله رب السموات السبع ورب العرش العظیم، الحمد لله رب العالمین». (الترمذی واحمد النسائی). «پیامبر ص به علی س فرمود: کلماتی را به شما یاد دهم که اگر آن‌ها را بخوانی با اینکه آمرزیده شده‌ای خداوند گناهانت را عفو نماید. بگو، لا إله إلاَّ الله العلیم الكریم ...» تا آخر دعا که در حدیث فوق نوشته شده است.

یعنی: هیچ معبودی بحق بجز خدای مهربان و بخشنده نیست، خدایی بجز خدای با عظمت بلندمرتبه وجود ندارد. پاکی و بی‌عیبی برای خداست، پروردگار هر هفت آسمان و پروردگار عرش عظیم. ستایش برای پرودرگار عالمیان.

1. انجام یک خصلت آدمی را وارد بهشت می‌نماید: «عَنْ عَبْداللَّهِ بْنَ عَمْرٍو م يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «أَرْبَعُونَ خَصْلَةً أَعْلاهُنَّ مَنِيحَةُ الْعَنْزِ، مَا مِنْ عَامِلٍ يَعْمَلُ بِخَصْلَةٍ مِنْهَا رَجَاءَ ثَوَابِهَا وَتَصْدِيقَ مَوْعُودِهَا إِلاَّ أَدْخَلَهُ اللَّه بِهَا الْجَنَّةَ». (بخارى:2631). «عبد الله بن عمرو ب می‏گوید: رسول الله ص فرمود: «چهل خصلت (نیکو) وجود دارد که اعلاترین آنها، عاریت دادن بز شیر دِه است. هر کس، یکی از این خصلت‏ها را بقصد ثواب و رسیدن به پاداش موعود، انجام دهد، خداوند او را وارد بهشت خواهد کرد».
2. همکاری و کمک به فقرا و بیوه زنان: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ س قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص: «السَّاعِي عَلَى الأَرْمَلَةِ وَالْمِسْكِينِ، كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَوِ الْقَائِمِ اللَّيْلَ الصَّائِمِ النَّهَارَ». (بخارى:5353). «ابوهریره س می‌گوید: نبی اکرم ص فرمود: «کسی که در جهت تأمین نیازهای زنان بیوه و مساکین، تلاش می‌کند، مانند کسی است که در راه خدا، جهاد می‌نماید، و یا مانند کسی است که شب‌ها را در عبادت بسر می‌برد، و روزها را روزه می‌گیرد»».

زنان دوزخی

ترجمه نساء فی النار

تالیف:

صالح بن عبدالله الصیاح

|  |  |
| --- | --- |
| 1- گناه زنان خودنما | 5- زنان ملعون |
| 2- ویژگی‌های حجاب شرعی | 6- آنچه بر زنان حرام است |
| 3- فضائل حجاب شرعی | 7- موارد حرامی که بین زنان شایع است |
| 4- بخاطر اینکه از زنان خودنما نباشید | 8- پرهیز کن – مواظب باش |

1- آیا می‌دانید زنانی که زینت خود را نشان می‌دهند و خودنمایی می‌کنند و بد حجاب هستند چه گناهی دارند؟

1. آن‌ها ‌اهل آتش هستند. پیامبر ص می‌فرماید: «صنفان من أهل النار لم أرهما: قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس، ونساء كاسيات عاريات مائلات مميلات، رؤوسهن كأسنمة البخت المائلة، لا يدخلن الجنة، ولا يجدن ريحها، وإنَّ ريحها ليوجد من مسيرة كذا وكذا». (مسلم). «دو گروه جهنمی هستند که من آن‌ها را ندیده‌ام: مردمی که به دستشان شلاق‌هایی همانند دم گاو است و مردم را با آن شلاق می‌زنند، و (گروه دوم) زنانی که با وجود پوشش، لخت و عریانند، دیگران را به‌سوی خویش متمایل می‌سازند در حالی که خودشان نیز به آن‌ها تمایل دارند، موهای سرشان بسان کوهان خمیدۀ شتر است، آنان هرگز به بهشت وارد نمی‌شوند و هیچگاه بوی بهشت به مشام‌شان نمی‌رسد، گرچه بوی بهشت در مسافت چنین و چنان یافت می‌شود».
2. در آخرت برهنه و عریانند: پیامبر ص می‌فرماید: «رُبَّ كاسیة في الدنیا عاریة في الآخرة»: یعنی چه بسیار زنانی هستند که در دنیا ظاهراً لباس پوشیده‌اند اما در آخرت عریان خواهند بود. زنانی که لباس‌های نازک و تنگ که برجستگی‌ها و بدن آن‌ها مشخص است.
3. مبغوض‌ترین بندگان نزد خدا هستند: پیامبر در حدیث می‌فرماید: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ س: أَنَّ النَّبِيَّ ص قَالَ: «أَبْغَضُ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ ثَلاثَةٌ: مُلْحِدٌ فِي الْحَرَمِ، وَمُبْتَغٍ فِي الإِسْلامِ سُنَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ، وَمُطَّلِبُ دَمِ امْرِئ بِغَيْرِ حَقٍّ لِيُهَرِيقَ دَمَهُ». (بخارى:6882). «ابن عباس ب می‌گوید: نبی اکرم ص فرمود: «مبغوض‌ترین مردم نزد خداوند سه گروه‌اند: نخست، کسانی که در حرم، ستم و الحاد کنند. دوم: کسانی که در اسلام بدنبال احیاء ارزش‌های دوران جاهلیت باشند. سوم: کسانی که به ناحق در صدد کشتن دیگران برآیند»».
4. ومن سنة الجاهلیة التبرج: یکی از سنت‌ها و رسوم جاهلیت تبرج و خودنمایی زنان است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَبَرَّجۡنَ تَبَرُّجَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ ٱلۡأُولَىٰ﴾ [الأحزاب: 33]. «و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید».
5. به اندازه گناه کسی که او را تقلید و یا فریب او را می‌خورد گناه بر اوست پیامبر ص می‌فرماید: «من دعا إلى ضلالةٍ كان علیه مِنَ الْأَثْمِ مثلَ آثام من تبعه لا ینقص ذلك من آثامهم شیئاً». (مسلم) «دعوت‌کننده بسوی گمراهی علاوه بر گناهان خود در گناهان کسانی که از او پیروی می‌کنند نیز شریک است بدون آنکه چیزی از گناهان آن‌ها کاسته شود».
6. ملعون و مورد نفرت خداست: «فقد روی ... نساء هم كاسیات، عاریات علی رؤوسهن كاسنمه البخت ... ملعونات ...». (احمد ابن حبان و الحاکم). معنی: «از پیامبر روایت شده که زنان بظاهر پوشش دار اما در واقع عریان که موی سرشان بمانند کوهان کج شتر است ملعون و مورد نفرت خدا هستند».
7. زنا کار است: «أیما امرأة استعطرت فمرت علی قوم لیجدوا ریحها فهي زانية». (ابوداود). «هرگاه زنی خود را معطر نماید و بر مردمی عبور نماید تا بوی عطرش به آن‌ها برسد مثل این است که زنا کرده است».
8. نمازش قبول نمی‌شود: پیامبر ص می‌فرماید: «أیما امرأة تطیبت ثم خرجت إلى الـمسجد لم تقبل لـها صلاة حتی تغتسل». (ابن ماجه). «هر زنی که خود را معطر نماید و سپس به مسجد برود نمازش قبول نیست مگر اینکه آثار عطر را از خود بزداید».
9. پرده بین او و خدا پاره شده است: پیامبر ص فرمود: «أیما امرأة وضعت ثیابها في غیر بیت زوجها فقد هتكت سترها فیما بینها وبین الله». (الحاکم). «هر زنی که لباسش را در غیر منزل شوهرش بیرون آورد و برهنه شود پرده بین خود و خدایش را پاره و گشاده است».
10. نسب به خدایش سرکش و نافرمان است: ﴿وَقَرۡنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجۡنَ تَبَرُّجَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ ٱلۡأُولَىٰ﴾ [الأحزاب: 33] «و در خانه‏هاى خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید».

«لاَ تَمنَعوا إِمَاءَ اللهِ مَسَاجِدَ الله وَلْیَخْرُجَنَ وَهُنَّ تَفِلاَتٍ وَبُیوُتَهُنَّ خَیْرٌ لـَهنَّ». (ابوداود). «زنان را از مساجد الهی منع نکنید و هنگام خروج باید بدون عطر و خوشبویی به مسجد بروند، اما در عین حال خانه‌هایشان بهتر است».

1. (زن بد حجاب) اسلحه شیطان است: «الـمرأة عورةٌ فإذا خرجت استشرفها الشیطان وأقرب ما تكون من ربها وهي في قعر بیتها». (الترمذی). «زن عورت «پوشیده‌رو» است بمحض خارج شدن شیطان و شیطان‌صفتان سعی در فریب او را دارند. اگر در کنج خانه باشد و بیرون نیاید به خداوند نزدیک‌تر است».

2- درود بر شما، باز درود بر شما، مبارکتان باد حجاب شرعی

1. چون حجاب خود واجب شرعی و عبادت است و رعایت آن موجب اجر و پاداش بزرگی است و این عبادت و اجر با پوشیدن آن شروع، و با کنار گذاشتن آن پایان می‌یابد.
2. قطعاً بدان که در حال عبادت دائمی هستید در صورتی که 1- در خانه خود ماندگار و مگر برای رفع نیاز از خانه خارج نشوید. 2- یا اگر از خانه خارج شدید از رفتن به اماکن مردان پرهیز نمائید. 3- و اگر از کنار مردان گذشتید حجاب را رعایت نمائید. آنگاه به فرمان خدا پاسخ داده‌اید که می‌فرماید: ﴿وَقَرۡنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجۡنَ تَبَرُّجَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ ٱلۡأُولَىٰ﴾ [الأحزاب: 33]. «و در خانه‏هاى خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید».
3. با پوشیدن حجاب در حال عبادت هستید: چون همانا پوشیدن حجاب نوعی جهاد در راه خداست، بخصوص که هم‌اکنون دشمنان اسلام تمام تلاش خود را برای کنار گذاشتن حجاب زن مسلمان و عملی نمودن این پدیده شوم بکار گرفته‌اند.
4. رعایت حجاب، زن‌ها را شرارت‌های زیادی مانند نگاه‌های بد، ملاقات، تماس، تسلط شیاطین جن و انس محفوظ می‌دارد و منحرفین چشم طمع به تو نمی‌دوزند. خداوند می‌فرماید: ﴿ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ فَلَا يُؤۡذَيۡنَ﴾ [الأحزاب: 59]. «این کار براى اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است».
5. ‌پوشش حجاب دلیل عفت و پاکی زن و قوت دین و عقل او و دوری از شُبهات است و این موارد برای مرد مهم‌ترین صفات انتخاب شریک زندگی است.
6. در ثواب، زنانی که نسبت به حجاب بی‌اهمیت و یا بد حجاب هستند و برای پوشش حجاب از تو پیروی می‌کنند نیز شریک هستید. پیامبر ص می‌فرماید: «من دل علی خیر فهو كفاعله». (مسلم). «کسی که دیگران را بسوی نیکی راهنمایی کند اجرِ او به اندازه کسی است که آن نیکی را انجام دهد».

و نیز می‌فرماید: «من دعا إلى هدی كان له من الأجر مثل أجور من تبعه لا ینقص من أجورهم شیئاً». (مسلم). «کسی که دیگران را به هدایت دعوت کند اجری همانند کسانی که از او پیروی می‌کنند دارد بدون اینکه از اجر آن‌ها ذره‌ای کاسته شود».

1. پوشیدن حجاب راه سلامتی تو از بدی‌های زیادی است که در انتظار توست مانند: خودنمائی، هتک حرمت، پیروی دیگران از شما، و شیفته به شما وغیره.
2. پوشیدن حجاب، غیر مسلمانان را به اسلام فرا می‌خواند و آنان را به کاوش در حقیقت دین و شناخت آن دعوت می‌نماید، بنابراین زن محجبه دعوتگر بسوی دین است.
3. پوشیدن حجاب اسلامی سبب پاکی قلب است: ﴿ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ فَلَا يُؤۡذَيۡنَ﴾ [الأحزاب: 59]. «این کار براى اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است».
4. ثواب شکیبائی و صبر بر انجام دستورات خدا و رنج و محبت و گرفتاری‌های آن، خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَى ٱلنَّفۡسَ عَنِ ٱلۡهَوَىٰ٤٠﴾ [النازعات: 40] «و آن کسی که از مقام پروردگارش ترسان باشد، و نفس را از هوى باز دارد».

آیا صفات و ویژگی‌های حجاب شرعی را می‌دانید؟

* باید بدون استثناء تمام بدن را بپوشاند. به همراه قرار دادن چادر بر سر.
* حجاب نباید تزیین شده باشد، یا در آن تصویر و نقش و نگار و نوشته‌هایی باشد.
* باید کلفت و ضخیم و غیر شفاف باشد، بطوریکه زیر آن دیده نشود.
* (یعنی نباید آنقدر نازک و شفاف باشد که بدن را نمایان سازد).
* باید گشاد و فراخ باشد و چنان تنگ نباشد که برجستگی‌ها و جزئیات بدن «نقاط فتنه انگیز» را نمایان سازد.
* نباید مشابه لباس مردان یا لباس زنان کافر باشد.
* نباید معطر و بخوردار باشد، بخصوص هنگامیکه از کنار مردان می‌گذرد.

1. «بخاطر اینکه از زنان خودنما و متبرج نباشید شما را راهنمایی می‌کنم» آیا شما از زنانی هستید که مو و زینت خود را به نامحرمان نشان می‌دهید و خودنمایی می‌کنید.

اگر یکی از موارد زیر در شما موجود باشد از زنان خودنما و متبرج می‌باشید، پس به‌سوی خدا باز گرد و توبه کن

1. خودنمائی: اگر چیزی از بدن شما مانند سر و صورت و گردن و دست و بازو و ساق پا و سینه و غیر آن بیرون و آشکار باشد و همچنین اگر چادر و لباس‌ها یقه باز و دامن کوتاه را بپوشید.
2. خودنمائی: اگر جامه تن «پوشاک» شما تنگ باشد. مانند چادر یا مانتوی تنگ چسبیده به بدن، پوشیدن شلوار، شلواری که جزئیات بدن در آن نمایان است و به لباس مردان می‌ماند.
3. خودنمائی: اگر کفش‌های پاشنه بلند را بپا و چادر را بر دوش خود بینداری چون سر و شانه‌ها مشخص است و این خود فتنه است، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا يَضۡرِبۡنَ بِأَرۡجُلِهِنَّ لِيُعۡلَمَ مَا يُخۡفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ﴾ [النور: 31] «و هنگام راه رفتن پاهاى خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانیشان دانسته شود (و صداى خلخال که برپا دارند به گوش رسد)».
4. خودنما هستی: اگر حجاب تو تزئینات داشته باشد. مانند چادر طلادوزی شده و زربافت.
5. خودنمائی هستی: اگر لباس‌هایت نازک و شفاف باشد مانند گزاردن پرده نازکی بر صورت.
6. خودنمائی هستی: اگر لباس‌هایت معطر و خوش بو باشد بخصوص اگر توجه مردان را جلب کند.
7. خودنمائی هستی: اگر نزد محارم «اعضای خانواده خویش» شلوار تنگ بپوشید یا یقه و سینه خود باز بگذارید.
8. خودنمائی هستی: اگر با عشوه و کرشمه راه بروید و زیبائی‌های روی خود را به مردان نشان دهید.
9. خودنمائی هستی: اگر صدای خود را برای مردان نرم و نازک و ملیح نموده و آن‌ها صدای خنده تو را بشنوند.

ده صنف از زنان مورد نفرت خدا و ملعون هستند

پناه به خدا که شما از آنان باشید.

1. خالکوب کردن: پیغمبر ص می‌فرماید: «لعن الله الواشمات والـمستوشمات .... الـمغیرات خلق الله تعالی». (البخاری). «خداوند لعنت کرده بر زن خالکوب و زنی که درخواست خالکوبی کند. الواشمه کسی است که بدن دیگران را بوسیله سوزن و سرمه خالکوبی می‌کند. مستوشمه کسی است که به درخواست او بدنش خالکوبی می‌شود».
2. موی ابرو را برداشتن: پیامبر ص می‌فرماید: «لعن الله الـمتنمصات والـمتفلجات للحُسن الـمغیرات خلق الله تعالی». (البخاری). «خداوند زنانی را که موی ابروی دیگران را بر می‌دارند، یا موی ابرویشان برداشته می‌شود، و یا به خاطر زیبائی محض میان دندان‌های خود فاصله می‌اندازند یا آن را باریک می‌نمایند و خلقت خدا را تغییر می‌دهند، لعنت کرده است».

نامصه: کسی است که موی ابروی دیگران را بر می‌دارد و آن را باریک می‌نماید.

متنمصه: کسی است که بدرخواست او موهایش برداشته می‌شود.

1. فاصله انداختن بین دندانها: پیامبر می‌فرماید: «لعن الله ... والـمتفلجات للحُسن الـمغیرات خلق الله». (البخاری).
2. «لعن ص الواشِرة والمُؤْتَشِرة». (احمد). «خداوند: زنانی را که به خاطر زیبائی دندان‌ها را باریک و میان آن‌ها فاصله ایجاد و خلقت خدا را تغییر می‌دهند لعنت کرده است».

واشر: زنانی که دندان دیگران را کوچک و باریک می‌نمایند.

مستوشر و متفلج: زنانی که بدر خواست آن‌ها دندانیشان باریک و کوچک می‌شود.

1. وصل: رسول اکرم ص می‌فرماید: «لعن الله الواصلة والـمستوصلة». (متفق علیه). «خداوند واصله و مستوصله را لعن نموده است».

واصله زنى که موها را به هم وصل می‌کند: مانند: آرایشگر.

مستوصله: به زنی گفته می‌شود که از دیگران بخواهد این عمل را برایش انجام دهند.

1. زنی که شوهرش از وی ناخشنود باشد: رسول اکرم ص می‌فرماید: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ س قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَأَبَتْ فَبَاتَ غَضْبَانَ عَلَيْهَا لَعَنَتْهَا الْمَلائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ». (بخارى:323). «ابوهریره س می‌گوید: رسول الله ص فرمود: هرگاه، مرد، همسرش را به رختخواب فرا خواند و زن، اجابت نکند و شوهرش، شب را با خشم بر او، سپری نماید، فرشتگان تا صبح، او را لعنت می‌کنند».
2. زنانی که به شکل مردان در می‌آیند: در لباس و حرکات و ادا و اطوار و غیره: «لَعَن ص الـمتشابهات من النساء بالرجال». (البخاری). «پیغمبر ص زنانی را که به شکل مردان در می‌آیند لعن کرده است».
3. زیارت کنندگان قبور: «عن أبي هریرة س أنَّه ص لَعَنَ زُواراتِ القبور». (النسائی وأبوداود والترمذی). «از ابوهریره منقول است که پیامبر ص زنانی که به زیارت قبور می‌روند را لعنت و نفرین کرده است».
4. نوحه‌گر: «قال أبوموسی س: لعن ص من حَلَق أو سلق وخرق». (النسائی واحمد وأصله فی مسلم). «ابوموسی گفته که پیامبر ص: کسی را که «به هنگام فوت یکی از بستگانش» پوست خود را بِکَنَد، بر صورت خود بزَند و یقه خود را پاره کند و مو خود را بِکَنَد لعن کرده است».
5. محلل: پیامبر ص می‌فرماید: «لَعَنَ اللهُ المُحَلِّلَ وَالـمحَلِّلَ لَهُ». (ابوداود واحمد والنسائی والترمذی وابن ماجه). «خداوند تحلیل‌کننده و تحلیل‌شونده را لعن کرده است». (کسی که زن طلاق داده شده را برای شوهرش به طریق حیله حلال نماید)[[2]](#footnote-2).

آنچه بر زنان حرام است و باید از آن بپرهیزند

1. ناسپاسی شوهر و لعن گفتن زیاد: «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْـخُدْرِيِّ س قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي أَضْحَى أَوْ فِطْرٍ إِلَى الْمُصَلَّى، فَمَرَّ عَلَى النِّسَاءِ، فَقَالَ: «يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ، فَإِنِّي أُرِيتُكُنَّ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ». فَقُلْنَ: وَبِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «تُكْثِرْنَ اللَّعْنَ، وَتَكْفُرْنَ الْعَشِيرَ، مَا رَأَيْتُ مِنْ نَاقِصَاتِ عَقْلٍ وَدِينٍ أَذْهَبَ لِلُبِّ الرَّجُلِ الْحَازِمِ مِنْ إِحْدَاكُنَّ». قُلْنَ: وَمَا نُقْصَانُ دِينِنَا وَعَقْلِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «أَلَيْسَ شَهَادَةُ الْمَرْأَةِ مِثْلَ نِصْفِ شَهَادَةِ الرَّجُلِ»؟ قُلْنَ: بَلَى، قَالَ: «فَذَلِكِ مِنْ نُقْصَانِ عَقْلِهَا، أَلَيْسَ إِذَا حَاضَتْ لَمْ تُصَلِّ وَلَمْ تَصُمْ؟» قُلْنَ: بَلَى. قَالَ: «فَذَلِكِ مِنْ نُقْصَانِ دِينِهَا». (بخارى:304). «ابو سعید خدری س می‌گوید: رسول الله ص روز عید قربان یا عید فطر بسوی مصلا رفت. در آنجا، سری به زنان زد و خطاب به آنان فرمود: «ای گروه زنان ! صدقه دهید. زیرا شما را بیش‌ترین اهل دوزخ دیدم». پرسیدند: چرا؟ ای رسول خدا ص! پیامبر اکرم ص فرمود: «بخاطر اینکه شما بکثرت نفرین می‌کنید و از شوهرانتان نافرمانی نموده و ناسپاسی می‌کنید و هیچ ناقص عقل و دینی نمی‌تواند مانند شما، مردان عاقل را فریب بدهد». عرض کردند: ای رسول خدا ص! نقصان عقل و دین ما چیست؟ فرمود: «مگر نه این است که گواهی یک زن، نصف گواهی مرد محسوب می‌شود»؟ گفتند: بلی. رسول خدا ص، فرمود: «این خود، نشانگر نقص عقل شما است». آنحضرت ص باز فرمود: «مگر نه اینکه در ایام حیض و قاعدگی، نماز نمی‌خوانید و روزه نمی‌گیرید»؟ عرض کردند: بلی . رسول الله ص فرمود: «این هم دلیل بر نقص دین شماست».
2. خلوت و سفر بدون همراهی محرم: چه با راننده یا غیر آن: «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ س: أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ص يَقُولُ: «لا يَخْلُوَنَّ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ وَلا تُسَافِرَنَّ امْرَأَةٌ إِلا وَمَعَهَا مَحْرَمٌ». فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، اكْتُتِبْتُ فِي غَزْوَةِ كَذَا وَكَذَا وَخَرَجَتِ امْرَأَتِي حَاجَّةً؟ قَالَ: «اذْهَبْ فَحُجَّ مَعَ امْرَأَتِكَ»». (بخارى:3006). «ابن‏عباس ب می‌گوید: شنیدم که نبی اکرم ص فرمود: «هیچ مردی با زنی (بیگانه) خلوت نکند. و هیچ زنی بدون محرم، به مسافرت نرود. مردی برخاست و گفت: ای رسول خدا! من برای فلان غزوه، ثبت نام شده‌ام و همسرم به حج رفته، پیامبر اکرم ص فرمود: «برو و با همسرت حج کن»».
3. افشاء اسرار همبستری: رسول اکرم ص می‌فرماید: «إنَّ من شر الناس عند الله منزلة یوم القیامة الرجل یفضي إلى امرأته وتفضي إلیه ثم یَنشر سِرَّها». (مسلم). «همانا بدترین انسان از لحاظ ارزش و منزلت نزد خداوند در روز قیامت مرد و زنی هستند که اسرار مربوط به همبستری خود را فاش می‌نمایند».
4. اختلاط و در هم آمیختن با مردان و لو برادر همسر باشد: خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا فَسۡ‍َٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٖۚ ذَٰلِكُمۡ أَطۡهَرُ لِقُلُوبِكُمۡ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ [الأحزاب: 53] «و هنگامى که چیزى از وسایل زندگى را (بعنوان عاریت) از آنان (همسران پیامبر) مى‏خواهید از پشت پرده بخواهید؛ این کار براى پاکى دل‌هاى شما و آن‌ها بهتر است».

«عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍس: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: «إِيَّاكُمْ وَالدُّخُولَ عَلَى النِّسَاءِ». فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الأَنْصَارِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَرَأَيْتَ الْحَمْوَ؟ قَالَ: «الْحَمْوُ الْمَوْتُ»». (بخارى:5232). «عقبه بن عامر س می‏گوید: رسول الله ص فرمود: «از رفتن نزد زنان (بیگانه) پرهیز کنید». مردی از انصار پرسید: أی رسول خدا! نظر شما در مورد خویشاوندان شوهر (مثل برادر، عمو، پسر عمو و خواهر زادۀ شوهر) چیست؟ فرمود: «هلاکت، در همین است»».

«امام نووی می‌فرماید: حمو نزدیکان شوهر غیر از پدر و پسران یعنی برادر و برادرزاده و عمو و عموزاده؟ و خواهر زاده‌ها را شامل می‌شود». (مترجم).

1. نرم و نازک نمودن صدا و آرام نمودن آن برای مردان: ﴿إِنِ ٱتَّقَيۡتُنَّۚ فَلَا تَخۡضَعۡنَ بِٱلۡقَوۡلِ فَيَطۡمَعَ ٱلَّذِي فِي قَلۡبِهِۦ مَرَضٞ وَقُلۡنَ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗا٣٢﴾ [الأحزاب: 32] «اگر تقوا پیشه کنید; پس به گونه‏اى هوس‏انگیز سخن نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویید».

مخالفت با حد شرعی به هنگام فوت شوهر در رابطه با مدت عده و زینت‌های آن، رسول اکرم ص فرمود: «عَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ ل، زَوْجِ النَّبِيِّ ص قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ: «لا يَحِلُّ لإمْرَأَةٍ تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ تُحِدُّ عَلَى مَيِّتٍ فَوْقَ ثَلاثٍ، إِلاَّ عَلَى زَوْجٍ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا». (بخارى:1281). «ام حبیبه ل ؛ همسر گرامی پیامبر اکرم ص ؛ می‏گوید: از رسول الله ص شنیدم که می‏فرمود: «هر زن مؤمنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، مجاز نیست بیش از سه روز، برای کسی سوگوار باشد مگر برای شوهرش، که در آنصورت، باید چهار ماه و ده روز، به سوگ بنشیند»».

استعمال زیور آلات، حنا، سرمه، عطر، خروج از منزل مگر (برای ضرورت) برای زن شوهر مرده حرام است.

توصیف کردن زنان دیگر برای مردان: رسول اکرم ص فرمود: «عَنْ عَبْدِاللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ س قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص: «لا تُبَاشِرُ الْمَرْأَةُ الْمَرْأَةَ، فَتَنْعَتَهَا لِزَوْجِهَا كَأَنَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهَا». (بخارى:5240). «عبدالله بن مسعود س می‏گوید: نبی اکرم ص فرمود: «هیچ زنی، نباید به بدن زن دیگری، نگاه کند و یا آنرا لمس نماید و سپس او را نزد شوهرش، چنان توصیف کند که گویا او به آن زن، نگاه می‏کند»».

1. نگاه کردن به شهوات به مردان: ﴿وَقُل لِّلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَغۡضُضۡنَ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِنَّ وَيَحۡفَظۡنَ فُرُوجَهُنَّ﴾ [النور: 31] «به زنان با ایمان بگو: چشمان خود را از هر نامحرمی فرو بندند و پاک دامن باشند».

قال: ص «العینان تزنیان و زناهما النظر». (مسلم). «رسول الله ص فرمودند: چشم‌ها نیز زنا می‏کنند، و زنای آن‌ها نگاه کردن به نامحرم و شهوات است».

1. مصافحه و دست دادن به مردان: خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا فَسۡ‍َٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٖ﴾ [الأحزاب: 53] «و هنگامى که چیزى از وسایل زندگى را (بعنوان عاریت) از آنان ( همسران پیامبر) مى‏خواهید از پشت پرده بخواهید».

پیامبر ص می‌فرماید: «إني لا أُصافِح النساء». (الترمذی والنسائی وأبوداود وأحمد). «من با زنان مصافحه نمی‌کنم» «به آنان دست نمی‌دهم».

1. بیرون رفتن بحالت معطَّر: رسول اکرم ص فرمود: «إذا شهدت إحداكن الـمسجد فلا تمس طیباً». (مسلم). «هرگاه یکی از شما «زنان» به مسجد رفتید خود را معطر نکنید».
2. درخواست طلاق: رسول اکرم ص فرمودند: «أیما امرأة سألت زوجها الطلاق من غیر بأس فحرام علیها رائحه الجنة». (أبوداود، ترمذی، ابن ماجه، احمد وابن حبان). «هر زنی که بدون بدرفتاری شوهرش از او درخواست طلاق کند بهشت و بوی آن بر وی حرام است».
3. روزه گرفتن مستحب بدون اجازه شوهر: رسول اکرم ص فرمود: «لا یحل لإمرأة أن تصوم وزوجها شاهد إلاَّ بإذنه، ولا تأذن في بیته إلاَّ بأَذنه». (البخاری ومسلم زاد أحمد إلاَّ رمضان). «برای زن جایز نیست هنگامی که شوهرش در خانه است بدون اجازه او روزه «مستحب» بگیرد، یا به کسى اجازه ورود خانه بدهد، مگر با اجازه او». (احمد در کتاب حدیث جمله مگر در ماه رمضان را به حدیث فوق اضافه نموده است).
4. سهل انگاری و بی‌اهمیت بودن نسبت به حق شوهر: پیامبر ص فرمود: «لو كنتُ آمراً أحداً أن یَسْجُدَ لأَحَدٍ، لأمِرْتُ الـمرأةَ أنْ تَسْجُدَ لِزُوجِهَا». (الترمذی وابن حبان). «پیامبر ص می‌فرماید: اگر به کسی دستور می‌دادم که برای احدی سجده برد قطعاً به زن دستور می‌دادم که برای شوهرش سجده ببرد».
5. قرابت با زن در حال قاعدگی: ﴿وَيَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡمَحِيضِۖ قُلۡ هُوَ أَذٗى فَٱعۡتَزِلُواْ ٱلنِّسَآءَ فِي ٱلۡمَحِيضِ﴾ [البقرة: 222] «و از تو، در باره خون حیض سؤال مى‏کنند، بگو: «چیز زیانبار و آلوده‏اى است; از این‏رو در حالت قاعدگى، از آنان کناره‏گیرى کنید»».

موارد حرامی که معمولاً در بین زنان شایع است

1. محرمات مجالس «آنچه در مجالس حرام است» مانند: غیبت، دوروئی، حسادت، دروغ، افترا و بهتان (تهمت زدن به دیگران).
2. خودپسندی: پیامبر ص فرمودند: «لا یدخل الجنة مَنْ كانَ في قلبه مثقال ذرة من كبرٍ». (مسلم). «کسی که ذره‌ای کبر و خودپسندی در دلش باشد، وارد بهشت نمی‌شود».
3. مراجعه به فالگیر و شعبده‌باز: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ س عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: «اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوبِقَاتِ». قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: «الشِّرْكُ بِاللَّهِ، وَالسِّحْرُ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّـهُ إِلاَّ بِالْحَقِّ، وَأَكْلُ الرِّبَا، وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ، وَالتَّوَلِّي يَوْمَ الزَّحْفِ، وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْغَافِلاتِ»». (بخارى:2767). «از ابوهریره س روایت است که نبی اکرم ص فرمود: «از هفت گناه نابود کننده اجتناب کنید». گفتند: ای رسول خدا! آن‌ها کدامند؟ فرمود: «شرک به خدا، سحر، کشتن انسان بی‌گناه، خوردن ربا، خوردن مال یتیم، فرار از جهاد و تهمت زنا به زنان پاکدامن و بی‌خبر از فساد»».

از جمله آن‌ها شرک به خدا و جادو «شعبده‌بازی» «من أتى حائضاً، أو امرأة في دبرها، أو كاهناً فصدقه بما یقول، فقد كفر بما أنزل علی محمد». (أبوداود وترمذی وأحمد). «کسی که با زن در حال قاعدگی، یا از پشت «دبر» مقاربت، یا نزد غیبگو و کاهنی برود و گفته‌های او را باور داشته و تصدیق نماید، همانا نسبت به آنچه بر محمد ص نازل شده کفر ورزیده است».

1. دعا بر علیه خود یا فرزندان خود: «لا تدعوا علی أنفسكم ولا تدعوا علی أولادكم ولا تدعوا علی أموالكم، لا توافقوا من الله ساعة یسأل فیها عطاء فیستجیبَ لكم». (مسلم). «بر علیه خود و فرزندان و اموال خود دعا نکنید که مبادا دعایتان در ساعتی باشد که خداوند در آن ساعت هر دعائی را قبول می‌نماید».
2. بد یُمنی و تفال به بدی: پیامبر ص: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ س قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص: «لا طِيَرَةَ، وَخَيْرُهَا الْفَأْلُ». قَالَ: وَمَا الْفَأْلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «الْكَلِمَةُ الصَّالِحَةُ يَسْمَعُهَا أَحَدُكُمْ»». (بخارى:5755). «از ابوهریره س روایت است که نبی اکرم ص فرمود: «شگون گرفتن هیچگونه اصالتی ندارد و بهترین آن، فال است». پرسیدم: ای رسول خدا! فال چیست؟ فرمود: «سخن خوبی است که یکی از شما می‌شنود و آنرا به فال نیک می‌گیرد»».
3. خرید مجلات مبتذل: همچنین گوش دادن به آوازها و نگاه کردن به کانال‌های مبتذل ماهواره‌ای، چرا که حقیقتاً این کارها اسباب و وسایل انحراف و دلمُردگی و اندوه‌آور می‌باشند.
4. دراز کردن ناخنها: «قال أنس س وَقَتَ لنا النبي ص في قص الشارب وتقلیم الأظافر وحَلْقُ العَانة في كلِّ أربعیَن یَوماً مَرة». (مسلم وأحمد). «انس س می‌گوید که پیامبر ص به ما اصحاب سفارش می‌کرد که هر چهل روز یکبار سبیل و ناخن را کوتاه و موی شرمگاه را بتراشیم».
5. حضور در جشن‌ها: جشن‌هایی که در آن خلاف شرع و موارد ناپسند «مانند عکس‌ها» و فیلمبرداری و رقص، خواننده‌ها وجود داشته باشد. برابر فتوای شیخ محمد بن عثیمن: حضور در آن حرام است.

از موارد و کارهای زیر بپرهیزید و جداً بر حذر باشید

1. دوستان ناباب و بد: که شما را بسوی بدی‌ها و گرفتاری‌ها و خلافکاری و کارهای زشت و آتش دوزخ می‌‌کشانند. قال ص «المرءُ علی دین خلیله». «مرد بر کیش دوست صمیمی خود است».

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| تا توانی می‌گریز از یار بد |  | یار بد بدتر بود از مار بد |
| مار بد تنها تو را بر جان زند |  | یار بد هم جان و هم ایمان زند |

1. خلافکاری و مَتَلَک گوئی: از محرمات بسیار زشت و ناپسند و بمانند سرطان غافلگیر کننده است. جوانان آن را ساده می‌پندارند در حالیکه آن‌ها را به نابودی و مرگ می‌کشاند. خداوند می‌فرماید: ﴿فَلَا تَخۡضَعۡنَ بِٱلۡقَوۡلِ﴾ [الأحزاب: 32] «پس به گونه‏اى هوس‏انگیز سخن نگویید».
2. بازارها: منشأ و مرکز گناهان و بدیهاست. از رفتن به بازار مگر برای حاجتی، خوداری کنید. مواظب باشید و احتیاط کنید.
3. پدیدار نمودن و اظهار چشم‌ها: با پوشیدن نقاب یا مقنعه و روبند به صورت و بیرون بودن چشم‌ها، شیخ محمد بن عثیمین: فتوا داده که روا نیست و می‌گوید در زمان کنونی فتوا به جائز بودن آن نمی‌دهیم. بنظر ما منع آن بهتر است. چون وسیله‌ای است برای اجازه دادن به چیزی که جائز نیست.
4. تقلید از زنان کافر: با تقلید مدل‌ها و لباس‌ها و عادت‌هایی که شما را به برهنه شدن و رها کردن حجاب اسلامی دعوت می‌کنند - مانند کوتاه نمودن مو - مدل‌های آرایش مو گِرْد نمودن، و ژولیده نمودن «فرفری و درهم برهم کردن سر» باریک نمودن و حرص زیباپرستی.
5. پدیده عاشق شدن بین جوانان: بطوریکه یکی به شدیدترین شیوۀ محبت، عاشق و شیفته دیگری می‌شود و شب و روز به وی می‌اندیشد و ساعت‌های طولانی تلفنی با او صحبت می‌کند و گاهی اوقات از کارهای وی تقلید می‌نماید، این نوع عشق حرام است و توبه نمودن و دوری از اسباب آن و اجتناب از آن واجب است.
6. کشف عورت: نزد زنان کافر یا غیر آن‌ها شدیداً حرام است.
7. اوقات فراغت و بیکاری: اوقات فراغت خود را با برنامه‌های دینی و مفید برای دنیا و آخرت سپری نمائید.

یعنی اوقات فراغت خود را با برنامه‌هایی سپری نمائید که هم برای دنیا و هم برای آخرت مفید باشد.

قرآن سندی است  
یا به نفع شما، و یا بر علیه شما

ترجمه:

القرآن حجة لك أو علیك

تأليف:

صالح بن عبدالله الصياح

|  |
| --- |
| 1- فضائل عمومی قرآن |
| 2- فضائل سوره‌های معینی از قرآن |
| 3- فضائل آیات معینی از قرآن |
| 4- انواع دوری از قرآن |
| 5- آداب تلاوت و مصاحبت قرآن |
| 6- برنامه‌ای ساده برای تلاوت و ختم قرآن |
| 7- برنامه‌ای ساده برای حفظ و ختم قرآن |
| 8- برنامه‌ای ساده برای ختم و یادگیری معنی قرآن |

مطالب زیر بخوان تا فضائل و عظمت عمومی قرآن را دریابی

ذکر فضائل قرآن با استفاده از دلیل قرآن و سنت

1. آرامش دل‌ها: ﴿ أَلَا بِذِكۡرِ ٱللَّهِ تَطۡمَئِنُّ ٱلۡقُلُوبُ﴾ [الرعد: 28] «آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش مى‏یابد!».
2. قرآن برای همنشینان خود شفاعت می‌کند: «اقرأوا القرآن فإنَّه یأتي یوم القیامة شفیعاً لأهله». (مسلم). پیامبر ص فرمود: «قرآن بخوانید همانا روز قیامت برای أصحاب خود شفاعت می‌کند».
3. یاد گرفتن و یاد دادن آن موجب کسب نیکی است. «عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ س قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص: خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»». (بخارى:5028). «عثمان بن عفان س می‌گوید: نبی اكرم ص فرمود: «بهترین شما كسی است كه قرآن را یاد بگیرد و به دیگران، یاد بدهد»».
4. طردکننده شیطان است: دلیل آنست که در فضیلت سوره بقره و آیه الکرسی و معوذتین خواهد آمد.
5. قرآن برای کسی که آنرا تلاوت می‌کند نفع دارد اگرچه منافق باشد. «عَنْ أَبِي مُوسَى س عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: «الْمُؤْمِنُ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَعْمَلُ بِهِ كَالأُتْرُجَّةِ، طَعْمُهَا طَيِّبٌ، وَرِيـحُهَا طَيِّبٌ، وَالْمُؤْمِنُ الَّذِي لا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَعْمَلُ بِهِ، كَالتَّمْرَةِ طَعْمُهَا طَيِّبٌ وَلا رِيحَ لَهَا، وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ، كَالرَّيْـحَانَةِ رِيحُهَا طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ، وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي لا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ، كَالْـحَنْظَلَةِ طَعْمُهَا مُرٌّ أَوْ خَبِيثٌ، وَرِيـحُهَا مُرٌّ»». (بخارى:5059). «ابو موسی اشعری س می‌گوید: نبی اکرم ص فرمود: «مؤمنی که قرآن می‌خواند و به آن عمل می‌کند مانند ترنجی است که هم طعم خوبی دارد و هم از بوی خوشی برخوردار است. و مؤمنی که قرآن نمی‌خواند ولی به آن، عمل می‌کند مانند خرمایی است که طعم‌اش شیرین است ولی بویی ندارد. و مثال منافقی که قرآن می‌خواند، مانند ریحانی است که بویش خوب ولی طعم‌اش، تلخ است. و مثال منافقی که قرآن نمی‌خواند، مانند حنظله (هندوانۀ ابوجهل) است که هم طعم‌اش،‌تلخ یا ناپاک است و هم بوی تلخی دارد»».
6. اهل قرآن اهل الله و از خاصان درگاه خدا می‌باشند: «إنَّ لله ﻷ أهلین من الناس. قیل من هم یا رسول الله؟ قال: أهل القرآن هم أهل الله وخاصته». (احمد). «رسول اکرم ص فرمود: همانا خداوند در میان مردم اهل خاصى دارد. عرض کردند آن‌ها چه کسانی هستند یا رسول الله؟ فرمود: اهل قرآن اهل الله و خواص او می‌باشند».
7. قرآن سندی «حجتی» است برای تو: «القرآن حجةٌ لك أو علیك». (بخاری). «قرآن سندی است یا به نفع تو و یا علیه تو».
8. قرآن حافظ تو از هر بلائی است: چنانچه در بیان فضیلت معوذتین و دو آیه آخر سوره بقره خواهد آمد.
9. تلاوت قرآن از بزرگ‌ترین نعمت‌ها است: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ س: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: «لا حَسَدَ إِلاَّ فِي اثْنَتَيْنِ: رَجُلٌ عَلَّمَهُ اللَّـهُ الْقُرْآنَ، فَهُوَ يَتْلُوهُ آنَاءَ اللَّيْلِ وَآنَاءَ النَّهَارِ، فَسَمِعَهُ جَارٌ لَهُ، فَقَالَ: لَيْتَنِي أُوتِيتُ مِثْلَ مَا أُوتِيَ فُلانٌ فَعَمِلْتُ مِثْلَ مَا يَعْمَلُ. وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّـهُ مَالاً، فَهُوَ يُهْلِكُهُ فِي الْحَقِّ، فَقَالَ رَجُلٌ: لَيْتَنِي أُوتِيتُ مِثْلَ مَا أُوتِيَ فُلانٌ فَعَمِلْتُ مِثْلَ مَا يَعْمَلُ»». (بخارى:5026). «ابوهریره س می‌گوید: رسول الله ص فرمود: «فقط در مورد دو نفر، می‌توان غبطه خورد: نخست، مردی که خداوند به او قرآن، آموخته است و او آنرا شب و روز، تلاوت می‌کند. پس همسایه‌اش می‌شنود و می‌گوید: ای کاش! به من نعمتی مانند نعمتی که به فلانی عطا شده است، ارزانی می‌شد. در آن صورت، من هم مانند او قرآن تلاوت می‌کردم. و دیگر، مردی که خداوند به او ثروت، عنایت کرده است و او آنرا در راه خدا انفاق می‌کند. پس شخص دیگری می‌گوید: ای کاش! به من هم نعمتی مانند نعمتی که به فلانی عطا شده است، ارزانی می‌شد. در آن صورت، من هم مانند او انفاق می‌کردم»».
10. بلندپایگی و رفعت در دنیا و قیامت: ﴿وَمِنَ ٱلَّيۡلِ فَتَهَجَّدۡ بِهِۦ نَافِلَةٗ لَّكَ عَسَىٰٓ أَن يَبۡعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامٗا مَّحۡمُودٗا٧٩﴾ [الإسراء: 79] «و پاسى از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافى براى توست; امید است پروردگارت تو را به مقامى در خور ستایش برانگیزد!».

«إِنَّ اللهَ یَرْفَعُ بِهَذا الْكتابِ أَقْواماً وَیَضَعُ بِهِ آخَرینَ». (مسلم). «رسول اکرم ص: خداوند بوسیله این کتاب(قرآن) اقوامی را سربلند، و اقوامی را بر زمین می‌زند «شکست می‌دهد»».

1. شما را از تاریکی بیرون می‌آورد: ﴿الٓرۚ كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ لِتُخۡرِجَ ٱلنَّاسَ مِنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ﴾ [إبراهیم: 1] «الر، (این) کتابى است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکیهاى (شرک و ظلم و جهل) به سوى روشنایى (ایمان و عدل و آگاهى) در آورى».
2. حاضر شدن فرشتگان «به هنگام تلاوت قرآن»: «تِلْكَ الْمَلَائِكَة كَانَتْ تَسْتَمِع لَك وَلَوْ قَرَأْت لَأَصْبَحْت يَرَاهَا النَّاس مَا تَسْتَتِر مِنْهُمْ». (مسلم). «پیامبر اکرم ص: فرشتگان به شما گوش فرا می‌دهند و اگر به تلاوت قرآن ادامه می‌دادی، صبح می‌شد و مردم فرشتگان را می‌دیدند و از دید مردم پنهان نمی‌شدند».
3. برای تلاوت هر حرفی ده حسنه وجود دارد: «من قرأ حرفاً من كتاب الله فله حسنة، والـحسنة بعشر أمثالـها لا أقول ألم حرف ولكن ألف حرف، ولام حرف، ومیم حرف». (الترمذی). «کسی که یک حرف از کتاب خدا «قرآن» را تلاوت کند. یک حسنه «نیکی» نصیبش می‌شود. هر حسنه ده برابر پاداش دارد. «پس مزد هر حرفی ده حسنه است» و من نمی‌گویم که الم یک حرف است، بلکه الف یک حرف، و لام یک حرف، و میم یک حرف است».
4. علو درجه در بهشت: «یُقال لصاحب القرآن اقرأ وارْقِ ورتِّل كما كنتَ تُرتل في الدنیا فإنَّ منزلتك عند آخر آیة تقرأها». (الترمذی). پیامبر ص می‌فرماید: «روز قیامت به همنشین قرآن گفته می‌شود: بخوان و در درجات بالا برو و ترتیل کن و زیبا و با ادب بخوان همانا منزلت تو نزد آخرین آیه‌ی است که تلاوت می‌نمایی «یعنی بسیار بالاست»».
5. محفوظ شدن از فتنه‌ها و بلیات: «من حفظ عشر آیات من أول سورة الكهف عُصِمَ من فتنة الدَّجال». (مسلم). پیامبر ص می‌فرماید: «هر کس ده آیه از اول سوره کهف را حفظ کند از فتنه دجال در امان خواهد ماند».
6. مقام رفیع و اجر و پاداش چند برابر: «الـماهر بالقرآن مع السفرة الكرام البررة والذي یقرأ القرآن ویَتَتَعْتَعُ فیه وهو علیه شاق له أجران». (مسلم). رسول اکرم ص می‌فرماید: «آنکه در خواندن قرآن مهارت دارد با کاتبان گرامى وحی خواهد بود و آنکه قرآن را می‌خواند ولی در آن درمی‌ماند و «بخاطر لکنت زبان» خواندن برایش دشوار است دو اجر دارد».
7. قرآن محافظ است. چنانکه در بحث فضائل سوره فاتحه و آیه الکرسی و معوذتین خواهد آمد.
8. نزول آرامش، باریدن رحمت، قرار گرفتن در حضور خدا: «ما اجتمع قوم في بیت من بیوت الله یتلون كتابَ الله ویتدارَسُونه بینهم إلاَّ نزلت علیهم السكینة وغشِیَتْهُم الرحمةُ وحفتهم الـملائكة وذكرهم الله فیمن عنده». (مسلم). رسول اکرم ص می‌فرماید: «هرگاه گروهی در خانه‌ای از خانه‌های خدا «مسجد» گردهم آیند و دور هم جمع شوند و قرآن را تلاوت نمایند، و آن را بین خود تدریس کنند. و تفسیر و تبیین و تمرین کنند، خداوند آرامش را بر آنان نازل، و رحمت را بر آن‌ها می‌باراند، و فرشتگان پیرامون آنان حلقه می‌زنند، و در ملأ اعلی بفرمان خدا مورد بحث قرار می‌گیرند، و خداوند آن‌ها را از مقربان درگاه خود محسوب می‌نماید».
9. ازدیاد ایمان و پایداری: ﴿وَإِذَا تُلِيَتۡ عَلَيۡهِمۡ ءَايَٰتُهُۥ زَادَتۡهُمۡ إِيمَٰنٗا﴾ [الأنفال: 2] «و هنگامی که آیات «قرآن» بر آنان خوانده می‌شود بر ایمانشان می‌افزاید».

﴿كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِۦ فُؤَادَكَۖ وَرَتَّلۡنَٰهُ تَرۡتِيلٗا﴾ [الفرقان: 32]. «همین‌گونه «ما قرآن را بصورت آیات جداگانه و بخش بخش فرستیم» تا دل تو را (باانس بدان و حفظ آن پابرجا و استوار بداریم) و آنرا آرام و آرام فرو خوانیم (تا آنرا بدقت بیاموزی و کم کم به خاطر بسپاری)».

1. شفاء و رحمت است: ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ﴾ [الإسراء: 82]. «ما آیاتی از قرآن را فرو می‌فرستیم که مایه بهبودی (دل‌ها از بیماری نادانی و گمراهی و پاکسازی درون‌ها از کثافات هوی و هوس و تنگ چشمی و آزمندی و تباهی) و رحمت مؤمنان (به سبب در برداشتن ایمان و رهنمودهای پرخیر و برکت خدا) است».

2- انواع دوری، جدائی، رها کردن و قطع رابطه با قرآن:

1- دور بودن از ایمان به آن. 2- دوری از تلاوت و شنیدن آن. 3- دوری از عمل نمودن به آن. 4- دوری از حاکم گردانیدن و داوری با آن. 5- دوری از تأمل کردن و فهم و درک آن. 6- دوری و اجتناب از دعوت کردن «مردم» بسوی آن. 7- دوری از مصاحبه کردن و درمان نمودن «دل‌های خود» با آن.

3- فضائل سوره‌‌های معینی از قرآن

الفاتحه، البقره، آل عمران، الکهف، الملک، الکافرون، الإخلاص، المعوذتین(الفلق، الناس).

سوره الفاتحه:

1. «أبْشِرْ بنورین أوتیتهما لم یؤتهما نبيٌ قبلك. فاتحة الكتاب وخواتیم سورة البقرة، لن تقرأ بحرف منها إلّا أعطیته». (مسلم). «مژده بده به دو نور که به شما عطا کرده‌ام و قبل از تو به هیچ پیغمبری عطا نکرده‌ام. یکی فاتحه الکتاب «سوره فاتحه» و دیگری آخرهای سوره البقره. حرفی از آن‌ها را قرائت نمی‌کنی مگر آنکه آنچه بخواهی بشما عطا می‌کنم».
2. «لأُعَلِّمَنَّكَ سُورَةً هِيَ أَعْظَمُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ؟ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ هِيَ: السَّبْعُ الْمَثانِي وَالْقُرْآنُ الْعَظِيمُ الَّذِي أُوتِيتُهُ»». (بخارى:4474). «سوره‌ای را که بزرگ‌ترین سورۀ قرآن است، به تو می‌آموزم؟ فرمود: «آن، سورۀ حمد است که دارای هفت آیه می‌باشد و در هر رکعت نماز، تکرار می‌شود و آن، همان قرآن بزرگی است که به من عنایت شده است»».
3. «رقی صحابی ملدوغًا فكان یقرأ علیه أم القرآن ویجمع بزاقه ویتفل فبرأ، فأتی النبي ص فقال والله ما رقیتُ إلاَّ بفاتحة الكتاب. فتبسَّم ص وقال وما أدراك أنها رقیة». (متفق علیه). «یکی از اصحاب برای کسیکه «حشره‌ای» او را نیش زده بود «نیش زده شده» دعا کرد، او سوره فاتحه را بر فردِ نیش زده می‌خواند و آب دهان خود را جمع می‌کرد و بر جای نیش می‌دمید پس خوب ‌شد. خدمت پیامبر ص آمد و گفت بخدا بجز فاتحه چیزی بر آن نخوانده‌ام، پس پیامبر ص تبسمی کرد و فرمود: چه می‌دانستى که فاتحه رقیه و تعویذ است».
4. «وما أنزل الله في التوراة ولا في الإنجیل مثل أم القرآن وهي السبع الـمثاني، قال الله تعالى: هي مقسومي بیني وبین عبدي ولِعبدي ما سأل». (النسائی والترمذی). پیامبر ص می‌فرماید: «خداوند نه در تورات و نه در انجیل همانند ام القرآن «فاتحه» نازل ننموده، و همان است سبع مثانی. خداوند می‌فرماید که فاتحه بین خود و بندگانم تقسیم کرده‌ام و بنده من آنچه را که بخواهد و طلب کند».
5. «من صلی صلاة لم ‌یقرأ فیها بأم القرآن فهي خداج خداج غیر تمام». (مسلم). پیامبر اکرم ص فرمود: «کسی که نماز بخواند و در آن فاتحه نخواند نمازش ناقص و ناتمام است».

سورة البقره:

1. «اقرءوا الزهراوین: البقرة وسورة آل عمران فإنَّهما تأْتِیانِ یومَ القیامة كأنَّهما غمامتان أو غیایتان، أو كأنَّهما فرقان من الطیر صواف تحاجان عن أصحابهما. (مسلم). وفي روایة: أهل القرآن الذین یعملون به». رسول اکرم ص فرمود: «دو سوره زهراوین: البقره و آل عمران را بخوانید، همانا آن دو سوره روز قیامت می‌آیند، مانند دو ابر یا دو سایبان سیاه هستند، یا اینکه مانند دو گروه از پرندگان صف شده که بال‌های خود را بهم نزنند از صاحب خود حمایت می‌کنند. در روایتی هست که قرآن و کسانی که به آن عمل می‌کرده‌اند را می‌آورند «آن دو سوره قرآن بترتیبی که ذکر شد از آن‌ها حمایت می‌کنند»».
2. «اقرءاو سورة البقرة فإنَّ أخذها بركة وتركها حسرة ولا تستطیعها البطلة». (مسلم). البطلة السَحَرَةُ. «سوره بقره را بخوانید و یاد بگیرید که فرا گرفتنش برکت و ترک آن مایه حسرت و پشیمانی است و جادوگران بر آن ناتوانند». - «لا تجعلوا بیوتكم مقابر: إنَّ الشیطان ینفر من البیت الذي تقرأ فیه سورة البقرة». (مسلم). «خانه خود را قبرستان نکنید. همانا شیطان از خانه‌ای که در آن سوره بقره خوانده می‌شود فرار می‌کند».

سوره آل عمران:

در خلال بیان فضیلت سوره البقره فضل سوره آل عمران نیز بیان شد.

سوره الکهف:

1. «من حفظ عشر آیات من أَوَلِ سورة الكهف عصم من فتنة الدجال». (مسلم). پیامبر می‌فرماید: «هر کس ده آیه از اول سوره کهف را حفظ کند از فتنه دجال درامان خواهد ماند».
2. قال أبوسعید: «من قرأ سورة الكهف یوم الجمعة أضاء له من النور فیما بینه وبین البیت العتیق». (الدارمی). از ابن مسعود س نقل شده که پیامبر اکرم ص می‌فرماید: «هر کس سوره الکهف را در روز جمعه بخواند. نوری در بین او و خانه خدا (بیت الله) برایش روشن می‌شود».

سوره ملک:

1. «سورة من القرآن ثلاثون آیة تستغفر، أوْ تشفع لصاحبها حتی یغفر له: تبارك الذي بیده الملك». (أبوداود، الترمذی، ابن ماجه وابن حبان). رسول اکرم ص فرمود: «در قرآن سوره‌ای هست که سی آیه دارد. برای کسیکه آنرا می‌خواند درخواست مغفرت و شفاعت می‌کند تا آمرزیده شود و آن سوره تبارک الذی بیده الملک می‌باشد».
2. «قال ابن مسعود س: سوره الـملك هي الـمانعة من عذاب القبر من قرأَها كل لیلة فقد أكثر وأطِیب». (عبدالرزاق والطبرانی والحاکم). «ابن مسعود س می‌گوید: سوره ملک مانع و نجات‌دهنده از عذاب قبر است. هر کس آنرا هر شب بخواند بهتر و بیشتر و افزون‌تر است».

سوره الکافرون:

1. «سمع ص رجلاً یقرأ «الكافرون» قال ص أَما هذا فقد بَرِیءَ من الشرك». (أحمد والدارمی). «پیامبر ص از مردی شنید که سوره «کافرون» می‌خواند فرمود امّا این مرد از شرک و بت‌پرستی بری است».
2. «اقرأ قل یا أیها الكافرون ثم نَمْ على خاتمتها فإنَّها براءةٌ من الشرك». (ترمذی). پیامبر ص فرمود: «سوره قل یا أیها الکافرون را بخوان و در پایانش بخواب که امان از شرک خواهد بود».

سوره اخلاص ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾:

1. «وَ عَن أبي سعيد خدري س قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص لأَصْحَابِهِ: «أَيَعْجِزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَقْرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ فِي لَيْلَةٍ»؟ فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ، وَقَالُوا: أَيُّنَا يُطِيقُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: «اللَّـهُ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ ثُلُثُ الْقُرْآنِ»». (بخارى:5015). «ابوسعید خدری س می‌گوید: نبی اکرم ص به یارانش فرمود: «آیا کسی از شما می‌تواند یک سوم قرآن را در یک شب، تلاوت کند»؟ این کار برای آن‌ها دشوار به نظر رسید. لذا پرسیدند: ای رسول خدا! چه کسی از ما توانایی چنین کاری را دارد؟ فرمود: «سورۀ‌ اخلاص، برابر با یک سوم قرآن است»».
2. «عَنْ عَائِشَةَ ل: أَنَّ النَّبِيَّ ص بَعَثَ رَجُلاً عَلَى سَرِيَّةٍ، وَكَانَ يَقْرَأُ لأَصْحَابِهِ فِي صَلاتِهِمْ فَيَخْتِمُ بِـ ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾. فَلَمَّا رَجَعُوا ذَكَرُوا ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ، ص فَقَالَ: «سَلُوهُ لأَيِّ شَيْءٍ يَصْنَعُ ذَلِكَ»؟ فَسَأَلُوهُ، فَقَالَ: لأَنَّهَا صِفَةُ الرَّحْمَنِ، وَأَنَا أُحِبُّ أَنْ أَقْرَأَ بِهَا. فَقَالَ النَّبِيُّ ص: «أَخْبِرُوهُ أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّهُ»». (بخارى:7375). «عایشه ل می‌گوید: نبی اکرم ص مردی را بعنوان فرمانده یک دسته‌ی نظامی، تعیین و اعزام کرد. او که نماز را برای یارانش امامت می‌کرد، قرائت‌اش را با ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ به پایان می‌رساند. آنان هنگام بازگشت، مسئله را برای نبی اکرم ص بازگو کردند. پیامبر خدا ص فرمود: «از او بپرسید که چرا چنین می‌کند». از وی پرسیدند. گفت: چون در این سوره، صفت خدای رحمان، بیان شده است لذا دوست دارم آنرا بخوانم. نبی اکرم ص فرمود: «‌به او بگویید که خداوند هم او را دوست دارد»».
3. «إنَّ الله جزّأَ القرآن ثلاثةَ أجزاء فجعل قل هُو الله أَحَدْ جزءاً من أجزاء القرآن». (مسلم). پیامبر ص می‌فرماید: «همانا خداوند (ثواب قرائت) قرآن را سه قسمت نموده که ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾. جزئی از این سه جزء قرآن است».

یعنی معادل ثلث قرآن است.

1. «عَنْ عَائِشَةَ ل: أَنَّ النَّبِيَّ ص كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ كُلَّ لَيْلَةٍ، جَمَعَ كَفَّيْهِ ثُمَّ نَفَثَ فِيهِمَا، فَقَرَأَ فِيهِمَا: ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ وَ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾ ثُمَّ يَمْسَحُ بِهِمَا مَا اسْتَطَاعَ مِنْ جَسَدِهِ، يَبْدَأُ بِهِمَا عَلَى رَأْسِهِ وَوَجْهِهِ، وَمَا أَقْبَلَ مِنْ جَسَدِهِ، يَفْعَلُ ذَلِكَ ثَلاثَ مَرَّاتٍ». (بخارى:5017). «عایشه ل می‌گوید: نبی اکرم ص هر شب، هنگامی که که به رختخواب می‌رفت، کف دست‌هایش را به هم نزدیک می‌کرد و سوره‌های اخلاص و فلق و ناس را می‌خواند و در آن‌ها می‌دمید. سپس از سر و صورت و قسمت جلوی بدنش شروع می‌نمود و تا جایی که می‌توانست مسح می‌کرد و این کار را سه بار، تکرار می‌نمود».
2. «سمع ص رجلاً یقرأ ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ فقال أما هذا فقد غُفِرله». (أحمد والدارمی). «پیامبر ص از مردی شنید که ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ می‌خواند فرمود اما این مرد آمرزیده شده است».
3. «قال عبدالله بن خبیب س قال لي ص قل فقلت ما أقول؟ قال ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾والـمعوذتین حین تمسي وحین تصبح ثلاثاً تكفیك كل شيء». (النسائی والترمذی). «عبدالله بن خبیب س می‌گوید که پیامبر ص به من فرمود بگو. گفتم چه بگویم؟. فرمود ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ ومعوذتین را هنگام شام و صبح سه بار بخوان که از هر چیز تو را کفایت می‌کند».
4. «عن أبي هریرة س: أنَّه قال سمع ص رجلاً یقرأ ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ فقال وجبت. قلت وما وجبت؟ قال: الجنة»». (الترمذی والنسائی وأحمد). «از ابوهریره س نقل شده که پیامبر ص شنید که مردی ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ می‌خواند فرمود: برایش واجب شد. گفتم که چه چیزی واجب گردید؟ فرمود: بهشت».

سوره‌های معوذتین

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ وَ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾:

1. «ألم تر آیات أنزلت اللیلة لم یَرَ مثلهن قط، ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَق﴾ وَ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾». (مسلم). پیامبر ص فرمود: «آیا نشنیده‌ای آیاتی را که در شب نازل شده و هرگز مثل آنرا ندیده‌ای (آن آیات) ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ وَ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾ می‌باشند». (مسلم).
2. «عن ابن عباس س أنَّه ص قال له یا ابن عباس ألا أدلك بأفضل ما یتعوذ به الـمتعوذون؟ قال: بلی، قال: ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ وَ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾، هاتین السورتین». (النسائی وأحمد). «از ابن عباس ب روایت شده است که پیامبر ص به او فرمود: ای ابن عباس آیا خبرَت ندهم به بهترین چیزی که پناهندگان به آن پناه برده‌اند؟ عرض کرد بله. فرمود ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ وَ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾،. این دو سوره». (نسائی وأحمد).
3. «عن عائشه ل قالت: كان ص إذا مَرِضَ أحدٌ من أهله نفث علیه بالـمعوذات». (مسلم). «از عائشه ل نقل شده که گفت هرگاه یکی از اعضاء خانواده پیامبر ص بیمار می‌شد معوذتین را می‌خواند و بر او می‌دمید».
4. «وَعَنْهَا ل: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ إِذَا اشْتَكَى نَفَثَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْمُعَوِّذَاتِ، وَمَسَحَ عَنْهُ بِيَدِهِ فَلَمَّا اشْتَكَى وَجَعَهُ الَّذِي تُوُفِّيَ فِيهِ، طَفِقْتُ أَنْفِث عَلَى نَفْسِهِ بِالْمُعَوِّذَاتِ الَّتِي كَانَ يَنْفِث، وَأَمْسَحُ بِيَدِ النَّبِيِّ ص عَنْهُ». (بخارى:4439). «عایشه ل می‌گوید: هنگامی كه رسول اللهص بیمار می‌شد، معوذات (سورة ناس، فلق و اخلاص) را می‌خواند و بر خود می‌دمید و با دست خود، بر بدن‌اش می‌مالید. پس هنگامی كه در بیماری وفاتش بسر می‌برد، من نیز همان معوذات را كه او می‌خواند و بر خود می‌دمید، می‌خواندم و دست نبی اكرم ص را بر بدنش می‌كشیدم».

4- فضائل آیات معینی از قرآن:

آیة الکرسی:

1- «قَالَ لِي: إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ مِنْ أَوَّلِهَا حَتَّى تَخْتِمَ الآيَةَ: ﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُ﴾ وَقَالَ لِي: لَنْ يَزَالَ عَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ، وَلا يَقْرَبَكَ شَيْطَانٌ حَتَّى تُصْبِحَ». (بخارى:2311). «به من گفت: هرگاه به بستر خواب رفتی آیت الکرسی را از اول تا آخر بخوان که از طرف خداوند بر تو نگهبان خواهد بود، و ناخوشایندی نخواهى دید و تا صبح فرشتگان تو را از شیطان، حفاظت خواهند کرد».

2- «عن أبي كعب س قال: قال لي رسول الله ص أتدري أي آیة من كتاب الله معك أعظم؟ فقلت: ﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُ﴾ فضرب في صدري وقال لیهنك العلم أبا الـمنذر». (مسلم). «از ابی بن کعب س نقل شده که گفت پیامبر ص به من فرمود: آیا می‌دانی کدام آیه قرآن نزد تو از همه بزرگ‌تر و عظیم‌تر است. گفتم آیه ﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُ﴾ پیامبر دست به سینه‌ام زد و فرمود: احسن بر تو ای ابا منذر».

3- «من قرأ آیة الكرسي في دُبُرِ كل صلاة مكتوبة لم یمنعه من دخول الجنة إلاَّ أن یموت». (النسائی فی الکبری). رسول اکرم ص فرمود: «کسی که بعد از هر نماز واجب آیت الکرسی را بخواند هیچ چیز جز مرگ مانع از داخل شدنش به بهشت نیست».

دو آیه آخر سوره البقره:

1. «عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ الْبَدْرِيِّ س قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «الآيَتَانِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ مَنْ قَرَأَهُمَا فِي لَيْلَةٍ كَفَتَاهُ»». (بخارى:4008). «ابومسعود بدری س می‌گوید: رسول الله ص فرمود: «هرکس، دو آیۀ آخر سورۀ بقره را در شب بخواند، او را کفایت می‌کنند»».
2. «أَبْشِرْ بنورین أوتیتهما لم يؤتهما نبي قبلك فاتحة الكتاب وخواتیم سورة البقرة لن تقرأ بحرف منهما إلاَّ أعطیته». (مسلم). حدیث قدسی: پیامبر ص می‌فرماید که خداوند فرموده: «مژده بده بدو نوری که به شما عطا نموده‌ام و قبل از تو به هیچ پیغمبری نداده‌ام: یکی سوره الفاتحه و دیگری آیه‌های آخر سوره البقره، هیچ حرفی از آن‌ها «دو نور» را قرائت نمی‌کنی مگر آنکه خواسته‌ات را برآورده می‌نمایم».
3. «آیتین ختم بهما سورة البقرة ولا تقرآن في دار ثلاث لیال فیقربها شیطان». (الترمذی). رسول اکرم ص می‌فرماید: «دو آیه وجود دارد که با آن‌ها سوره البقره پایان یافته آن دو آیه در هیچ خانه‌ای سه شب خوانده نشوند مگر اینکه شیطان به آن خانه نزدیک نشود».

آداب و دستوراتی در باره قرآن کریم

1. حفاظت و پایبندی و کثرت تلاوت آن: «عَنْ أَبِي مُوسَى س عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: «تَعَاهَدُوا الْقُرْآنَ، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ تَفَصِّيًا مِنَ الإِبِلِ فِي عُقُلِهَا»». (بخارى: 5033). «ابوموسی اشعری س می‌گوید: نبی اکرم ص فرمود: «از قرآن، مواظبت کنید (همواره آنرا تلاوت نمایید) سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، قرآن سریع‌تر از شتری که زانویش بسته باشد، می‌گریزد»».

(یعنی همانطوریکه اگر مدتی شتری را که زانوبند به پایش بسته شده رها کنیم و مواظب آن نباشیم. زانو بند آن پاره و شتر رها می‌شود. قرآن نیز اگر از آن محافظت نشود و مرور و تمرین و بر خواندن آن مداومت نشود از یاد می‌رود).

1. ختم آن در هر ماه، یا بیست روز، یا ده روز، یا هفت روز یکبار: «واقرأ القرآن في كل شهر، قال: قلت: يا نبي الله! إني أطيق أفضل من ذلك. قال: فاقرأة في كل عشرين قال قلت: يا نبي الله! إني أطيق أفضل من ذلك. قال: فاقرأه في كل عشر قال قلت: يا نبي الله! إني أطيق أكثر من ذلك. قال:فاقرأه في كل سبع، ولا تزد على ذلك». (البخاری ومسلم). رسول اکرم ص می‌فرماید: «قرآن را در مدت یکماه ختم کنید، صحابى گفت: اى پیامبر خدا، من می‌توانم کم‌تر از یکماه ختم کنم، فرمود: در بیست روز ختم کنید، صحابى گفت: اى پیامبر خدا، من می‌توانم کم‌تر از بیست روز ختم کنم، فرمود: در ده روز ختم کنید، صحابى گفت: اى پیامبر خدا، من می‌توانم کم‌تر از ده روز ختم کنم، فرمود: در هفت روز قرآن را ختم کن و کم‌تر از هفت روز ختم نکن».
2. آنرا در کم‌تر از سه روز ختم نکن: «من قرأ القرآن في أقل من ثلاث لم یفقهه». (أحمد، أبوداود وابن ماجه). پیامبر ص می‌فرماید: «کسی که قرآن را در کم‌تر از سه روز ختم کند آن را نمی‌فهمد». (یعنى تدبر نمى‌کند).
3. آراستن و نیکو کردن صدا: «لیس منا من لم ‌یتغَنَّ بالقرآن، یجهر به». (البخاری). پیامبر اکرم ص: «بر روش ما نیست کسی که قرآن را با صدای زیبا و بلند نخواند و آنرا آشکار نکند».
4. ادا نمودن قسمت‌هایی از قرآن «حزب قرآن» که جا گذاشته و نخوانده است. «من نام عن حزبه، أو عن شيء منه، فقرأه فيما بين صلاة الفجر وصلاة الظهر، كتب له كأنما قرأه من الليل» (مسلم). پیامبر ص می‌فرماید: «کسی که نتواند شب زنده‌دارى کند تا قسمتى از قرآن که هر شب در نماز مى‌خوانده بخواند و خوابش رود، سپس آن قسمت را در فاصله میان نماز صبح و ظهر بخواند ثوابش مثل آنست که آن قسمت را در شب خوانده باشد».
5. پائین آوردن صدا: «الـجاهر با القرآن كالـجاهر بالصدقة، والمُسِرُّ بالقرآن كالـمسر بالصدقة». (أبوداود). پیامبر ص می‌فرماید: «هرکس قرآن را علنی بخواند مثل آنست که صدقه را علنی داده است و هر که قرآن را مخفیانه بخواند مثل آنست که صدقه را مخفیانه داده است».
6. در حال جنابت «جنب» آنرا نخواند: «قال علي لم یكن ص یحجبه عن القرآن شيء لیس الجنابة». (أبوداود). «علی س می‌گوید: هیچ چیز بجز جنابت پیامبر را از تلاوت قرآن منع نمی‌کرد».
7. ترتیل و زیبا گردانیدن آن: ﴿وَرَتِّلِ ٱلۡقُرۡءَانَ تَرۡتِيلًا﴾ [المزمل: 4] «و قرآن را با دقت و تأمل بخوان و فصاحت تلاوت کن».
8. تدبر و اندیشیدن در معانی آن: ﴿كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ مُبَٰرَكٞ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ٢٩﴾ [ص: 29]. «این کتابى است پربرکت که بر تو نازل کرده‏ایم تا در آیات آن تدبر کنند و خردمندان متذکر شوند».
9. خشوع و فروتنی و گریه نمودن:﴿أَلَمۡ يَأۡنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن تَخۡشَعَ قُلُوبُهُمۡ لِذِكۡرِ ٱللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ ٱلۡحَقِّ﴾ [الحدید: 16]. «آیا وقت آن نرسیده است که دل‌هاى مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق(قرآن) نازل کرده است خاشع گردد؟!».
10. استعاذه و پناه بردن بخدا: اعوذ باالله من الشيطن الرجيم گفتن. ﴿فَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ٩٨﴾ [النحل: 98]. «هنگامى که قرآن مى‏خوانى، از شر شیطان مطرود، به خدا پناه بر».
11. ذکر و خواندن سجده تلاوت: «سجد وجهي للذي خلقه وشق سمعه وبصره بحوله وقوته». (أبوداود).

هرگاه به جائی رسید که مشتمل بر سجده بود بعد از تلاوت آن به حالت سجده درآید و بگوید: «سجد وجهي للذي خلقه وشق سمعه وبصره بحوله وقوته». یعنی: صورت من براى کسی که او را آفرید، سجده کرد و گوش و چشم نیز تا حد توانایی و قدرت بشکافت. آفرین بر خداوند که بهترین آفرینندگان است.

1. واکنش و تحت تأثیر قرار گرفتن بوسیله معانی آیات: «كان ص یقرأ مترسلاً إذا مر بآیة فیها تسبیح، سبح، وإذا مرَّ بسؤال، سأل، وإذا مرّ بتعوذ، تعوذ» (مسلم وأحمد). «پیامبر ص آهسته و بدون شتاب قرآن قرائت می‌فرمود: هرگاه به آیه‌ای می‌رسید که در آن تسبیح بود، تسبیح «سبحان الله» می‌گفت، و اگر در آیه‌ای دعا بود دعا می‌کرد، و در هر آیه‌ای پناه بردن بود، بخدا پناه می‌برد».
2. واجب بودن پاکی و وضوء به هنگام دست زدن به آن: «لایمس القرآن إلاَّ طاهر». (مالک والدارمی). پیامبر ص خطاب به قرآن: «همانا هیچ چیز مرا منع نمی‌کند که بسوی تو بیایم و تو را تلاوت نمایم بجز اینکه وضوء ندارم».
3. استماع و گوش فرادادن به قرآن: ﴿وَإِذَا قُرِئَ ٱلۡقُرۡءَانُ فَٱسۡتَمِعُواْ لَهُۥ وَأَنصِتُواْ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ٢٠٤﴾ [الأعراف: 204]. «هنگامى که قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید; شاید مشمول رحمت خدا شوید».

سه برنامه ساده قرآنی برای ختم قرآن کریم

1- تلاوت،2- حفظ، 3- تمرین و یادگیری و تدبر.

1- برنامه ساده‌ای برای ختم قرآن کریم که روزانه صفحاتی از آنرا در نماز بخوانید بدون آنکه تأثیری در کارهای روزانه شما داشته باشد، یا وقت شما را بگیرد.

به جدول زیر دقت و برابر آن رفتار نمائید.

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| تعداد صفحات در هر نماز | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 | 6 | 7 | 8 | 12 | 17 |
| تعداد صفحات درهر روز | 5 | 10 | 15 | 20 | 25 | 30 | 35 | 40 | 60 | 85 |
| مدت ختم قرآن | 4 ماه | 2 ماه | 40 روز | 30 روز | 24 روز | 20 روز | 17 روز | 15 روز | 10 روز | 7 روز |

مثال: اگر کسی در هر نماز یک صفحه، و در روز پنج صفحه، قرآن بخواند در مدت چهارماه آنرا ختم خواهد نمود. (مترجم).

برنامه‌ای آسان برای حفظ کامل قرآن با حفظ یک سطر در روز:

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| تعدادسطرها در روز | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 | 6 | 7 | 8 | 12 | 15 | 24 | 30 |
| مقداری که در سال حفظ می‌شود | 24 | 12 | 8 | 6 | 8/4 | 4 | 4/3 | 3 | 2 | 6/1 | 1 | 8 ماه |

مثال: اگر روزانه فقط یک سطر قرآن حفظ شود در مدت بیست و چهار سال تمام قرآن حفظ خواهد شد. (مترجم).

برنامه‌ای آسان برای یادگیری و تدبر در قرآن با فراگرفتن چند آیه در روز با استفاده از تفاسیر مختصر و خوب مانند «تفسیر سعدی، زبده التفاسیر و تفسیر ابن کثیر» همراه با حفظ آن «در صورت تمایل»:

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| تعداد آیات یادگرفته در روز | 1 | 2 | 3 | 4 | 5 | 6 | 7 | 8 | 9 | 10 |
| آنچه در چند سال و ماه یاد می‌گیرید | 7/17 | 9/8 | 10/5 | 5/4 | 6/3 | 11/2 | 6/2 | 2/2 | 11/1 | 9/1 |

مثال: اگر روزانه یک آیه قرآن را حفظ و یاد بگیرید (همراه بامعنی) در مدت هفده سال و هفت ماه معنی تمام قرآن را یاد گرفته و حفظ می‌نمائید.

دعا و ذکرهایی که مسلمان را دربرمی‌گیرد و محفوظ می‌نماید

اذکار در برگیرنده (حافظ) مسلمان

ترجمه رساله:

أذکار المسلم الشاملة

تألیف:

عید العنزی

ذکرهای هنگام خواب و هنگام بیدار شدن

ذکر هنگام خوابیدن:

1. آیت الکرسی را بخوانید:

فضیلت آن: حافظ شما خواهد بود و آن شب تا صبح از شر شیطان محفوظ خواهی ماند.

1. دو آیه آخر سوره بقره:

فضیلت آن: از بدی و غم تو را کفایت می‌کند.

1. دست‌های خود را «بمانند دعا» جمع کنید و سوره‌های اخلاص، فقل، ناس را بر آن بخوانید و در دستان خود بِدَمید و سپس دستان خود را بر سر و صورت و تن خود بمالید.

فضیلت آن: سحر و جادو و چشم‌های بد و جنی‌ها را دفع می‌نماید.

1. ذکر سبحان الله والحمد لله والله اکبر را بخوانید.

فضیلت: حاصل شدن و بدست آوردن اجر عظیم.

1. خواندن این ذکر: «اللَّـهُمَّ أَسْلَمْتُ نَفْسِيْ إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِيْ إِلَيْكَ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِيْ إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِيْ إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ لاَ مَلْجَأَ وَلاَ مَنْجَا مِنْكَ إِلاَّ إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِيْ أَنْزَلْتَ وَبِنَبِيِّكَ الَّذِيْ أَرْسَلْتَ». (البخاری مع الفتح 11/113 ومسلم 4/2081). «بار الها! جانم را به تو سپردم، و کار خود را به تو تفویض نمودم، و چهره‏ام را به‌سوى تو گرداندم، و به تو اتّکا کردم، در حالى که به نعمت‏هاى تو امیدوارم و از عذابت بیم‏ناکم، به جز تو پناهگاهى و جاى نجاتى ندارم. الهى! به کتابى که تو نازل فرمودى، و پیامبرى که تو مبعوث کردى، ایمان آوردم».

فضیلت آن: اگر در شبی که این دعا را خوانده‌ای فوت کنی بر فطرت اصلی خود «دین اسلام» فوت نموده‌ای.

دعایِ هنگام بیدار شدن از خواب در شب

1. این ذکرها را بخوانید «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ المُلْكُ ولَهُ الحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيءٍ قَديْرٌ، سُبْحانَ اللهِ، وَالحَمْدُ للهِ، وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهِ، وَاللهُ أَكْبَرُ، وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمِ، اللَّـهُمَّ اغْفِرْ لي». (البخاری مع الفتح 3/ 39 وغیرها و لفظ از ابن ماجه است، نگا: صحیح ابن ماجه 2/335). «هیچ معبودى به جز الله «بحق» وجود ندارد، یکتاست و شریک ندارد، و پادشاهى و ستایش از آنِ اوست، و او بر هر چیز تواناست. الله پاک و منزّه است، و حمد از آنِ اوست، و هیچ معبودى به جز الله «بحق» وجود ندارد، و خدا بزرگ‌ترین است، و هیچ حول و قدرتى بجز از طرف خداى بلندمرتبه و بزرگ نیست. خدایا! مرا بیامرز».

فضیلت آن: هر کس این ذکر را بعد از بیدار شدن در خواب بخواند اگر دعا کند دعایش مستجاب، و اگر از خدا طلب مغفرت نماید آمرزیده می‌شود، و اگر نماز بخواند قبول می‌شود.

دعا و ذکر هنگام بیدار شدن از خواب «در صبح»

1- «الحَمْدُ للهِ الَّذِي أَحْيَانا بَعْدَ مَا أمَاتَنَا وإلَيْهِ النُّشُورُ». (البخاری مع الفتح 11/ 113، ومسلم 4/ 2083). «تمام ستایش‌ها از آنِ خدایى است که پس از میراندن ما را زنده کرده است، و بازگشت به سوى اوست».

\* هنگام دیدن کسی که او را دوست دارید بگویید الحمد لله و سپس به وی بگویید که شما را دوست دارم.

\* هنگام دیدن کسی که از او بَدِتان می‌آید: از شر او بخدا پناه ببرید و بگویند أعوذ بالله من شره، و به او نگویید که شما را دوست ندارم و از دیدنتان ناراحتم.

ذکرهای هنگام اذان گفتن

به هنگام اذان: همان ذکرهایی که مؤذن در اذان می‌گوید تکرار کنید. مگر وقتیکه مؤذی می‌گوید: «حَيَّ عَلَى الصَّلاةِ، وَحَيَّ عَلَى الفَلاَحِ»، کـه در جـواب مى‏گوید: «لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إلاَّ بِاللهِ». (البخاری 1/152 ومسلم 1/288).

فضیلت آن: کسی که از ته قلب آنرا بگوید. بهشتی است.

**بعد از پایان اذان: 1- صلوات بر پیامبر 2- گفتن این ذکر:** «اللَّـهُمَّ رَبَّ هَذِِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلاَةِ القَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّداً الْوَسِيْلَةَ وَالْفَضِيْلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوْداً الَّذِيْ وَعَدْتَهُ، [إِنَّكَ لاَ تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ]». (البخاری 1/152 و آنچه در بین کروشه آمده از سنن بیهقی 1/410 روایت شده، وعلامه عبدالعزیز بن باز در کتاب (تحفه الأخیار ص38) سندش را حسن دانسته است). «بار الها! اى پروردگارِ این نداى کامل و نماز بر پا شونده، به محمد ص وسیله «مقامى والا در بهشت» و فضیلت عنایت بفرما، و او را به «مقام شایسته‏اى» که وعده فرموده‏اى نایل بگردان، [همانا تو خُلف وعده نمى‏کنى».

3- نیز شخص گوید: «وَأَنَا أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُوْلُهُ، رَضِيْتُ بِاللهِ رَباًّ، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُوْلاً، وَبِالإِسْلاَمِ دِيْناً». (مسلم 1/290). «و من گواهى مى‏دهم که هیچ معبودى، بجز الله «بحق» وجود ندارد، یکتاست و شریکى ندارد، و محمد ص بنده و فرستاده‏ى اوست، من از اینکه الله، پروردگار و محمد، پیامبر و اسلام، دین من است، راضى و خشنودم».

(پس از اینکه مؤذن شهادتین را گفت، این ذکر، خوانده شود). (ابن خزیمة 1/220).

ذکرهای گوناگون

ذکر هنگام غذا خوردن و نوشیدن: در ابتدا بسم الله و در پایان الحمدلله بگویید.

**دعاء مهمان:** «اللَّـهُمَّ باَرِكْ لَهُمْ فِيْماَ رَزَقْتَهُمْ، وَاغْفِرْ لَهُمْ وَارْحَـمْهُمْ». (مسلم3/1615). «الهى! آنچه را که به ایشان ارزانى داشته‏اى، برکت ده و آن‌ها را ببخش، و بر آن‌ها رحم کن».

**\* دعا به هنگام رسیدن به کسی که تازه ازدواج نموده:** «بَارَكَ اللهُ لَكَ، وَبَارَكَ عَلَيْكَ، وَجَـمَعَ بَيْنَـكُمَا فِيْ خَيْرٍ». (أصحاب السنن بجز النسائی، ونگا: صحیح الترمذی 1/316). «خداوند به شما برکت عنایت فرماید، و کار شما را بابرکت کند، و پیوندتان را مبارک و باعث خیر گرداند».

**\* دعایی که مقیم باید به مسافر بگوید:** «أَسْتَوْدِعُكُمُ اللهَ الَّذِيْ لاَ تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ». (أحمد 2/403 وابن ماجه 2/943، ونگا: صحیح ابن ماجه 2/133). «من شما را به خدایى مى‏سپارم که امانت‌هایش ضایع نمى‏شود».

**\* دعای «برطرف شدن» اندوه و غصه:** «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ الْعَظِيْمُ الحَلِيْمُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ اْلأَرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمُ». (البخاری 7/154ومسلم 4/2092). «هیچ معبودى بحق بجز خداى بزرگ و بردبار وجود ندارد. هیچ معبودى جز الله که پروردگار عرش بزرگ است وجود ندارد. هیچ معبودى بحق به جز الله که پروردگار آسمان‏ها و زمین و عرش گرامى است وجود ندارد».

\* دعا به هنگام زیارت قبور: «السلام علیكم دار قوم مؤمنین وإنَّا إن شاء الله بكم لاحقون». «سلام بر شما ای «ساکنین» خانه مؤمنان و هر وقت خدا اراده کند ما هم به شما می‌پیوندم».

**\* سبحان الله گفتن «تسبیح» دو چندان:** «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ: عَدَدَ خَلْقِهِ، وَرِضَا نَفْسِهِ، وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ». [هنگام صبح، سه بار بخواند].(مسلم 4/2090). «تسبیح و پاکى الله و ستایش او را به تعداد آفریدگانش خشنودى‏اش و سنگنى عرشش و جوهر سخنانش، بیان مى‏نمایم».

**\* به هنگام وارد شدن به مسجد:** «اللَّـهُمَّ افْتَحْ لِيْ أَبْوَابَ رَحْـمَتِكَ». (مسلم1/494). «الهى! درهاى رحمت خود را بر من بگشا».

**و هنگام خارج شدن از مسجد:** «بِسْمِ اللهِ وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلَى رَسُوْلِ اللهِ اللَّـهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ، اللَّـهُمَّ اعْصِمْنِيْ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ». (مسلم1/494). (و. نگا: صحیح ابن ماجه 1/129). «به نام خدا و درود و سلام بر رسول الله ص الهى! از تو فضل را مسألت مى‏نمایم، الهى! مرا از شیطان مردود، حفاظت فرما».

\* دعاء هنگام داخل شدن منزل: وقت دخول بگویند بسم الله و به هنگام خارج شدن بگویید: «بِسْمِ اللهِ، تَوَّكَّلْتُ عَلَى اللهِ، وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ». (أبوداود 4/ 325 والترمذی 5/490، و نگا: صحیح الترمذی3/151). «به نام خدا، بر خدا توکل کردم، و هیچ قدرت و توانائى جز از طرف خدا نیست».

\* دعا هنگام وارد شدن به توالت: «[بِسْمِ اللهِ]، اللهُمَّ إِنّي أعُوذُ بِكَ مِنَ الخُبُثِ والخبائِثِ». (البخاری 1/45، ومسلم1/283)، به اضافه (بسم الله) در اولش سعید بن منصور آنرا روایت کرده است، (نگا: فتح الباری 1/244). «[به نام خدا] الهى! از جن‏هاى خبیث و پلید، اعم از زن و مرد، به تو پناه مى‏برم».

هنگام خارج شدن بگوید: «غُفْرانَكَ». (أهل السنن بجز النسائی آنرا در كتاب: «عمل اليوم والليلة» روایت كرده‏اند. نگا: تخریج زاد المعاد 2/387). «الهى! از تو آمرزش مى‏طلبم».

ذکرهای صبح و شام «عصر یا غروب»

\* ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾ وَ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾ 3 بار.

فضیلت: از هر چیزی شما را کفایت می‌کند.

\* آیت الکرسی «آیه 255 سوره بقره» 1 بار.

فضیلت: سبب محافظت و دفع شیاطین خواهد بود.

\* «اللَّـهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ أَمْسَيْنَا [وهنگام شب مى‏فرمود: «اللَّـهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوْتُ وَإِلَيْكَ الْمَصِيْرُ»]، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوْتُ وَإِلَيْكَ النُّشُوْرُ». (الترمذی 5/466 ونگا: صحیح الترمذی 3/142). 1 بار. «بار الها! با لطف تو صبح کردیم، و با عنایت تو به شب رسیدیم، و به خواست تو زنده‏ایم، و به خواست تو مى‏میریم، و رستاخیز ما بسوى تو است».

\* «أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ ِللهِ [وهنگام شب بجاى جمله فوق مى‏فرمود: «أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى المُلْكُ للهِ»]. وَالْحَمْدُ ِللهِ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ، رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِيْ هَذَا الْيَوْمِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ [و هنگام شب بجاى جمله‏ى فوق مى‏فرمود: «رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِيْ هَذِهِ الْلَّيلَةِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا، وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيْ هَذِهِ الْلَّيلَةِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهَا»]، وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيْ هَذَا الْيَوْمِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ، رَبِّ أَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ، وَسُوْءِ الْكِبَرِ، رَبِّ أَعُوْذُ بِكَ مِنْ عَذَابٍ فِي النَّارِ وَعَذَابٍ فِي الْقَبْرِ». (مسلم 4/2088). «ما و تمام جهانیان، شب را براى خدا به صبح رسانیدیم، و حمد از آن خداست، هیچ معبودى، بجز الله که یکتاست و شریکى ندارد وجود ندارد. پادشاهى و حمد فقط از آن اوست و او بر هر چیز قادر است. الهى! من خیر آنچه در این روز است و خیر آنچه بعد از آن است را از از تو مى‏طلبم، و از شرّ آنچه که در این روز و ما بعد آن، وجود دارد، به تو پناه مى‏برم. الهى! من از تنبلى و بدى‏هاى پیرى به تو پناه مى‏برم، بار الها! من از عذاب آتش و قبر به تو پناه مى‏برم».

\* «اللَّـهُمَّ أَنْتَ رَبِّيْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، خَلَقْتَنِيْ وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوْءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَأَبُوْءُ بِذَنْبِيْ فَاغْفِرْ لِيْ فَإِنَّهُ لاَ يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ إِلاَّ أَنْتَ». هركس هنگام شب آنرا با یقین بگوید و در آن شب بمیرد، و یا صبح بگوید و در همان روز بمیرد به بهشت وارد مى‏شود. (البخاری 7/150). «الهى! تو پروردگار من هستى، بجز تو معبود دیگرى نیست، تو مرا آفریدى، و من بنده‏ى تو هستم، و بر پیمان و عده‏ام با تو بر حسب استطاعت خود، پایبند هستم، و از شر آنچه که انجام داده‏ام به تو پناه مى‏برم، به نعمتى که به من عطا فرموده‏اى، اعتراف مى‏کنم، و به گناهم اقرار مى‏نمایم، پس مرا ببخشاى، چرا که بجز تو کسى گناهان را نمى‏بخشاید».

فضیلت: کسی که با ایقان و ایمان این دعا را بخواند و بعد از آن فوت کند وارد بهشت می‌شود.

\* «بِسْمِ اللهِ الَّذِيْ لاَ يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي اْلأَرَضِ وَلاَ فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ». هركس سه بار در وقت صبح و سه بار در وقت شب این دعا را بخواند هیچ چیزى به او ضرر نمى‏رساند. (أبوداود 4/323 والترمذی 5/465 وابن ماجه وأحمد. نگا: صحیح ابن ماجه 2/332 و علامه عبدالعزیز بن باز در كتاب (تحفة الأخیار ص39) سندش را حسن دانسته است. «به نام خدایى که با نام وى هیچ چیز در زمین و آسمان، گزندى نمى‏رساند، و او شنوا و دانا است».

\* «أَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ». [هنگام شب، سه بار خوانده شود]. هركس شامگاه سه مرتبه آنرا بخواند سختى‏هاى آن شب به او ضررى نمى‏رساند. (أحمد 2/290 والنسائی در كتاب: عمل الیوم واللیلة شماره‏ى 590 وابن السنی شماره‏ى 68، ونگا: صحیح الترمذی 3/187، وصحیح ابن ماجه 2/266 وتحفة الأخیار ص45).

\* «اللَّـهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِيْ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، اللَّـهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِيْ دِيْنِيْ وَدُنْيَايَ، وَأَهْلِيْ، وَمَالِيْ، اللَّـهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِيْ، وَآمِنْ رَوْعَاتِيْ، اللَّـهُمَّ احْفِظْنِيْ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ، وَمِنْ خَلْفِيْ، وَعَنْ يَمِيْنِيْ، وَعَنْ شَمَالِيْ، وَمِنْ فَوْقِيْ، وَأَعُوْذُ بِعِظْمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِيْ». (أبوداود وابن ماجه ونگا: صحیح ابن ماجه 2/332). «الهى! عفـو و عافیت دنـیا و آخرت را از تـو مى‏خواهم. بار الها! عفو و عافیت دین، دنیا، خانواده و مالم را از تو مسألت مى‏نمایم. بار الها! عیوب مرا بپوشان و ترس مرا به ایمنى مبدّل ساز. الهى! مرا از جلو، پشت سر، سمت راست و چپ و بالاى سرم، محافظت بفرما، و به بزرگى و عظمت تو پناه مى‏برم از اینکه بطور ناگهانى از طرف پایین کشته شوم».

فضیلت: کسی که این دعا را بخواند خداوند وی را از هر جهت محفوظ می‌نماید.

\* «اللَّـهُمَّ إِنِّيْ أََصْبَحْتُُ [هنگام شب گفته شود: «اللَّـهُمَّ إِنِّيْ أََمْسَيْتُ»]. أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ حَـمَلَةَ عَرْشِكَ، وَمَلاَئِكَتَكَ وَجَـمِيْعَ خَلْقِكَ، أَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لاَ إِلَهَ ِلاَّ أَنْتَ وَحْدَكَ لاَ شَرِيْكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُوْلِكَ».(این دعا(4) بار خوانده شود). هر كس صبح یا شب ایـن دعا را چهار بار بخـواند، خـداونـد او را از آتـش نجات مى‏دهد. (أبوداود 4/317، والبخاری در كتاب: الأدب المفرد شماره‏ى 1201، والنسائی در كتاب: عمل الیوم واللیلة شماره‏ى 9، وابن السنی با شماره‏ى 70، و شیخ ابن بازدر كتاب: (تحفة الأخیار ص 23) سند النسائی وأبی داود را حسن دانسته است). «الهى! من در این صبح‏گاه، تو را و حاملان عرش و تمام فرشتگانت و کلیه مخلوقات تو را گواه مى‏گیرم بر این که تو الله هستى، بجز تو معبود دیگرى «بحق» وجود ندارد، تو یگانه‏اى و شریکى ندارى، و محمد ص بنده و فرستاده‏ى تو است».

ذکرهای بعد از سلام دادن «پایان» نمازهای واجب

«أَسْتَغْفِرُ اللهَ (ثلاثاً) اللَّـهُمَّ أَنْتَ السَّلاَمُ وَمِنْكَ السَّلاَمُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلاَلِ وَالإِكْرَامِ». (مسلم1/414). «از الله طلب آمرزش مى‏کنم [سه مرتبه] الهى تو سلامى، و سلامتى از جانب تو است، تو بسیار بابرکتى، اى صاحب عظمت و بزرگى».

«لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ، اللَّـهُمَّ لاَ مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلاَ مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلاَ يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ». (البخارى 1/255 و مسلم 1/414). «معبودى «بحق» بجز الله، وجود ندارد. شریکى ندارد، پادشاهى از آنِ اوست، ستایش شایسته‏ى اوست، و او بر هر چیزى توانا است، الهى! آن‏چه تـو بـدهى، هیچ کس مانع آن نمى‏گردد، و آنچه تو منع کنى، هیچ کس نمى‏تواند آنرا بدهد. توانگر، او را ثروتش از عذاب تو نجات نمى‏دهد، و «تمامى شکوه و» ثروت از آنِ تو است».

«لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ، وَلاَ نَعْبُدُ إِلاَّ إِيَّاهُ، لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْـحَسَنُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ مُـخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُوْنَ». (مسلم 1/415). «معبودى بجز الله «بحق» وجود ندارد، یگانه اوست و شریکى ندارد، پادشاهى از آنِ اوست، و ستایش مخصوص اوست، و او بر هر چیز توانا است. هیچ نیروى بازدارنده از گناهان و توفیق دهنده به نیکى، به جز الله وجود ندارد. هیچ معبودى جز او «بحق» نیست. جز او کسى دیگر را عبادت نمى‏کنیم، نعمت و فضل از آنِ اوست، ستایش نیکو مخصوص اوست، معبودى بجز او وجود ندارد، همه‏ى ما با اخلاص او را بندگى مى‏کنیم هر چند کافران دوست نداشته باشند».

«سُبْحَانَ اللهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَاللهُ أَكْبَرُ [33 سپس] لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ». (مسلم 1/418). «کسى که آنرا بعد از هر نماز بگوید گناهش بخشوده مى شود! هر چند به اندازه‏ى کف دریا باشد». «بجز الله یگانه، دیگر معبودى بحق نیست، شریکى ندارد، پادشاهى از آنِ اوست، ستایش شایسته اوست، و او بر هر چیز تواناست».

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾ ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ٣ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ٤﴾ [الإخلاص: 1-4].

«به نام خداوند بخشنده‏ى مهربان. بگو خدا یکتا و یگانه است. خداوندی است که همهء نیازمندان قصد او می‌کنند. (هرگز) نزاد و زاده نشد. و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است».

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ١ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ٢ وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ٣ وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ٤ وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ٥﴾ [الفلق: 1-5].

«به نام خداوند بخشنده‏ى مهربان. بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیدهء صبح. از شر تمام آنچه آفریده است. و از شر هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می‌شود. و از شرّ آن‌ها که در گره‌ها می‌دمند. و از شرّ هر حسودی هنگامی که حسد می‌ورزد»**.**

﴿بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾ ﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ١ مَلِكِ ٱلنَّاسِ٢ إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ٣ مِن شَرِّ ٱلۡوَسۡوَاسِ ٱلۡخَنَّاسِ٤ ٱلَّذِي يُوَسۡوِسُ فِي صُدُورِ ٱلنَّاسِ٥ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ٦﴾ [الناس: 1-6]. أبوداود 2/86 والنسائی 3/ 68 ونگا: صحیح الترمذی 2/8، سوره‏هاى سه‏گانه را معوذات مى‏گویند. نگا: فتح الباری 9/62).

«به نام خداوند بخشنده‏ى مهربان، بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم. به مالک و حاکم مردم. به (خدا و) معبود مردم. از شرّ وسوسه‌گر پنهان‌کار. که درون سینهء انسان‌ها وسوسه می‌کند. خواه از جن باشد یا از انسان». [بعد از هر نماز خوانده شوند]».

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَ‍ُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ٢٥٥﴾ [البقرة: 255]. بعد از هر نماز خوانده شود. هر کس پس از هر نماز آنرا بخواند مانعی از ورود بهشت او نمى‏شود مگر مردنش. (النسائی در كتاب: (عمل الیوم واللیلة) شماره‏ى 100، وابن السنی شماره‏ى 121 وألبانی در صحیح الجامع 5/339 وسلسلة الأحادیث الصحیحة 2/697 شماره‏ى 972). «خداوند هیچ معبودى «بحق» جز او نیست، خداوندى که زنده و قائم به ذات خویش است، هیچ گاه خواب سبک و سنگین او را فرا نمى‏گیرد، براى اوست آنچه در آسمان‏‌ها و زمین است، کیست که نزد او جز به فرمانش شفاعت کند، آنچه را پیش روى آن‌ها «بندگان» و پشت سر آنهاست مى‏داند، و از گذشته و آینده‏ى آنان آگاه است، آن‌ها جز به مقدارى که او بخواهد احاطه به علم او ندارند، کرسى او آسمان‏‌ها و زمین را دربرگرفته و حفظ و نگهدارى آسمان و زمین براى او گران نیست، و او بلند مرتبه و باعظمت است».

فضائل بعضی از سوره‌های و آیات قرآن

\* سوره فاتحه: عظیم‌ترین سوره قرآن و شفاء هر دردی است.

\* سوره بقره و آل عمران: روز قیامت مانند دو ابر «سایبان» از صاحب خود حمایت می‌کنند.

\* آیت الکرسی: عظیم‌ترین آیه قرآن است سبب حفظ بندگان است (بوسیله خدا).

\* دو آیه آخر سوره بقره: از هر بلائی آدمی را کفایت می‌کند.

\* ده آیه اول سوره کهف: از فتنه دجال در أمان خواهی ماند.

\* سوره اخلاص «قل هو الله احد»: معادل یک سوم قرآن است.

\* آنچه را بیمار در حال بیماری خود باید بگوید. ﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ\_ [البقرة: 201]. «پروردگارا! به ما در دنیا (نیکى) عطا کن! و در آخرت نیز (نیکى) مرحمت فرما! و ما را از عذاب آتش نگاه دار!».

فضیلت: بیماری که این دعا را بخواند خداوند او را شفا می‌دهد.

\* دعا برای مریض: «أَسْأَلُ اللهَ الْعَظِيْمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ أَنْ يَشْفِيَكَ». (هفت بار بخواند). مسلمانى كه به عیادت مریضى برود كه اجلش فرا نرسیده است، و این دعا را هفت بار بر او بخواند، مریضش شفا مى‏یابد. (الترمذی وأبوداود، ونگا: صحیح الترمذی2/210 وصحیح الجامع 5/180). «از خداوند عظیم، پروردگار عرش بزرگ، مى‏خواهم که تو را شفا دهد».

«لاَ بَأْسَ طَهُوْرٌ إِنْ شَاءَ اللهُ». (البخاری مع الفتح 10/118). «هیچ باکى نیست، این بیمارى به خواست خداوند، پاک کننده‏ى «گناهان» است».

افسون و دعاهای شرعی برای بیماری و چشم بد و سِحْر

1. «أَذْهِبِ البَأس، ربَّ الناس، واشفِ أنتَ الشَّافِي لا شِفاءَ إلاَّ شفاءُكَ شِفاءً لا يغادُر سَقَماً». «ای پروردگار انسان‌ها! (هرگونه) زیان و ترس را زایل فرما و شفا(ی عاجل) عنایت کن که همانا تو (تنها) شفا دهنده هستی و جز شفای تو که تمامی بیماری‌‌ها را درمان می‌بخشد شفایی وجود ندارد».
2. رسول الله ص فرمود: دستت را بر جایى که درد احساس مى‏شود بگذار، و سه بار «بِسْمِ اللهِ» بگو: سپس هفت بار بگو: «أَعُوْذُ بِاللهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ». (مسلم 4/1728). «من بـه خـدا و قدرتش پناه مى‏برم از شرّ آنچه به آن دچار مى‏شوم و از آن بیم دارم و مى‏ترسم».
3. «بِسْمِ اللهِ أرقيِكَ، مِن كُلِّ شيٍ يُوذيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أو عَينِ حَاسِدٍ، اللهُ يَشْفِيكَ، بِسم اللهِ أرقيكَ». «به نام خداوند آنچه (از ارواح پلید و غیره که) موجبات اذیت و آزار تو (بیمار) را فراهم می‏کنند از تو دور می‏سازم و از گزند هر نفس (سرکش) یا چشم زخم حسودی می‏رهانمت. (بی‏تردید) این خداست که تو را شفا می‏دهد و من (تنها) با نام و یاد او به مداوایت می‏پردازم».

اذکار «ذکرهای» متنوع و گوناگون

1. هنگام وارد شدن به هر خانه‌ای: «أَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ». [هنگام شب، سه بار خوانده شود]. هركس شامگاه سه مرتبه آنرا بخواند سختى‏هاى آن شب به او ضررى نمى‏رساند. (أحمد 2/290 والنسائی در كتاب: عمل الیوم واللیلة شماره‏ى 590 وابن السنی شماره‏ى 68، ونگا: صحیح الترمذی 3/187، وصحیح ابن ماجه 2/266 وتحفة الأخیار ص45).

فضیلت: تا هنگامی که در آن منزل است ضرری به او نمی‌رسد.

1. بعد از وضوء: «أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدَاً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ..». (مسلم1/ 209). «شهادت مى‏دهم که بجز الله، معبودى «بحق» وجود ندارد، یکتاست وشریکى براى او نیست، وشهادت مى‏دهم که محمد، بنده و فرستاده‏ى اوست».

فضیلت: کسی که این ذکر را بعد از وضوء بخواند درهای هشتگانه بهشت بر او باز می‌شود.

1. هنگام دعا کردن: «اللَّـهُمَّ إِنّيْ أَسْأَلُكَ بِأَنِّيْ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، الأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِيْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْواً أَحَدٌ». (أبوداود2/62والترمذی 5/515 وابن ماجه 2/ 1267 وأحمد 5/360 ونگا: صحیح ابن ماجه 2/329 وصحیح الترمذی 3/163). «پروردگارا! من تنها از تو «احتیاجاتم را» مى‏خواهم، چرا که شهادت مى‏دهم که تو الله هستى، و هیچ معبودى بجز تو «بحق» وجود ندارد، تو آن یکتا و بى‏نیازى هستى که نه زاده است، و نه زائیده شده است، و همتایى ندارد».

فضیلت: این دعا نام خداست اگر بوسیله آن چیزی طلب شود عطا می‌شود. واگر دعائی شود قبول می‌شود.

1. به هنگام مصیبت: «إِنَّا ِللهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُوْنَ، اللَّـهُمَّ أَجُرْنِيْ فِيْ مُصِيْبَتِيْ وَأَخْلِفْ لِيْ خَيْراً مِنْهَا». (مسلم 2/632). «بدون تردید ما از آنِ الله هستیم و بازگشت همه‏ى ما بسوى اوست. الهى! مرا در مقابل مصیبت، پاداش ده، و در عوض آن چیز بهترى به من عنایت فرما».

فضیلت: در صورت خواندن این دعا در این مصیب اجر و پاداش را می‌گیری و بهتر از آن را خداوند عطا می‌فرماید.

1. برای محافظت اطفال: رسول الله ص با خواندن این کلمات، حسن و حسین ب را به خدا مى‏سپرد تا آن‌ها را حفاظت کند: «أُعِيْذُكُمَا بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانِ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لاَمَّةٍ». (البخاری 4/119 از حدیث ابن عباس ب). «من شما دو نفر «حسن و حسین ب» را به وسیله‏ى کلمات کامل الله از بدى هر شیطان و جانور زهردار و زخم چشم به حفظ خدا مى‏سپارم».

فضیلت: این دعا چشم بدخواه را دفع می‌کند.

1. هنگام خشمگین شدن: «أَعُوْذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ». (البخاری 7/99 ومسلم 4/2015). «از شیطان رانده شده به الله پناه مى‏برم».

فضیلت: خشم زائل می‌شود.

1. برای راندن و دور کردن شیطان و وسوسه‌های او:

1- ذکر الله 2- پناه بردن به خدا «أَعُوْذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ». 3- اذان 4- اقامه.

1. هنگام دیدن چیزی شگفت‌آور: «مَا شَاءَ لاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ». «هر چه خدا بخواهد، قوتی نیست مگر به خدا».

فضیلت: خداوند آنرا خجسته و با برکت می‌نماید.

1. هرگاه از قومی ترسیدید بگویند: «اللَّـهُمَّ اكْفِنِيْهِمْ بِمَا شِئْتَ». (مسلم 4/2300). «اى الله! تو در برابر دشمنان به هر طریق که مى‏خواهى، مرا کفایت فرما». فضیلت: خداوند آن‌ها را دفع می‌نماید.
2. هنگام تعزیه: «إِنَّ ِللهِ مَا أَخَذَ، وَلَهُ مَا أَعْطَى وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُسَمَّى ... فَلِتَصْبِرْ وَلِتَحْتَسِبْ». (البخاری 2/80 ومسلم 2/636). «همانا آنچه را که خداوند گرفت، از آنِ خودش بود، و آنچه را که داده است نیز مال خود او مى‏باشد، مسلّماً هر چیز، میعاد معینى دارد، لذا باید صبر کنى و امید ثواب داشته باشى».

فضیلت: موجب کاستن اندوه اهل میت است.

ذکرهای مهم «عظیم»

1. سبحان الله (100) بار یک، هزار نیکی برایش نوشته می‌شود، یا یک هزار گناه او محو می‌گردد.
2. سبحان الله وبحمده (100) بار، بوسیله آن گناهان آمرزیده می‌شوند اگرچه مثل کف دریا باشد.
3. «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْـحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ». (البخاری 7/67 ومسلم با همین لفظ 4/2071، ونگا: فضیلت كسى كه در هر روز صد بار آنرا مى‏گوید، در همین كتاب). «هیچ معبودى به جز الله «بحق» وجود ندارد، یکتاست و شریکى ندارد، پادشاهى و ستایش از آنِ او است، و او بر هر چیز تواناست».

(100) بار، این ذکر معادل آزاد کردن (10) بنده وبدست آوردن (100) حسنه و آمرزیده شدن (100) گناه و پناهگاهی امن از دست شیطان است.

1. «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيْمِ». (البخاری 7/168ومسلم 4/2072). «الله پاک و منزّه است، و او را ستایش مى‏کنم، خداوند عظیم، پاک و منزّه است».
2. «وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ». (أبوداود 4/ 325 والترمذی 5/490، و نگا: صحیح الترمذی3/151). «و هیچ قدرت و توانائى جز از طرف خدا نیست».

به هر تعداد خوانده شود: گنجی از گنج‌های خداست.

1. «سُبْحَانَ اللهِ، وَالْحَمْدُ ِللهِ، وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ، وَاللهُ أَكْبَرُ» بگویم، نزد من از آنچه که خورشید بر آن طلوع کرده است (یعنى همه‏ى دنیا) دوست داشتنى‏تر است). (مسلم 4/2072).
2. «اللَّـهُمَّ صَلِّ عَلَى نَبِينَا مُحَمَّدٍ». به هر تعداد خوانده شود.

خدایا بر محمد پیامبر ما درود و سلام بفرست. پیامبر فرموده هر کس یک صلوات بر من فرستد خداوند ده صلوات بر او می‌فرستد.

1. «أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوْبُ إِلَيْكَ»: آمرزش می‌خواهم از خداوند و به او باز می‌گردم.

به هر تعداد موجب کفارت گناهان است.

1. قبل از برخاستن از مجلس بگوید: «سُبْحَانَكَ اللَّـهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوْبُ إِلَيْكَ». «خدایا! تو پاک و منزّهى، تو را ستایش مى‏کنم، و گواهى مى‏دهم که بجز تو، معبود دیگرى «بحق» وجود ندارد و از تو آمرزش مى‏خواهم و بسوى تو توبه مى‏کنم».
2. «اللَّـهُمَّ إِنِّيْ أَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْـهَمِّ وَالْـحَزَنِ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ، وَضَلَعِ الدَّيْنِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ». (البخاری 7/158). «بار الها! من از غم و اندوه، و ناتوانى و سستى، بخل و ترس، سنگینى وام، غلبه‏ى مردان، به تو پناه مى‏برم».

به هر تعداد خوانده شود: غم و اندوه را برطرف می‌نماید.

وصیت پیامبر ص: «لاَ يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْباً مِنْ ذِكْرِ اللهِ».

(الترمذی 5/458، وابن ماجه 2/1246 ونگا: صحیح الترمذی 3/139، وصحیح ابن ماجه 2/317). «پیوسته زبانت با یاد خدا تَر باشد».

خانواده ناپاكيها  
مسكرات و مخدرات   
«مواد مخدر» ره‌آورد استعمار

ترجمه: العائلة الخبیثة

تألیف:

صالح بن عبدالله الصباح

مسکرات و مخدرات «مواد مخدر» زندگی را بر باد می‌دهد

\* جوانی است که پسر بچه سه ساله‌ای را ربوده و سپس به وی تجاوز نموده و به این هم اکتفا نکرده، آنرا خفه نموده و به قتل رسانیده است، بعداً که حقایق کشف گردیده معلوم شده که آن جوان اهل شرابخواری و مخدرات است.

\* آن یکی، دختر بچه‌ایست که از خانه خود فرار و به خانه امام مسجد پناه آورده است، فرار از چه چیزی؟ از چه کسی؟ از پدری که شرابخوار است، و مدت بیست روز است که می‌خواهد با دخترش عمل فحشا انجام دهد.

\* آن دیگری خانواده‌ایست که همیشه با رنج و مشکل زندگی می‌کنند. مادر و دخترانش هیچگاه از قتل و تجاوزِ خود در امان نیستند، شب‌ها نمی‌توانند بخوابند مگر اینکه درِ اطاق را قفل و آنرا با وسایل سبک و سنگین محکم ببندند. ترس از چه؟ از چه کسى؟ از پسر مست و شرابخوار خانواده، که هر نصف شبی بسویشان می‌آید.

\* دیگری خانواده‌ای که با ترس و وحشت و اضطراب از شهر خود به شهر دیگری فرار نموده‌اند. فرار از چه؟ از چه کسی؟ از دست پدر شرابخواری که همیشه مست است، و خانواده‌اش از ترس او نه شب و نه روز از ناموس و خون خود در امان نیستند.

\* آن یکی شوهر مجرمی است که همسر و دختر هفت ساله و پسر پنج ساله‌اش را بقتل رسانده، و دست پسر سه ساله دیگرش را قطع نموده و به این جنایت هم اکتفا نکرده بلکه علاوه بر این تن آن‌ها را نیز قطعه قطعه نموده است.

\* حوادث، داستان‌ها و داستان‌های دیگری که هر روز وقوع آن‌ها را در کشورهای غربی و کفر می‌شنویم. اما در تأیید، تصدیق یا تکذیب آن مانده‌ایم. «نمی‌دانیم باور کنیم یا نه؟» تا اینکه ناگاه جریان مشابهی در میان خود ما «در جامعه ما» روی می‌دهد و اثرات و آلام آنرا خود احساس می‌کنیم!!

چه بسیارند خانواده‌هایی که از دست پدر یا پسر منحرف خود که به گرداب این پلیدی‌ها افتاده، روزانه زندگی خفت‌باری را می‌گذرانند.

پلیدی‌ها و خبائثی که انسان را به هیولایی درنده و وحشی تبدیل می‌کند بطوریکه همه اطرافیان از او در هراسند. و برای همه غم و آشفتگی و مصیبت و مشکل ببار می‌آورد.

پس بیایید همه با هم برای از بین بردن و قطع ریشه این پلیدی‌ها و خبائث همکاری کنیم. «برای ریشه کنی آن دست بدست هم دهیم».

مسکرات «مست کننده‌ها» تو را بسوی هر جرم و جنایتی می‌کشانند

س 1: آیا می‌خواهید در عرض چند روز زندگی خود و خانواده‌ات از دست برود؟

س 2: آیا می‌خواهید که مورد نفرت خدا واقع، و یا چیزی مورد نفرت «ملعون» را وارد شکم خود نمائید؟

س 3: آیا می‌خواهید که هر چه بدی و رذائل و بلایا و فقر و بیماریست بسویت سرازیر شود؟

س 4: آیا می‌خواهید دروازه پلیدیها، بدی‌ها و رذالت باشید؟

س 5: آیا می‌خواهید که به درنده‌ای وحشی و جنایتکاری قاتل که پدر و مادر و همسر و فرزندان و اطرافیان خود را نیز می‌کُشند تبدیل شوید؟

جواب: اگر به مسکرات و مواد مخدر تن دهی و بسوی آن‌ها قدم برداری، همانا قطعاً پاسخ شما آری است.

بحق بدانید که همانا اسم خمر شامل همه انواع مسکرات «مست کننده‌ها» همه انواع مخدرات «مواد مخدر» تشفیط و همه انواع آن و تمامی آن چیزهایی است که به نحوی تعادل و توازن طبیعی عقل آدمی را بهم بزند و مختل نماید. حشیش، کوکائین، هروئین، تریاک، مرفین، شمه، همه این‌ها نوعی از انواع مخدرات هستند.

پزشکان بیماری‌های زیادی را که به علت نوشیدن مشروبات الکلی و استعمال مواد مخدر بوجود می‌آیند ذکر نموده‌اند. از جمله اتلاف کبد و کلیه، ضعیف نمودن عقل. و جسم و اعصاب، کاهش مقاومت بدن در برابر بیماری‌ها و ابتلاء به بیماری‌های مهلکی مانند سل و (سرطان)، و به نابودی کشاندن نسل بشر، ایجاد ضعف و ناتوانی عقلی و جسمی انسان و صد‌ها نوع گرفتاری و مشکلات و بیماری‌های دیگر که در کتاب‌های پزشکی به تفصیل بیان شده است.

تشفیط راهی است بسوی دیوانگی

تشفیط نوع کثیفی از مسکرات است که با استنشاق و مکیدن مواد شیمیایی بوجود می‌آید. این مواد شیمیایی سلول‌های مغز را یکی بعد از دیگری نابود، تا اینکه عقل مصرف کننده «مشفط» را زائل و او را به دیوانگی دائمی دچار می‌کند. سلول‌های مرده مغز نیز به هیچ وجه زنده و یا سلول دیگری جایگزین آن نمی‌شود. بیماری‌ها و گرفتاری‌های زیادی در مصرف این نوع ماده مخدر وجود دارد. که در کتاب‌های پزشکی به تفصیل بحث شده است.

مطالب زیر را بخوانید تا پلیدی و کیفر استعمال مسکرات و مخدرات را بهتر بشناسید.

1. گناه کبیره است: خداوند می‌فرماید:.﴿يَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِۖ قُلۡ فِيهِمَآ إِثۡمٞ كَبِيرٞ﴾ [البقرة: 219] «در باره شراب و قمار از تو سؤال مى‏کنند، بگو: «در آن‌ها گناه و زیان بزرگى است».
2. شراب پلید و از کار‌های شیطان است: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡخَمۡرُ وَٱلۡمَيۡسِرُ وَٱلۡأَنصَابُ وَٱلۡأَزۡلَٰمُ رِجۡسٞ مِّنۡ عَمَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَٱجۡتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ٩٠﴾ [المائدة: 90].«اى کسانى که ایمان آورده‏اید! شراب و قمار و بت‌ها و ازلام ( نوعى بخت‏آزمایى )، پلید و از عمل شیطان است، از آن‌ها دورى کنید تا رستگار شوید!».
3. خمر ملعون و نفرت شده است: «إنَّ الله لعن الخمر». الحاکم. پیامبرص می‌فرماید: «خداوند خمر را لعنت نموده».

پس چگونه آنرا تناول می‌نمائید؟

1. هر کس به شراب علاقمند باشد ملعون است: «لعن ص في الخمر عشرة عاصرها ومعتصرها وشاربها وحاملها والـمحمولة إلیه وساقیها وبائعها وأكل ثمنها والـمشتري لـها والـمشتراه له». (الترمذی وابن ماجه). «رسول اکرم ص ده صنف را که در کار مشروبات الکی دخالت دارند لعنت کرد. 1- کسی که انگور را جهت شراب بفشارد 2- کسی که برایش فشرده شود، و برایش ساخته شود 3- کسی که آنرا می‌نوشد 4- کسی که آنرا حمل می‌کند 5- کسی که برایش حمل می‌شود. 6- کسی که آنرا به دیگران تعارف می‌کند 7- کسی که آنرا می‌فروشد 8- کسی که پول آنرا دریافت دارد 9- کسی که آنرا خریداری کند 10- کسی که برایش خریداری شود».
2. هر مسکری «مست کننده‌ای» حرام است: «كل مسكر خــمر وكل خــمر حرام». (مسلم). «هر مست کننده‌ی شراب است، و هر شرابی حرام است».
3. نوشیدن عصاره اهل جهنم: «إنَّ على الله ﻷ عهداً لـمن یشرب الـمسكرات لیسقیه من طینة الخبال. فقالوا وما طینة الخبال یا رسول الله، فقال: عرق أهل النار، أو عصارة أهل النار». (مسلم). «خداوند عهد نموده که هر کس شراب مسکر بنوشد طینه الخبال را به وی بنوشاند. عرض کردند یا رسول الله طینه الخبال چیست؟ فرمود عَرَق جهنمیان است».
4. نوشیدن آب جوش جهنم: «أقْسَمَ رَبّي ﻷ بعزته لا یشرب عبد من عبیدي جرعة من خــمر إلاَّ سقیته مكانها من حــمیم جهنم». (أحمد). «خداوند به عزت و جلال خود قسم خورده که هر کس از بندگانش جرعه‌ای خمر «شراب» بنوشد خداوند بجای آن از آب جوش عرق جهنمیان بوی می‌نوشاند».
5. نوشیدن از رودی که از مجرای ادرار زنان فاحشه جاری می‌شود: «من مات مدمناً للخمر سقاه الله جل وعلا من نهر الغوطة قیل وما نهر الغوطة، قال: نهر یجري من فروج المومسات یؤذي أهل النار ریح فروجهم». (أحمد، ابن حبان و ابویعلی والحاکم). «کسی که بمیرد و دائم الخمر «شرابخوار دائمی» باشد خداوند وی را از رود غوطه می‌نوشاند. گفته شد که رود غوطه چیست؟ فرمود رودی است که از شرمگاه زنان فاحشه جاری و جهنمیان از بوی آن در عذابند».
6. از دست دادن ایمان: «لا یشرب الـخمر حین لیشربها وهو مؤمن، والتوبة معروضة بعد». (مسلم). «شرابخوار به هنگام نوشیدن شراب مؤمن نیست و توبه نیز از وی رویگردان است. یعنی در آنوقت درِ توبه هم از او بسته شده است».

«من زنى أو شرب الـخمر نزع الله منه الإیمان». (الحاکم). «کسی که مشروب می‌خورد یا زنا می‌کند خداوند در آن هنگام ایمان را از وی می‌گیرد».

1. داخل بهشت نمی‌شود: «ثلاثة لا یدخلون الجنة: العاق لوالدیه والـمدمن علی الـخمر، والـمنان». (النسائی والحاکم). «سه طایفه وارد بهشت نمی‌شوند: 1- آزار دهنده پدر و مادر، 2- مشروب خوار دائمی، 3- منت گذار «کسی که نیکی و خدمتی را که به دیگری کرده بر او منت می‌نهد و به رُخ او می‌کشد».
2. از شراب طهور نمی‌نوشد: «مَنْ شَرِبَ الْـخَمْرَ فِي الدُّنْيَا، ثُمَّ لَمْ يَتُبْ مِنْهَا، حُرِمَهَا فِي الآخِرَةِ». (بخارى:5575). عبدالله بن عمر ب می گوید: رسول الله ص فرمود: «هرکس، در دنیا شراب بنوشد و از آن، توبه نکند، از شراب آخرت، محروم خواهد شد».
3. شراب درد و بیماری است: «إنَّها لیست بدواء ولكنها داء». (مسلم). «براستی شراب درمان نیست، بلکه درد و مَرَض است».
4. خرید و فروش آن حرام است: «إنَّ الذي حرم شربها، حرم بیعها». (مسلم). «براستی کسى که نوشیدن آن حرام کرده، داد و ستد آن نیز حرام کرده است».
5. نوشیدن آن از علائم آخرت است: «إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ: أَنْ يُرْفَعَ الْعِلْمُ وَيَثْبُتَ الْـجَهْلُ وَيُشْرَبَ الْـخَمْرُ وَيَظْهَرَ الزِّنَا». (بخارى:80). رسول الله ص فرمود: «از جمله نشانه‏‌های قیامت این است که جهل و نادانی فراگیر خواهد شد و علم و دانش از بین خواهد رفت. و زنا و شراب خواری آشکار و علنی انجام خواهد گرفت».
6. مسکرات «ام الخبائث» ریشه پلیدی‌هاست: «قال عثمان س فَاجْتَنِبُوا الْخَمْرَ فَإِنَّهُ وَاللَّهِ لاَ يَجْتَمِعُ وَالإِيمَانُ أَبَداً إِلاَّ يُوشِكُ أَحَدُهُمَا أَنْ يُخْرِجَ صَاحِبَهُ». (النسائی). «از عثمان س نقل شده است که: از شرابخواری بپرهیزید. که شراب ریشه و مادر پلیدی‌هاست. قسم به خدا شرابخواری و ایمان با هم در یک فرد جمع نمی‌شوند مگر اینکه یکی از آن‌ها دیگری را از جسم بیرون کند «یعنی یکی از این دو: یا ایمان یا شرابخواری»».
7. حرام بودن نشستن در مجلس شراب و شرابخواران: «من كان یؤمن بالله والیوم الآخر فلا یقعدنَّ على مائدة یدار علیها بالـخمر». (الترمذی و الحاکم). «کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد نباید بر سفره‌ای بنشیند که بر روی آن خمر گذاشته شده است».
8. شراب کلید و دروازه هر بدی است: «لا تشرب الـخمر فإنَّها مفتاح كل شر». (ابن ماجه). «شراب ننوشید که همانا دروازه و کلید هر بدی و فساد است».
9. ریشه و مبنای هر خطا و گناهی است: «لا تشربوا الـخمر فإنَّها رأس الـخطایا كلها». (الطبرانی). «شراب ننوشید که ابتدا و ریشه هر گناهى است».
10. شروع سرِ هر کار زشتی است: «لا تشربن خــمراً فإنَّها رأس كل فاحشه». (الحاکم). «شراب ننوشید که بحقیقت شروع کننده و ابتدای ورود به هر کار زشتی است».
11. راه گمراهی و فریبکاری است: «أما أنَّك لو أخذت الـخمر غوت أمتك». (مسلم). (حدیث قدسی). در شب اسراء خطاب به رسول الله ص است که: «همانا اگر شراب را انتخاب مى‌کردى امت تو منحرف مى‌شدند».
12. شرابخوار تا چهل روز نمازش قبول نیست: «من شرب الـخمر فسكر لم تقبل له صلاة أربعین صباحاً فإن مات دخل النار. فإن تاب تاب الله علیه». (الترمذی و الحاکم و ابن حبان). «کسی که شراب بخورد و مست شود تا چهل روز نمازش قبول نیست. پس اگر بمیرد به دوزخ می‌رود، و اگر توبه کند توبه‌اش مورد قبول خداوند واقع می‌شود».
13. شرابخوار اگر بمیرد مرگ او مرگ جاهلیت است: «قال عبدالله بن عمر م إنَّ أعظم الكبائر شرب الـخمر: إنَّ النبي ص قال: ما من أحد یشربها فتقبل منه صلاة أربعین لیلة ولا یموت وفي مثانته منه شيء إلاَّ حرّمتِ بها علیه الجنة فإن مات في أربعین لیلة مات میتة جاهلیة». (الطبرانی الحاکم). «عبدالله بن عمر ب می‌گوید: همانا نوشیدن شراب بزرگ‌ترین گناه است. رسول اکرم ص می‌فرماید: کسی که شراب می‌نوشد تا چهل روز «اگر توبه نکُند» نمازش قبول نیست، اگر بمیرد و در مثانه او چیزی از شراب وجود داشته باشد، بهشت بر وی حرام، و اگر در آن چهل روز فوت کند، بر دین جاهلیت مرده است».
14. نوشنده شراب روز قیامت تشنه خواهد آمد: «من شرب الـخمر أتى عطشان یوم القیامة». (أحمد وأبویعلی). «کسی که شراب بنوشد، روز قیامت بسیار تشنه خواهد بود»: (در حالی وارد قیامت می‌شود که بسیار تشنه است).
15. برای امام مسلمانان جائز است شرابخوار را بقتل برساند: «من شرب الـخمر فاجلدوه فإن عاد في الرابعة فاقتلوه». (الترمذی). «شرابخوار را تازیانه بزنید، اگر برای بار چهارم تکرار کرد آنرا بقتل برسانید».
16. هر مسکری «مست کننده‌ای» با اینکه تغییر نام داده شده باشد شراب است:

«لَیَشْربَّن ناسٌ من أمتي الـخمر ویُسَمُّونَها بغیر اسمها». (الترمذی). «گروهی از امت من شراب می‌نوشند و نام دیگری بر آن می‌نهند».

1. اجرای حد و زدن تازیانه به نوشنده شراب لازم است: «قال علي بن أبي ‌طالب: جلد النبي ص أربعین وجلد أبوبكر أربعین وعمر ثمانین وكل سنة». (مسلم). «علی بن ابی‌طالب می‌گوید: پیامبر ص چهل تازیانه، و ابوبکر س چهل تازیانه، و عمر س هشتاد تازیانه به شرابخوار می‌زدند. و همۀ آن‌ها سنت هستند».

(دخانیات «سیگار» با ایجاد بیماری‌های مهلک تو را بسوی مرگ می‌کشاند).

از سیگار، این ماده پلید، کثیف و کشنده پرهیز کنید.

این ماده سمّی بعد از آنکه اثرات بسیار مخربی بر مصرف‌کننده می‌گذارد صاحب خود را «چون قادر به ترک آن نیست» خانه‌نشین و بدامن پدر و مادرش می‌اندازد. «محتاج می‌گرداند» اعتیاد به سم‌های این ماده کافی است تا فرد به بیماری‌های مهلک و غیرقابل علاجی مبتلا شود، بوی بد آن همه جا را آلوده، جسم و قلب و ریه و صورت آدمی را سیاه می‌نماید. بنابراین از مصرف این ماده خطرناک قبل از نزول عذاب و فرا رسیدن مرگ توبه کنید و بطرف خدا بازگردید.

حقیقتاً سیگار علاوه بر اینکه هیچ نفع و فائده‌ای ندارد، پیامدهای شوم و زیانبار، بیماری‌های فراوان و زیان‌های بیشمار آن برای همه جهانیان ثابت و تمام مردم بر آن اتفاق‌نظر دارند، سالیانه بیش از (2.500.000) نفر در جهان به علت بیماری‌های ناشی از مصرف سیگار به بدترین شیوه جان خود را از دست می‌دهند.

وزارت بهداشت عربستان در سال 1402ه‍ جمله هشداردهنده زیر را جهت نصب پر روی پاکت‌های سیگار تصویب نمود. (مصرف دخانیات عامل اصلی سرطان و بیماری‌های ریه و قلب و عروق است) مصرف دخانیات علاوه بر اینکه موجب ابتلاء به انواع سرطان‌ها مانند سرطان ریه، دهان و ده‌ها نوع بیماری ریه و قلب و عروق، سل ریه‌ها، سکته قلبی می‌گردد، بلکه بیماری‌های بیشمار دیگری مانند بیماری‌های کبد، زخم معده و اختلال در دستگاه‌های تنفسی و عصبی و خونی و گوارش و غیر آن را نیز بهمراه دارد.

«ذکر این همه زیان برای سیگار» جای تعجب نیست چراکه اساس و ریشه اصلی دخانیات ماده تنباکو است، و آن ماده‌ای مخدر «بی‌حس کننده اعصاب»، سست کننده اعصاب و کشنده می‌باشد که شامل (6.800) ماده مضرّ است. از جمله ماده‌های سمّی موجود در آن نیکوتین، اکسیدکربن، اکسید نیتروژن و قطران «ماده سمی سیاه رنگ» می‌باشند که قوی‌ترین آن نیکوتین است، که ماده‌ای سمی و دارای عناصر بی‌حس کننده و سست کننده اعصاب است که اگر یک میلی گرم آن از طریق رگ تزریق شود فورا انسان را می‌کشد. همچنین ماده قطران سرطانزاست. بررسی‌های بعمل آمده و حقایق کشف شده در مورد زیان‌های سیگار ما را بر آن می‌دارد که قاطعانه اعلام کنیم استعمال دخانیات «تدخین» مخدر حقیقی است، بلکه از مخدرات بسیار قوی برای کشتن ناگهانی انسان می‌باشد.

کدام نوع بیماری را در فرد سیگاری سراغ دارید که سیگار در ابتلاء به آن بی‌تأثیر باشد؟

معسل و قلیان راه تو بسوی سرطان

بدانکه همانا یک سنگ «چند گرم معادل نیم جو» از آن، معادل کارکرد (15) نخ سیگار است. تنها یک جراک «پیمانه» آن پانزده درصد 15% تنباکوی خالص است. بلکه معسل تنباکوی خالص است که با مقدار زیادی از انواع مواد سرطان‌زا مانند رنگ‌ها و بو‌ها و مواد شیمیایی پخته شده و تخمیر شده مخلوط می‌شود.

از موادی که با معسل مخلوط می‌شود مثلاً ماده گلیسیرین است که استعمال و بکار بردن آن موجب استنشاق ماده خطرناکی است که باعث ابتلاء به سرطان می‌شود، ماده دیگری که با معسل مخلوط می‌شود ماده اکریلین است که ماده‌ای سمی، زهرناک و کشنده است که حتی تماس و دست زدن به آن بسیار خطرناک است، چه رسد به استنشاق و استفاده از آن!!! تمام آنچه در مورد مضرات سیگار بیان شد شامل معسل نیز می‌باشد.

این خبائث و مواد ناپاک از کجا به میان ما آمده‌اند

این مواد ناپاک و خبیث از طریق سفرهای خارج، دوستان ناباب خائن، تساهل و سهل‌انگاری در ابتدای شروع «کشیدن پُک اول از سیگار یا سایر مواد» و سپس ادامه دادن و بعد حسرت و پشیمانی به میان ما آمده و ما را مبتلا نموده است.

[این بلای خانمانسوز ره‌آورد استعمارگران و دشمنان دین و بشریت است، قطعاً شیوع مواد مخدر و مشروبات الکلی یکی از دسیسه‌های مهم استعمار غرب است] این دشمنان، با اشاعه و انتشار این مواد ناپاک در میان ما قدرت این را پیدا خواهند نمود که دین و امنیت و اخلاق و خوشبختی ما را تاراج و ما را به جانوارانی وحشی «که فقط بفکر لذات زودگذر باشیم» تبدیل نمایند. پس برای مقابله با دشمنان و حفظ عظمت و توان و دین و حیثیت خود باید از نزدیکی به این خانواده خبیث و پلید که بجز بدی و شرّ و بدبختی چیزی را به ارمغان نمی‌آورد دروی جسته و بشدت پرهیز نماییم. مخدرات پدر پلیدی‌ها، مشروبات مادر پلیدی‌ها و سیگار نیز فرزند پلید آنهاست.

بیائید به مقابله با این خبائث برخیزیم و به کمک از بین برندگان و مشاورین ترک اعتیاد بشتابیم. به امید خدا.

خانواده خبیثه‌ای که جامعه ما را به نابودی می‌کشاند

پنج نوع ناپاکی «مواد ناپاک» وجود دارند که استعمال آن‌ها، خرید و فروش آن‌ها، توزیع و تجارت‌‌ها آن‌‌ها حرام است، حرام است، حرام است: 1- مخدرات «مواد مخدر» 2- مسکرات «مست کننده‌ها» 3- تشفیط: «نوعی مسکر که با استشمام بوجود می‌آید» 4- دخان «سیگار» 5- شیشه «قلیان» این پنج ماده ناپاک که در جامعه ما نفوذ کرده قطعاً اشاعه آن‌ها زندگی ما را تباه و خوشبختی و سعادت ما را از بین می‌برد. این مواد خطرناک: چه بسیار خانواده‌‌ها که متلاشی نمود؟ چه جوان‌ها که به نابودی کشانید. چه جرم و جنایاتی که سبب آن گردید.

چه بسیار جوانها، پدران، پسران و دختر‌ها را به زندان‌ها و بیمارستان‌ها و قبرستان‌ها افکنده، چه ... چه .... و چه ...، آری ریشه و اساس همه گرفتاریها، و منشأ رنج و بدبختی و بیکاری و فقر در جامعه می‌باشند.

راهی است بسوی تباهی و هلاک، و فروریختن همه جوانب زندگی انسان.

جنبه خانوادگی، سلامت بدنی، عقلی، جسمی و روحی، مالی، کاری وطن دوستی وغیره. و این هم تکرار داستانی دیگر برای سیگاری‌ها.

داستان مرگ آن جوان چیست؟ چگونه است؟

سن او چهل سال و دارای شش فرزند بود. به سیاه سرفه مبتلا شد و هر روز سرفه‌اش شدیدتر می‌شد. ابتدا فکر کرد سرفه معمولی است، بعد از مدتی شروع کرد به استفراغ خون. بلافاصله شتابان بسوی بیمارستان رفت آشکارا و بی‌پرده به وی گفتند مبتلا به سرطان ریه است. عاجزانه دست بدامن آن‌ها شد تا تمام تلاش خود را برای معالجه‌ی وی بکار گیرند. به آنان وعده داد که دیگر به سیگار برنگردد. اما چه فایده بعد از چهار ماه فوت نمود و فرزندانش را یتیم گذاشت.

مصرف سیگار بزرگ‌ترین قاتل‌ماست

نشریه ریاض شماره (1275) مورخ 22/3/1424ه‍ بیان نمود که مرگ و میر ناشی از مصرف سیگار در عربستان سالیانه بیست و سه هزار «23.000» نفر است و این دولت با وارد نمودن (15) میلیارد نخ سیگار در سال به ارزش (636) میلیون ریال چهارمین وارد کننده سیگار در جهان است.

نزدیک‌ترین راه بسوی بهشت

ترجمه: أقرب الطرق إلى الجنة

تهیه: قسم علمی دار الوطن

از شما برادر عزیز سؤال می‌کنم: که آیا بهشت را می‌خواهی؟

پاسخ داد: چه کسی است که خواهان بهشت نباشد؟ کیست که خوشی و نعمت پایدار را نخواهد؟ چه کسی است لذات دائمی، پیاپی و پایان‌ناپذیر را طالب نباشد. گفتم پس چرا کارهای نیک انجام نمی‌دهید تا وارد بهشت شوید و از لذت‌های آن بهره‌مند شوید؟ گفت همانا راه بهشت دشوار، طولانی، پر از گردنه و خار و صعب‌العبور است و برای فردی مانند من ضعیف مشکلات و سختی‌های این راه تحمل‌ناپذیر است. گفتم برادرم تو که نمی‌توانی بر طاعت خدا دوام آورده و صبر نمایی و قادر برخورداری و صبر از انجام گناه و نافرمانی خدا نیستی؟ پس اگر خدای ناکرده اهل آتش گردی در آنجا چگونه تاب تحمل آتش دوزخ را خواهید داشت؟

گفت: این امر «سؤال و جواب» مرا از جا برکَنده تکان داد و در حیرت و سرگردانی فرو برد اما نمی‌دانستم چکار کنم و از کجا شروع نمایم در حالیکه مسیر طولانیّ را در راه انجام گناه و معصیت و محرمات طی نموده بودم «گناهان زیادی انجام داده بودم» گفتم برای رسیدن به بهشت شما را به راه بسیار کوتاهی راهنمایی می‌کنم.

راهی ساده و آسان، بدون رنج و خستگی که در آن هیچ فشار و مشکلی نیست.

گفت: مرا راهنمایی کن که خدا خیرت دهد، من همواره بدنبال چنین راه ساده آسانی «برای بهشت» هستم.

گفتم این راه هموار و آماده را امام ابن القیم: در کتاب خود بنام «الفوائد» بیان نموده است. در آن کتاب می‌گوید:

از نزدیک‌ترین و آسان‌ترین راه، بدون رنج، خستگی و سختی برای همسایگی با خدا در بهشت بطرف او بیائید. بشتابید. «راه این است دقت کنید» تو در زمانی واقع شده‌ای که در بین دو زمان گذشته و آینده قرار گرفته، و آن در واقع عمر کنونی شماست، یعنی زمان فعلی و حاضر، تو می‌توانی گذشته خود را بوسیله توبه و پشیمانی و استغفار و طلب بخشش از خداوند اصلاح نمایی که این کار هیچگونه سختی و مشقتی ندارد، و کارکرد مشکلی نمی‌خواهد، بلکه عملی قلبی است.

«برای آینده» از این به بعد یعنی در آینده از انجام گناه و نافرمانی خدا امتناع، خودداری و پرهیز نمائید. خودداری تو از معصیت نیز آسایش و آسودگی است.

کار با اندام‌ها و اعضاء بدن نیست که انجام آن برای‌تان مشکل باشد.

بلکه عزم و اراده و تصمیم قاطعی را می‌خواهد. که این تصمیم جسم و جان و درون و وجدان شما را آسوده و راحت می‌نماید.

پس گذشته را با بازگشت و پشیمانی از گناه و آینده را «آنچه در پیش است» با عزم و اراده و پرهیز از معصیت و «عمل صالح» اصلاح نمائید.

که در انجام هیچیک از این دو «اصلاح گذشته و پرهیز در آینده» برای اندام‌ها و اعضای جسم خستگی و سختی و مشکلی وجود ندارد.

اما حال و وضعیت تو در دوران حیات: زمانی است بین گذشته و آینده که اگر این زمان را هدر دهی «و از این فرصت استفاده نکنی» رهایی، سعادت و خوشبختی خود را از دست داده‌ای «ضایع‌ گردانیده‌ای» و اگر با اصلاح گذشته و آینده به روش مذکور از آن استفاده نمایی راه نجات و رهایی را یافته و آسایش و لذت و نعمت را بدست آورده‌اید.

خاتمه

این همان راه ساده بهشت است. توبه از گذشته، عمل صالح و ترک گناه در آینده. فرمایشی از رسول اکرم ص را در این رابطه بتو یادآور می‌شوم. «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: «كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلاَّ مَنْ أَبَى». قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ يَأْبَى؟ قَالَ: «مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى»». (بخارى:7280). «از ابوهریره روایت است که رسول الله ص فرمود: «همۀ امتیان من وارد بهشت خواهند شد مگر کسی که امتناع ورزد». صحابه عرض کردند: ای رسول خدا! چه کسی امتناع می ورزد؟ فرمود: «هرکس که از من اطاعت کند، وارد بهشت می‌شود و هر کس، از من نافرمانی کند، در حقیقت، امتناع ورزیده است»».

«عَنْ عَبْدِاللَّهِ س قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص: «الْجَنَّةُ أَقْرَبُ إِلَى أَحَدِكُمْ مِنْ شِرَاكِ نَعْلِهِ، وَالنَّارُ مِثْلُ ذَلِكَ»». (بخارى:6488). «عبدالله بن مسعود می گوید: نبی اکرم ص فرمود: «بهشت و دوزخ از بند کفش‌هایتان به شما نزدیکتراند»».

«یعنی هر لحظه احتمال رسیدن مرگ وجود دارد که در اثر آن یا بهشت و یا دوزخ نصیب آدمی ‌شود».

غمگین مباش  
دعاهایی که غم و غصه و اندوه را برطرف می‌کند

ترجمه: لا تحزن

أدعیة الکرب والهم والحزن

إعداد:

القسم العلمی بدار الوطن

تهیه و ترتیب:

گروه علمی دار الوطن

دعاهایی که غم و غصه و اندوه را از بین می‌برد

برادر و خواهر مسلمان! ادعیه و اذکاری از پیامبر ص بما رسیده که اگر به هنگام بروز مشکلات، غم و غصه و اندوه خوانده شود تمام غصه‌‌ها را برطرف، و دل را شادمان، و به نور ایمان آنرا روشن می‌نماید.

برادر و خواهر مسلمانم! بر یادگیری این دعا‌ها بخصوص هنگام غمگین شدن و بروز اندوه و مشکلات حریص باش.

بعضی از دعا‌ها بدین شرح است.

1. ابن عباس ب می‌گوید: رسول الله ص هنگام اندوه و پریشانی می‌فرمود: «لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّـهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّـهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّـهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ الأَرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ». (بخارى:6346). «یعنی هیچ معبودی بحق جز خدای بزرگ و بردبار، وجود ندارد. هیچ معبودی بحق جز الله که پروردگار عرش بزرگ است، وجود ندارد. هیچ معبودی بحق جر الله که پروردگار آسمان‌ها و زمین و عرش گرانب‌ها است، وجود ندارد».
2. «اللَّـهُمَّ إنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أَمَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ، عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ، أَسْأَلُكَ بكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ، أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ: أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي، وَنُورَ صَدرِي، وَجلاَءَ حزنِي، وَذَهَابَ هَمِّي». (أخرجه أحمد وصححه ابن القیم وابن حجر). «خداوندا! همانا من بنده تو و فرزنده بنده و کنیز توام، زمام امورم در دست تو و وجودم در کانال تقدیر تو سیر می‏کند، تقدیر تو در مورد من عین عدالت است. تو را به همه اسم‏هایی می‏خوانم که از آن توست و تو آن‌ها را بر خود نهاده‏ای، یا آن‌ها را در کتاب خودت [قرآن] نازل فرموده‏ای، یا آن را به یکی از بندگانت آموخته‏اى و یا علم به آن را مخصوص خود گردانیده‏ای، [از تو مى‏خواهم] که قرآن را بهار قلب من، نور سینه‏ام، روزنه امید و روشنایی اندوهم و [وسیله] رفع ناراحتی‏ام قرار دهی».
3. «اللَّـهُمَّ إِنِّي أَعُوْذ بكَ: مِنَ الْـهَمِّ وَالْـحَزَنِ، وَأَعُوذُ بِكَ: مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَمِنَ الْبُخْلِ وَالْـجُبُنِ، وَأَعُوذُ بِكَ: مِنْ غَلْبَةِ الدَّيْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ». (متفق علیه). «خداوندا! از غم و اندوه، ناتوانی و سستی، بخیلی و ترسویی، ماندن به زیر قرض و تسلط مردان [ظالم] به تو پناه می‏آورم».
4. «اللَّـهُمَّ رَحْـمَتَكَ أَرْجُو، فَلا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ». (رواه أحمد وأبوداود وحسنه الألبانی). «خداوندا! چشم به رحمت تو دارم، پس مرا یک چشم برهم زدن به حال خود ر‌ها مکن، و همه امورم را اصلاح نما، [که] هیچ معبودی بحق جز تو نیست».
5. «الله الله رَبّي لَا أُشْرِكُ به شیئا». (أحمد وأبوداود وصححه الالبانی). «الله پروردگار و خدای من است هیچ شریکی برای او قرار نمی‌دهم».

در روایتی دعا اینطور آمده اللهُ ربی لا شریک له. الله پروردگار منست و شریکی ندارد.

1. «يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ برَحْـمَتِكَ أَسْتَغِيثُ». (رواه الطبرانی وحسنه الألبانی). «ای زنده پا برجا! از رحمت تو درخواست یاری می‏کنم».
2. «لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ». (رواه أحمد والترمذی وصححه الألبانی). «(خداوندا!) هیچ معبودى به «بحق» جز تو وجود ندارد، پاک و منزّه هستى و من از زمره‏ى ستمکاران بودم».
3. «اللَّـهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ يَا ذا الْجَلاَلِ وَالإِكْرَامِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ». (أبوداود وصححه الالبانی). «خداوندا! ستایش شایسته توست [زیرا که] جز تو معبودی بحق نیست، ای آفریننده آسمان‌ها و زمین! ای بزرگوار و ارجمند! ای زنده پا برجا! تو نیکوکار [و بخشنده‏ای]».
4. «اللَّـهُمَّ أَنْتَ اللهُ الأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ». «خداوندا! تو معبود یگانه و برطرف کننده نیاز‌ها هستی، نزاده و زاده نشده‏ای، و کسی همتای تو نیست».

پیامبر ص فرموده کسی که بوسیله این دعا و دعای قبل از آن «شماره 8» چیزی را از خدا بخواهد مثل اینست که از خداوند بوسیله اسم اعظم چیزی خواسته باشد.

«اگر کسی بوسیله اسم اعظم چیزی را از خدا بخواهد و دعائی بکند دعایش قبول و حاجتش برآورده می‌شود».

1. «لا إلهَ إلاَّ اللهُ الحلیمُ الكریم. سُبْحَانَهُ تَبارَكَ اللهُ رَبُ العَرْشِ العَظیمِ الحمدلله ربُّ العالمینَ». (أحمد والحاکم وصححه ووافقه الذهبی). «هیچ خدایی بحق جز الله مهربان و با گذشت نیست. شکوه و عظمت و مبارک بودن از آنِ اوست. پروردگار عرش عظیم. سپاس و ستایش لایق پروردگار عالمیان است».
2. ﴿حَسۡبُنَا ٱللَّهُ وَنِعۡمَ ٱلۡوَكِيلُ﴾ [آل عمران: 173]

«خداوند برای ما کافی است و او بهترین، کارساز است».

این ذکر در امور مهم خوانده می‌شود. «هنگام وقوع رویداد مهمی این ذکر را بخوانید».

1. «اللَّـهُمَّ إِنَّا نَدْرَأُ بكَ فِي نُحُورِهِمْ وَنُعُوذ بكَ مِنْ شُرُورِهِمْ». (رواه ابوداود). «خداوندا! به [کمک تو] بر آن‌ها [دشمنان] می‏تازیم و از شرشان به تو پناه می آوریم».

دروازه بدیها  
يا کلید گناهان کبیره

حکم یاوه سرائی

ترجمهء: مفتاح الفواحش

نشریه دار ابن الأثیر

با اضافات و تعلیقات

الحمد لله رب العالـمين والصلاة والسلام على نبينا الـهادي الأمين وعلى آله وصحبه الـمیامين وعلى جـميع أمته الصالـحين.

سپاس بیکران مخصوص خداوند جهان است، و درود و سلام بر پیامبر ما محمد هادی امین، نشان دهندۀ راه حق و امینی در تبلیغ پیام قرآن مجید، و بر آل و یاران او باد.

سپس باید دقت کرد که بدون تردید بزرگ‌ترین بلائی که در حال حاضر مسلمانان به آن مبتلا شده‌اند «غناء» «بکسر حرف اول: ساز» و آوازی است که افسون زنا و کلید زشتی‌های بی‌حدّ «فواحش - کبائر» است، هرگاه در قلب جای‌گزین شد و آن را تسخیر نمود آنگاه گناه = تمرد از امر حق تعالی سبک و اقدام به آن آسان مى‌گردد. ساز و آواز خلاف شرع اولین دروازۀ پستی و فرومایگی می‌باشد. هرکس به آن وارد شد داخل شدن باب تمام رذائل بر او سهل مى‌گردد. غنا افسون همجنس بازی و زنا است. وسیلۀ آن افراد فاسق غایت کام خود را از معشوق فاسق خود می‌گیرند. شیطان عناصر فاسد را به آن فریب دهد و با مکر و حیله و نیرنگ آنرا تحسین، و شبه‌های بیهوده را بر زیبائی آن به ایشان الهام مى‌نماید. و این نفوس باطله بلافاصله الهام شیطان را قبول می‌کنند. به همین سبب قرآن را مهجور قرار می‌دهند، و استماع و قرائت و تعلیم و تعلّم آن را که موجب رضای خداوند متعال است ترک می‌نمایند. آری غنا یکی از اسباب بیماری‌های روانی دل است. چون از عشق و عاشقی، و کلمات جنسی که بشدت شهوت جوانان را تحریک نموده و آن‌ها را به رذیله گناه ترغیب، و به‌سوی آن سوق می‌دهد، سخن می‌گوید.

شنیدن سوت و دستک زدن و غِنا به آلات «ابزار و دستگاه‌های موسیقی» حرام از نیرنگ‌ها و تور شکارگاه‌های دشمن خدا «شیطان» است که افراد کم بهره از علم و عقل و دین را به آن‌ها فریب داده و دل‌های نادانان و نادرستان را وسیله آن‌ها شکار می‌کند، و بر فسوق و عصیان «خروج از فرمان خدا و نافرمانی» به صورت ماندگار قرار می‌دهد، تا از قرآن حکیم جلوگیری نماید. نگذارد مورد استفادۀ دین و دنیای بندگان خدای متعال قرار گیرد. غِنا از لهو حدیث «گفته سرگرم کننده» است که از اسباب گمراهی و دوری متکبّرانه از شنیدن آیات خدای تعالی «قرآن مجید» است. حق تعالی فرموده است: ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡتَرِي لَهۡوَ ٱلۡحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مُّهِينٞ٦ وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ءَايَٰتُنَا وَلَّىٰ مُسۡتَكۡبِرٗا كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَا كَأَنَّ فِيٓ أُذُنَيۡهِ وَقۡرٗاۖ فَبَشِّرۡهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ٧﴾ [لقمان: 6-7] «و بعضى از مردم سخنان بیهوده را مى‏خرند تا مردم را از روى نادانى، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهى را به استهزا گیرند; براى آنان عذابى خوارکننده است. و هنگامى که آیات ما بر او خوانده مى‏شود، مستکبرانه روى برمى‏گرداند، گویى آن را نشنیده است; گویى اصلا گوش‌هایش سنگین است! او را به عذابى دردناک بشارت ده!».

کلمه من یشتری در آیه شریفه شامل تمام مشتریان خریدار و رغبت‌کنندگان و علاقه‌مندان لهوالحدیث می‌باشد. و لهو حدیث، به گفتار‌های غافل کنندۀ دل و مانع از بدست آوردن مطالب مهم و اهداف عالیۀ دین و دنیا تفسیر شده است. بنابراین چنانکه علّامه شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی: در تفسیر همین آیه گفته است: 1- گفتار‌های حرام. 2- هر چه لغو و باطل و هرزه باشد از اقوال ترغیب کننده بر کفر و فسوق و عصیان. 3- اقوال کسانی که می‌خواهند حق را مردود نشان دهند و بیهوده جدال کنند تا به خیال باطل و زعم کاذب حق را باطل ارائه دهند. 4- غیبت. 5- نمیمت. 6- دروغ. 7- دشنام. 8- غناء «مزامیر شیطانی» همان ساز و آواز و ترانه‌‌های بیهوده. 9- نقل یا ارائه ماجرا‌های بی‌فائده غفلت‌آور فاقد فوائد دنیا و آخرت عموماً داخل لهوالحدیث می‌باشند.

\* آری این نوع مژدۀ عذاب بشارت اهل شرّ است که مشتریان ساز و آواز و لهو حدیث از زمرۀ آن‌ها هستند. امّا مژدۀ اهل خیر و پرهیزکنندگان نیکوکار مؤمنی در دو آیه هشتم و نهم همین سوره مبارکه نازل شده است. که می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ جَنَّٰتُ ٱلنَّعِيمِ٨ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٗاۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ٩﴾ [لقمان: 8-9]. «(ولى) کسانى که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‏اند، باغهاى پرنعمت بهشت از آن آنهاست، جاودانه در آن خواهند ماند; این وعده حتمى الهى است; و اوست عزیز و حکیم».

مفسرین و مؤلفین اسباب النزول آیات فرموده‌اند: این دو آیه (6-7) سورۀ لقمان که مشتریان لهوالحدیث و تضلیل و انحراف سپس مژدۀ عذاب آن‌ها در آن مذکور است، دربارۀ نضر بن الحارث دشمن سرسخت رسول الله ص نازل شده. این مرد کافر جهت تجارت مسافرت‌هایی به بلاد فارس و مستعمرات آن داشته است و کتاب‌های افسانه و حکایت پادشاهان عجم را می‌خرید و به مکه می‌آورد، و بر مشرکین عرب می‌خواند و می‌گفت: «نعوذ بالله» آنچه محمد (ص) آورده است از این است. و افسان‌های رستم و اسفندیار و فارسی و روم می‌خواند و عرب‌ها را اشغال می‌کرد و نمی‌گذاشت به قرآن و تبلیغ رسول الله ص گوش فرا دهند.

و گفته‌اند: در شأن کسانی که کنیزان آوازخوان را می‌خریدند و مردم را به آواز و اَلْحَان آن‌ها از شنیدن و فهم کلام خدا باز می‌داشتند نازل شده. به روایت طبری همان نضر بن الحارث وسیله تشکیل مجالس میگساری و احضار نوازندگان و کنیزان رامشگر، کسانی را که قصد ایمان آوردن داشتند پشیمان می‌کرد و به ساز و آواز معتاد می‌نمود. به هر صورت در این دو آیه کریمۀ سورۀ لقمان مانند بسیاری از سوره‌‌های دیگر قرآن هر چند سبب نزول خاص است، امّا آیه عمومیت دارد و شامل هر کسی است که به وجهی از وجوه دارای شرائط مورد النزول باشد. علیهذا هر کس در هر کسوه و لباسی در هر عصر و زمانی و در هر موضع و مکانی مشتری و راغب و دوستدار و علاقه‌مند لهوالحدیث «بمعنی عام آن» باشد هرچند به ظاهر مؤمن و مؤمن‌زاده معروف گردد از این جهت «جهت خریداری» منحرف و منحرف‌کننده است، و این نعمت بزرگ وقت عزیر خود را به جهالت و آواز و رقص و پایکوبی که پیشۀ جاهلیّت است، صرف کرده است.

خداوند مى‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمۡ عِندَ ٱلۡبَيۡتِ إِلَّا مُكَآءٗ وَتَصۡدِيَةٗ﴾ [الأنفال: 35]. «(آن‌ها که مدعى هستند ما هم نماز داریم،) نمازشان نزد خانه (خدا)، چیزى جز «سوت کشیدن «کف زدن‏» نبود; پس بچشید عذاب (الهى) را بخاطر کفرتان!».

و مانند کافران تلاوت آیات قرآن در آنان تأثیر ندارد. چون شیطان ملعون توسط مزامیر خود ایشان را دعوت می‌کند و از قرآن مجید دور نگهدارد. آری غنا از جملۀ یاوه و بیهوده و پوچی است که اعراض از آن و پرهیز جدی از آن برای هر مسلمانی ضروری است. ای برادر و خواهر مسلمان یکدم بخود آی و ببین به چه کسی؟ به چه دل بسته‌ای؟ با که همنفسی؟

حق تعالی در سورۀ قصص آیه در تعریف مؤمنین که به تلاوت کلام خدا گوش دل داده‌اند و ایمان آورده‌اند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَمِعُواْ ٱللَّغۡوَ أَعۡرَضُواْ عَنۡهُ وَقَالُواْ لَنَآ أَعۡمَٰلُنَا وَلَكُمۡ أَعۡمَٰلُكُمۡ سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡ لَا نَبۡتَغِي ٱلۡجَٰهِلِينَ٥٥﴾ [القصص: 55]. «و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روى مى‏گردانند و مى‏گویند: «اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن خودتان; سلام بر شما (سلام وداع); ما خواهان جاهلان نیستیم!».

به هر کس مجازات عملش داده شود. آری مؤمنان از کردار و گفتار بی‌فائدۀ نادانان دوری جویند، و گویند سلام علیکم بجز خیرخواهی و سلامتی از ما نخواهی دید، و به مقتضای جهل شما رفتار نخواهیم کرد، و گوش به باطل ندهیم و با سلام از یکدیگر جدا شویم، طالب مصاحبۀ نادانان و نادرستان نیستیم. و این سلام را سلام تودیع و متارکه گویند. نه سلام تحیّت و درود و دعاء.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| از بد بگریز و با نیکان نشین |  | یار بد زهری است بی‌انگبین |
| صحبت جاهل نمی‌جوئیم ما |  | ره نه بر نفس و هوا پوئیم‌ ما |

باز خداوند متعال در تعریف عباد الرحمن می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ لَا يَشۡهَدُونَ ٱلزُّورَ وَإِذَا مَرُّواْ بِٱللَّغۡوِ مَرُّواْ كِرَامٗا٧٢﴾ [الفرقان: 72]. «و کسانى که شهادت به باطل نمى‏دهند (و در مجالس باطل شرکت نمى‏کنند); و هنگامى که با لغو و بیهودگى برخورد کنند، بزرگوارانه از آن مى‏گذرند».

و کلمۀ زور به قول و فعل حرام تفسیر شده است. پس بندگان خداوند رحمن در مجالس مشتمل بر اقوال یا افعال محرّمه مانند بیهوده‌گوئی در آیات خدا «تفسیر بدون علم» و مجادلۀ بی‌قائده برای اثبات باطل، و غیبت و نمیمه و دشنام و قذف و استهزاء و آوازخوانی منهی عنه، و میخواری و فرش حریر و صورت‌های حیوان و رقص و پایکوبی و کف زدن حاضر نشوند، و شهادت زور هم ندهند. و در کلمۀ مرّوا اشاره است به اینکه این بندگان خدا اصلاً قصد حضور و سماع لغو ندارند و اگر اتفاقاً به آن عبور کردند خود را کریم و آبرومند نگهدارند، و کریمانه می‌گذرند. مسلّما غنا صدای شیطان است. سوره الاسراء را بخوانید و صدای شیطان را در ساز و آواز و سائر صدا‌های ناحق مشاهده کنید و با استعاذه و ایمان خود را از شیطان نجات دهید.

﴿وَٱسۡتَفۡزِزۡ مَنِ ٱسۡتَطَعۡتَ مِنۡهُم بِصَوۡتِكَ وَأَجۡلِبۡ عَلَيۡهِم بِخَيۡلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكۡهُمۡ فِي ٱلۡأَمۡوَٰلِ وَٱلۡأَوۡلَٰدِ وَعِدۡهُمۡۚ وَمَا يَعِدُهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ إِلَّا غُرُورًا٦٤﴾ [الإسراء: 64]. «هر کدام از آن‌ها را مى‏توانى با صدایت تحریک کن! و لشکر سواره و پیاده‏ات را بر آن‌ها گسیل دار! و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوى! و آنان را با وعده‏‌ها سرگرم کن! - ولى شیطان، جز فریب و دروغ، وعده‏اى به آن‌ها نمى‏دهد».

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| وعده شیطانی نبود جز کذب و فریب |  | کس نبرد از غیر خواری زان نصیب |

صوت شیطان را به غنا، و مزامیر و سر و صدای خلاف شرع تفسیر کرده‌اند.

امام عبدالعزیز بن باز: گفته است: صوت و زور به غناء و آلات ملاهی «ابزار‌های موسیقی و رامشگری و نوازندگی» تفسیر شده باز صوت به هر صدائی که به باطل دعوت کند و زور به هر نوع منکَری «که شرع اسلام آنرا انکار نماید» تفسیر شده است. و قطعاً بین این دو تفسیر خلاف وجود ندارد. پس مدلول هر دو آیه «آیه 72 سورۀ الفرقان و آیه 64 سوره الاسراء» شامل کلّ این مذکور است. بدون تردید اغانی و ملاهی از قبیح‌ترین زور و پلیدترین آواز‌های شیطان رجیم است. چون قسوت «سنگدلی» و ممانعت از ذکر خدا و قرائت قرآن و پیشگیری از جمیع طاعات «إلاَّ مَنْ رَحِمَ الله» از آن‌ها مترتب می‌شوند، و بدون وقفه از آن‌ها بوجود آیند. به راستی رسول اکرم ص خبر داده است به اینکه در آخرالزمان کسانی پیدا شوند که غنا و معازف «آلات طرب» و ارتکاب فواحش را حلال می‌پندارند. «عن أَبُي عَامِرٍ الأَشْعَرِيُّ س: أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ص يَقُولُ: «لَيَكُونَنَّ مِنْ أُمَّتِي أَقْوَامٌ يَسْتَحِلُّونَ الْـحِرَ، وَالْـحـَرِيرَ، وَالـْخَمْرَ، وَالْمَعَازِفَ»». (بخارى:5590). «ابوعامر اشعری س می‏گوید: شنیدم که نبی ‏اکرم ص فرمود: «در میان امت من افرادی پیدا خواهند شد که زنا، ابریشم، شراب و آلات موسیقی را حلال می‏دانند»».

کلمه حر به کسر اول و تشدید و تخفیف راء مهمله بمعنی فرج و در اصل به زنا تفسیر شده است، و معازف جمع معزفه آلات طرب است. این حدیث صریح است در ذم حلال‏کنندگان آلت طرب مثل عود و کمانچه و تنبور و غیره، چون آن‌ها را با حلال‏کنندگان زنا و شراب و ابریشم مقارن نموده است. بلکه این حدیث حجّتی است ظاهر در تحریم استعمال معازف که آلات ملاهی است، مثل طبل و تنبور و کمانچه و غیره، و تحقیقاً به اجماع اهل لغه معازف به آلات ملاهی تفسیر می‌گردد. و این مقولۀ «تحریم ملاهی و آلات آن» فقط به خاطر ترتب سنگدلی و مرض قلب و سرگرمی و غفلت از نماز و قرآن است، و هنگامی که غِناء به آلات ملاهی ضمیمه شد گناه بزرگ‌تر و فساد عظیم‌تر گردد. عبدالله بن مسعود س گفته است: «الغناء ینبت النفاق في القلب كما ینبت الـماء البقل». «غناء نفاق را در قلب می‌رویاند همچنانکه آب سبزی» یا دانه را می‌رویاند.

عبدالله بن عمر ب به محلّی که دخترک کوچک آواز می‌خواند عبور کرد پس گفت: اگر شیطان احدی را ترک می‌کرد دست از این دختر صغیره برمی‌داشت «یعنی شیطان حتی این صغیره را وادار به آوازخوانی نموده است، این کودک غیرمکلّف از دسیسۀ شیطان نجات نیافته آواز می‌‌خواند».

مردی دربارۀ غنا از قاسم بن محمد بن ابی بکر صدیق س سئوال کرد. قاسم بن محمد در جواب گفت: تو را از آن نهی می‌کنم و آنرا برای تو مکروه می‌دانم. دوست ندارم. سائل عرض کرد: آیا حرام است؟ قاسم گفت: برادر زاده‌ام. اگر خداوند بزرگ جل‌جلاله حق و باطل را از هم جدا کند غنا بر کدام بخش گذاشته می‌شود.

فضیل بن عیاض: گفته است: غناء افسون زنا است «الغِنَاء رُقیّةُ الزِنا». ابن الجوزی: گفته است: بدان که شنیدن غناء دو چیز در بردارد. اوّل اینکه قلب از تفکر در عظمت خداوند سبحان و قیام به عبادت او تعالی باز می‌دارد و غافل می‌کند. دوم اینکه آنرا به لذّت‌های زودگذر متمایل و علاقه‌مند می‌سازد. و این لذّات شتابان زیان‌آور بی‌فائده خواهان آن است که به تمام معنی از کلیۀ شهوت‌های حسی که معظم آن‌ها نکاح «عمل جنسی» برگرفته شود و لذّت کامل این عمل فقط در همبستر‌های جدید «از جنس لطیف» است و راهی برای همبستران جدید حلال به کثرت «بعد الأربع» وجود ندارد لذا او را به عمل زنا که حق تعالی از نزدیکی به آن، چه رسد به خود آن پلید، نهی بلیغ فرموده است.

﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَسَآءَ سَبِيلٗا٣٢﴾ [الإسراء: 32].

«و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهى است».

تشویق می‌کند.

پس میان غنا و زنا از جهت اینکه غنا لذت روح، و زنا بزرگ‌ترین لذّت نفسی است تناسب وجود دارد. خدایا بندگان خود را از این دو بلا و سائر بلایای مهلک حرث و نسل به عنایت بیکران خود محفوظ بفرما. آمین یا ارحم الراحمین.

ابن القیم: گفته است: بدانید بدون شک در غناء خواصّی وجود دارد که در رنگ نمودن قلب به نفاق و روئیدنش در آن مانند روئیدن مزارع به وسیله آب تأثیر دارد. پس از خواصّ غنا است که: همانا قلب را غافل و سرگرم نموده و آنرا از فهم قرآن و تدبّر در آن و عمل به مضامین آن باز مى‌دارد. و بی‌گمان قرآن و غنا «کلام حق تعالی و ساز و آواز» ابداً با هم در قلب اجتماع نخواهند داشت. چون بین آن دو تضاد شدید وجود دارد. قرآن مجید اکیداً از اتباع هوا و هوس نهی می‌کند، و به عِفت و پاکدامنی و دوری از شهوت‌های نفسانی و اسباب گمراهی فرمان می‌دهد، و از پیروی گام‌های شیطان ممانعت می‌کند.

ولی غنا درست بر ضد تمام این‌ها است. تبعیّت از شیطان را زیبا جلوه مى‌دهد، و نفس را به شهوت‌های گمراهی تحریک، و خفته‌‌های آنرا بیدار، و ساکن آنرا به‌سوی هر نوع قبیحی بحرکت در می‌آورد، و نفس را به‌سوی منجلاب قصد فجور با هر، زیبا رخ ملیح و ملیحه سوق می‌دهد. پس غنا و خمر «ساز و آواز و شراب = می: دو هم‌شیر یک دایه هستند، و آن دو در هیجان تحرّک در میدان قبایح دو اسب گرو بستن می‌باشند، «فرسا رهان» غنا همسایه و هم‌شیره و نائب و هم‌پیمان و عاشق و دوست صمیمی شراب است، که شیطان میان آن دو پیمان برادری غیر قابل فسخ و انحلال را بسته، و راه وفاداری را که هیچگاه منسوخ نگردد، بین آن دو محکم کرده است. آری غنا جاسوس قلب و دزد مروت و حشره مضر «سوس = موریانه» عقل است، که به سرعت در اعماق پناهگاه‌های پوشیدۀ قلوب آشوب و غوغا بوجود آورد، و با سختی و فشار داخل مکامن آن مى‌شود، و از اسرار دل‌ها اطلاع می‌یابد، و به محمل تخیل می‌خزد، و هوا و شهوت و گستاخی و بی‌شرمی و سستی و حماقت را در آن تحریک می‌کند. لذا گاهی شخصی را می‌بینی که آثار وقار و بزرگی عقل و زیبائی ایمان و بردباری اسلام و حلاوه قرآن بر جمال و شخصیّت او نمایان است. همین شخص محترم بمحض اینکه به غنا گوش داد، و به آن توجه نمود و مائل شد، عقلش ناقص و شرم و حیاء و ادبش کم، و مروّت و بهاء و وقار و عظمتش از بین می‌رود. و شیطان ملعون به او شاد می‌گردد و ایمان او بر ضدّ او بخداوند متعال شکایت مى‌کند. و قرآن بر او گران مى‌آید.

پس غنا قلب را فاسد مى‌نماید و هرگاه قلب فاسد شد درِ نفاق هیجان مى‌کند.

«اللهم احفظنا من شرور الشیطان ومكائده ومزامیره ومن شر اتباعه من الجنة والناس».

برادران و خواهران مسلمان. بزرگ‌ترین آفات غنا این است که شنونده را به‌سوی رذیلۀ زنا، همان فاحشۀ که حق تعالی آنرا با شرک و قتل نفس ردیف قرار داده است. و رسول اکرم ص آنرا اَعْظم گناهان شمرده است می‌کشاند و دعوت می‌نماید. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ لَا يَدۡعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ وَلَا يَقۡتُلُونَ ٱلنَّفۡسَ ٱلَّتِي حَرَّمَ ٱللَّهُ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَلَا يَزۡنُونَۚ وَمَن يَفۡعَلۡ ذَٰلِكَ يَلۡقَ أَثَامٗا٦٨ يُضَٰعَفۡ لَهُ ٱلۡعَذَابُ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَيَخۡلُدۡ فِيهِۦ مُهَانًا٦٩ إِلَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلٗا صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ يُبَدِّلُ ٱللَّهُ سَيِّ‍َٔاتِهِمۡ حَسَنَٰتٖۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا٧٠﴾ [الفرقان: 68-70] «و کسانى که معبود دیگرى را با خداوند نمى‏خوانند; و انسانى را که خداوند خونش را حرام شمرده، جز بحق نمى‏کشند; و زنا نمى‏کنند; و هر کس چنین کند، مجازات سختى خواهد دید! عذاب او در قیامت مضاعف مى‏گردد، و همیشه با خوارى در آن خواهد ماند! مگر کسانى که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل مى‏کند; و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است!».

حق تعالی در خلال بیان صفات ارزندۀ عبادالرحمن که هر مؤمنی که خود را بنده خدا می‌خواند باید قطعاً موصوف به جمیع آن‌ها باشد می‌فرماید:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| و آن کسانی که نخوانند از اثر |  | با خدای خود خدایان دگر |
| نه کشند آن نفس را کز حق حرام |  | قتل او شد جز بحق در انتقام ج |
| نه کنند ایشان زنا ور کی کند |  | آنچه شد ذکر از جزا به وی رسد |
| باشدش در حشر دو چندان عذاب |  | جاودان در خواری و رنج و عقاب |
| جز که آرد بازگشت و بگرود |  | کار‌های شایسته و نیکو کند |
| آنگُرُه را پی خدا سازد بدل |  | مر بدیهاشان به نیکی در عمل |
| کاوست آمرزنده و بی‌مهربان |  | بخشد از رحمت گناه بندگان |

در تفسیر این آیات آمده است. که کفر بعد از ایمان و زنا بعد از احصان و قتل بناحق انسان، مزیل رحمت و عصمت نفس است، پس حاکم اسلامى می‌تواند کافر حربی و مرتد و زانی محصن و زانیۀ محصنه و قاتل بناحق را بعد از ثبوت قطعی جنایت، به قتل برساند. پس قتل مسلمان و معاهد حرام است.

فائده: در آیه (68) فعل مضارع مجزوم به حذف لام الفعل است، چون بعد از مَنْ یفعل و جزای شرط واقع شده و ماضی آن لقی به فتح فاءالفعل و کسر عین الفعل و فتح لام الفعل بر وزن عَلِمَ از باب رابع است. و أثام بر وزن دَوام مصدر بمعنی اثم: گناه و در معنی آن گفته‌اند: عقاب: کیفر گناه است. بنابر اینکه مضاف محذوف و أثام مصدر بمعنی فعل حرام «گناه» باشد. از عبدالله بن عمر و عکرمه و مجاهد روایت شده که اَثام نام درّه‌اى در جهنم است که برای تعذیب، معیّن شده است، و مذکور است که أثام نام یک وادی است در جهنم که زناکاران را در آن عقوبت مى‌بینند، یا اینکه چیزی است که از اجسام دوزخیان مانند چرک و خون جاری مى‌گردد. یا اینکه أثام و غیّ به فتح غین معجمه و تشدید یاء نام دو چاه در جهنم هستند که برای تعذیب جمعی گناهکار مقرر شده‌اند. در تفسیر بیضاوی می‌گوید در قرائتی بجای أثاماً، أیاماً خوانده شده است. و أیام با حرف همزه مفتوحه و یاء و الف و میم آخر بر وزن أثام بمعنی شدائد است. علامه شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی در تیسیرالکریم الرحمن «تفسیری است مختصر و علمی: جمله: ﴿يَلۡقَ أَثَامٗا﴾. را به آیه: ﴿يُضَٰعَفۡ لَهُ ٱلۡعَذَابُ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَيَخۡلُدۡ فِيهِۦ مُهَانًا٦٩﴾ [الفرقان: 69]. تفسیر کرده است. در تفسیر قرطبی هم از سیبویه نقل شده که مضاعفه العذاب همان لُقّی اَثام است «روبرو شدن به عذاب» و کلمه مهاناً بمعنی خوار، سبک، بی‌مقدار و بی‌ارزش تفسیر شده است. در آیه (68) شرک و قتل و زنا که اکبر کبائر‌اند به ترتیب دنبال هم ذکر شده‌اند چنانکه در تیسیر الکریم الرحمن بیان شد. به علّت اینکه در شرک افساد ادیان، و در قتل افساد ابدان، و در زنا افساد اعراض انسان وجود دارد، این امر ردیف همدیگر نازل شده‌اند. و در صحیحین «بخاری و مسلم» هر دو کتاب صحیح و معتمد اهل سنت و جماعت از حدیث ابی واثل از عبدالله بن مسعود س روایت شده که: بحضور رسول الله ص عرض کردم یا رسول الله: کدام گناه نزد خدای تعالی بزرگ‌تر است. فرمود: آنکه برای خدا شریک قرار دهی و حال اینکه فقط اوست که تو را خلق کرده است. عرض کردم پس از آن چیست. فرمود: آنکه فرزند خود را از ترس اینکه با تو طعام بخورد بقتل برسانی. عرض کردم بعد این گناه کبیره چیست؟ فرمود: آنکه زنا کنی با زن همسایۀ خود. آنگاه خدای تعالی در قرآن مجید تصدیق کلام رسول خدا ص را نازل فرمود: ﴿وَٱلَّذِينَ لَا يَدۡعُونَ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ﴾

که مختصر ترجمه و تفسیر آن را خواندی. آری این کبائر بخصوص زنا بحدّی زشت و پلیدند که حق تعالی جلّت قدرته نجات و رستگاری را از مرتکب آن بطور کلّی نفی کرده است. اینک خدای تبارک و تعالی فرموده است: ﴿قَدۡ أَفۡلَحَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ١ ٱلَّذِينَ هُمۡ فِي صَلَاتِهِمۡ خَٰشِعُونَ٢ وَٱلَّذِينَ هُمۡ عَنِ ٱللَّغۡوِ مُعۡرِضُونَ٣ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِلزَّكَوٰةِ فَٰعِلُونَ٤ وَٱلَّذِينَ هُمۡ لِفُرُوجِهِمۡ حَٰفِظُونَ٥﴾ [المؤمنون: 1-5]. «مؤمنان رستگار شدند; آن‌ها که در نمازشان خشوع دارند; و آن‌ها که از لغو و بیهودگى روى‏گردانند; و آن‌ها که زکات را انجام مى‏دهند; و آن‌ها که دامان خود را (از آلوده‏شدن به بى‏عفتى) حفظ مى‏کنند».

خلاصه اینکه رستگاری و سعادت مسلمان واقعی به اتصاف به این صفات عالیه است. کسی که فاقد این صفات مذکوره در این 5 آیه کریمه باشد و مرتکب خلاف آن‌ها گردد قطعاً فلاح و ظفر و نجات ندارد. چنانکه در صریح عبارت همین رساله «اصل» بیان شده که نفی الله مرتکب‌ها الفلاحَ. صحیح عبارت اصل جهت بیان فاحشۀ زنا بدین قرار است: «وهي الفاحشة التي نفى الله تعالى الفلاحَ عن مرتكبها». آری زنا که خودداری از آن را در ردیف صفات بارز مؤمنین ناجی ظفرمند اعلام فرموده، رذیلۀ پستی است که حق تعالی در کتاب عزیز خویش «قرآن حکیم» مردم را اکیداً از آن برحذر نموده، بلکه از نزدیکی آن نهی صریح فرموده و آنرا فاحشۀ «عمل نهایت درج قبیح» و راه بد که موجب قطع نسب و تحریک فتنه و فساد است نام برده است، پروردگار عالم جلّت عظمته فرموده است: ﴿وَلَا تَقۡرَبُواْ ٱلزِّنَىٰٓۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةٗ وَسَآءَ سَبِيلٗا٣٢﴾ [الإسراء: 32]. «و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهى است».

جالب اینکه در نظم قرآن مجید که حتی ترکیب حروف و کلمات و آیات آن حاوی معجزات است نهی از قرب زنا در میان آیه نهی از قتل اولاد و آیه نهی از مطلق قتل نفس ﴿ٱلَّتِي حَرَّمَ﴾. نازل شده است. دانشمندان مفسر گفته‌اند: نهی از نزدیکی به آن عمل زشت پلید زنا بلیغ‌تر از نهی خود آن است. پس اگر قرب و نزدیکی آن این قدر منهی باشد، عین آن منهی‌تر و شدید القُبْح‌تر است.

از کلام مفسر معروف بیضاوی عبدالله بن عمر در تفسیر انوار التنزیل مشهور به تفسیر بیضاوی و کلام دیگر مفسران معتمد فهم می‌شود که عزم بر زنا، و اقدام به مقدّمات آن همان نزدیکی است که حق تعالی صریحاً از آن نهی فرمود است. پس باید گفت در قباحت زنا کافی است که جامع کلیّۀ صفات شرّ است. برای نمونه 1- قلتِ دین. 2- از بین رفتن پرهیزگاری و ورع. 3- فساد مروّت. 4- کم شدن غیرت.

هیچ زناکاری را نیابی که ورع یا وفا به عهد یا صدق گفتار یا محافظه دوست و دوستی یا غیرت کامل بر عائله خود داشته باشد، «غیرت بر عائله این است که حافظ عرض و ناموس همسر خود باشید، و وجود او را طبق دستور شریعت نگهداری کنید». 5- عذر و پیمان‌شکنی و خیانت. 6- دروغ. 7- جنایت «در اصل خیانت چاپ شده ولی چون رذیله در ضمن عذر فهم می‌شود جنایت را با جیم نوشتیم. 8- بی‌شرمی «در اصل قلة الحیاء مذکور است که باید با رعایت امانت کم شرمی ترجمه گردد، ولیکن چون این کلمه در ادبیات فارسی قدیم و جدید کاربرد ندارد لذا قلة الحیاء را به بی‌شرمی ترجمه نمودم. 9- عدم مراقبت «عدم توجه به اموری که احتیاج به محافظت دارد». 10- عدم عار و ننگ از جرم «عدم الأنفة للجرم». 11- بیرون رفتن غیرت از قلب «ذهاب الغیرة من القلب».

خاتمه

در جهان هیچ وسیلۀ از وسائل انتشار فواحش و کبائر و رذائل از غنا سریع‌تر نیست. چون محتوی کلام بی‌شرمانه «ماجن» و شعر پائین و پست و لحن و آواز غلط و فتنه‌گر و فریبنده می‌باشد.

لذا انکار آثار منفی غنا و نتایج ذلّت‌آور قبیحۀ آن رذیله مکابره است: عناد و معارضه و کناره‌گیری و زورآزمائی و انکار عمداً و عالماً و غلبه بر خصم با دروغ و بزرگ‌نمائی را مکابره گویند.

و از پیشگاه خداوند عظیم‌الشأن مسئلت می‌نماییم که همۀ ما را از غنا و ساز و آوازی که کلید تمام فواحش «کبائر» است.

و از تمام گناهان صغیره و کبیره از لهوالحدیث، و لهو العمل و لهو الأفکار به عنایات بی‌کران، و لطف عمیمش محفوظ فرماید، همانا ولیّ آن و قادر بر جواب مسئله خواسته شده فقط خدا است.

والله أعلم وأحكم وصلی الله على نبینا محمد وآله وصحبه وسلم. وآخر دعوانا أن الـحمد لله رب العالـمین.

آیا می‌دانی مفلس کیست؟

مرد عاقل و خردمندی از اهل اصفهان بود که پدرش او را بسیار دوست مى‌داشت و او را بسیار تمجید می‌کرد، دین قوم او مجوسی بود، روزی به خاطر نیازی از آنجا رفت و در مسیرش با گروهی از مسیحیان برخورد کرد که در کنیسه‌ای خدا را پرستش می‌کردند، بر آن‌ها وارد شد و از آن‌ها در مورد دینشان پرسید و به خاطر سازگاری دینشان با فطرت مورد پسند او واقع شد و آن را پذیرفت و با دین جدید فرار کرد و در شام ساکن شد، سپس به شهر موصل مهاجرت کرد، و بعد به شهر عموریه رفت و در تمام آن دوران حق را جویا شد، تا اینکه آخرین سفرش به مدینه الرسول (یثرب) بود تا در نهایت پیرو برترین مخلوقات، و بلکه جزو خاندان او شود: سلمان منا آل البیت.

حتماٌ فهمیدی منظورم چه کسی است؟ آری او سلمان خیر، و سلمان اسلام، یعنی سلمان فارسی است. اگر ما در این داستان عجیب تأمل کنیم می‌بینیم که سلمان با ترک وطن و خانواده و دین قومش، بعد از اینکه فهمید آن‌ها در اشتباه هستند از تمام مرز‌های جغرافیایی و اجتماعی گذشت، و چون خداوند صداقت او را در جستجوی حق دید، هدایتش کرد و در دستیابی به آن موفقش گردانید تا اینکه او را از صحابه پیامبر ص قرار داد.

بنابراین سلمان باید الگویی برای ما باشد که اگر حق را گم کردیم آیا در جستجوی حق به او اقتدا می‌کنیم؟ و از روی انصاف و بی‌طرفی و عدم پیش داوری به مخالف گوش می‌دهیم؟ و هر کس در جستجوی حق با خدا صادق باشد خداوند او را به حق راهنمایی می‌کند و موفقش می‌گرداند. اینک حقایقی را پیش روی تو قرار می‌دهیم تا کیفیت رابطه امامان آل بیت با صحابه برایت آشکار شود و نقطه آغازینی باشد برای اینکه حقیقت را جویا شوی و رابطه صمیمانه بین آل بیت و دیگران در عهد نبوت، سپس عهد خلفا، و سپس عهد تابعین و مابعدشان را بشناسی، و ما تنها به نقل از کتب شیعه اکتفا می‌کنیم، امید است که مفید واقع گردد و حق را بدون ابهام و آنگونه که هست ببینی، بنابراین لازم است در هنگام خواندن بی‌طرف باشی، و ما مرجعی را که از آن نقل کرده‌ایم را ذکر نموده‌ایم. بنابراین برای اطمینان به آن مراجعه کن.

خلاصه کلام اینست که رابطه موجود بین آل بیت و دیگران یک رابطه صمیمانه بود، و این رابطه در موارد بسیاری متجلی می‌شود که آن‌ها را در چهار مورد خلاصه می‌کنیم:

1. خویشاوندی: از زنان پیامبر ص عایشه دختر ابوبکر و حفصه دختر عمر بود، و پیامبر ص دو دختر خود را به ازدواج عثمان بن عفان درآورد، و علی با اسماء دختر عمیس که همسر ابوبکر صدیق و مادر محمد بن ابی بکر بود وصلت کرد که این ازدواج بعد از وفات ابوبکر صورت گرفت و ثمره این ازدواج یحیی بن علی بود ؛ بنابراین محمد بن ابی بکر و یحیی بن علی بن ابی طالب برادر مادری هستند، و عمر بن خطاب با ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب ازدواج کرد و از او صاحب دو فرزند به نام‌های زید بن عمر و رقیه بنت عمر شد[[3]](#footnote-3)، و امام جعفر با افتخار می‌گوید: ابوبکر مرا دوبار به دنیا آورد[[4]](#footnote-4)، و عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان فاطمه دختر حسین بن علی بن ابی طالب را به ازدواج خود درآورد، و از او صاحب فرزندی به نام محمد شد[[5]](#footnote-5)، و معاویه بن مروان بن حکم اموی با دختر بیوه امام علی وصلت کرد[[6]](#footnote-6)، و نیز زینب دختر حسن «المثنی» عقد شده ولید بن عبدالملک خلیفه وقت بود[[7]](#footnote-7)، و همچنین ولید بن عبدالملک با نفیسه دختر زید بن حسن بن علی ازدواج کرد[[8]](#footnote-8) ؛ و امثال این وصلت‌‌ها در کتب سیره فراوان دیده می‌شود.
2. مدح و ستایش: امام علی می‌فرماید: من اصحاب محمد را مشاهده کردم و کسی را همچون آنان نیافتم، با حالتی آشفته صبح می‌کردند، و در حالت سجده و قیام و در بین پیشانی و زانوهایشان شب را به استراحت می‌گذراندند، در هنگام ذکر قیامت همچون ذغال افروخته می‌شدند، به خاطر طول سجده‌هایشان بین چشمانشان همچون زانوی بز گود شده بود، هرگاه نام خدا برده می‌شد چشمانشان پر اشک می‌شد آنچنان که پیشانی‌شان خیس می‌شد، و از ترس عقاب و امید به ثواب همچون درخت در روز طوفانی به این سوی و آن سوی کشیده می‌شدند[[9]](#footnote-9) و نیز در مدح ابوبکر می‌گوید: او پاک جامه و کم عیب رفت، خیرش اصابت کرد و بر بدیش سبقت گرفت، فرمانبرداری از خداوند را ادا کرد و آنچنان که شایسته بود تقوای او را پیشه کرد[[10]](#footnote-10). آمده است که امام جعفر صادق به زنی که از او در مورد ابوبکر و عمر پرسیده بود: آیا باید ولایت آن‌ها را بپذیرم ؟ گفت: ولایتشان را بپذیر، آن زن گفت: فردا که پروردگارم را ملاقات کنم به او می‌گویم که تو مرا به قبول ولایتشان امر کردی؟! گفت: آری بگو[[11]](#footnote-11). و روایت شده که مردی از یاران امام باقر وقتی شنید امام باقر ابوبکر را به لقب صدیق توصیف کرد تعجب کرد و گفت: آیا او را چنین توصیف می‌کنی؟ باقر گفت: آری او صدیق بود و هرکسی به او صدیق نگوید خداوند کلام او را در آخرت تصدیق نمی‌کند[[12]](#footnote-12).
3. نامگذاری فرزندان: امامان آل بیت فرزندانشان را به نام خلفا نامگذاری می‌کردند ؛ امام علی فرزندانش را: ابوبکر و عمر و عثمان نامیده بود، همانطور که علی اربلی آن را ثابت کرده است[[13]](#footnote-13)، و ابوالفرج اصفهانی و اربلی و مجلسی ذکر کرده‌اند که ابوبکر بن علی بن ابی طالب از جمله کسانی بود که در کربلا همراه برادرش حسین س کشته شد، همچنین پسر حسین که ابوبکر نام داشت همراه با آن‌ها کشته شد(محمد اصغر کنیه ابوبکر بود)[[14]](#footnote-14).
4. دفاع فداکارانه: می‌بینیم هنگامی که فتنه جویان سرکش منزل عثمان بن عفان را محاصره کردند امام علی از او دفاع کرد و مردم را از او دور کرد و فرزندانش حسن و حسین و برادرزاده‌اش عبدالله بن جعفر را به دفاع از او فرستاد[[15]](#footnote-15).

بعد از این بررسی اجمالی شما را متوجه امر مهمی می‌سازیم و آن اینست که احیاناً اگر در مورد حقیقت این امور سوال کنی و در جواب به تو گفته شود: این سخن نادرست است، برای اطمینان می‌توانی به کتاب‌ها مراجعه کنی، یا اینکه ممکن است گفته شود: این کار‌ها به خاطر تقیه بوده، اما ما به شما می‌گویم لازم است که خط مشی و روشی برای تشخیص تقیه از حقیقت وجود داشته باشد، در غیر اینصورت انسان در نقل از تمایلاتش پیروی می‌کند و اگر کلامی را نپسندید می‌گوید این تقیه است، و اگر پسندید می‌گوید این تقیه نیست، و ما از شما می‌پرسم: چرا انسان به تقیه پناه می‌برد؟ مگر به خاطر نیاز و خوف نیست؟ در این صورت چرا امام علی باید بترسد و به تقیه پناه ببرد در حالی که بالاترین منصب سیاسی (امیرالمومنین) را داراست؟ در اینجا نیازی به تقیه نیست، این در حالی است که پیامبر ص فرموده است یکی از سه گروهی که خداوند در روز قیامت به آن‌ها نظر نمی‌اندازد و تزکیه‌شان نمی‌کند و عذاب دردناکى دارند: پادشاه دروغگوست. چون او نیازی به دروغ ندارد، و اگر ما تقیه را در خطاب دینی در صورت عدم نیاز به آن جایز بدانیم به طریق اولی باید آن را در معاملات تجاری، سیاسی و اجتماعی جایز بدانیم، تا جایی که به مرحله‌ای می‌رسیم که بعضی از ما به دیگری سخن راست نخواهد گفت.

در پایان این سخن رسول گرامی را یادآور می‌شویم که فرمودند: «أتدرون من الـمفلس؟ قالوا: الـمفلس فینا من لا درهم له ولا متاع فقال: إنَّ الـمفلس من أمتي من یأتي یوم القیامة بصلاة، وصیام، وزكاة، ویأتی قد شتم هذا، وقذف هذا، وأكل مال هذا، وسفك دم هذا، وضرب هذا، فیعطى هذا من حسناته، وهذا من حسناته، فإن فنیت حسناته قبل أن یقضی ما علیه، أخذ من خطایاهم فطرحت علیه، ثم طرح في النار». (الترمذی، حدیث: 2418، وصححه الألبانی). یعنی: «آیا می‌دانی مفلس کیست؟ گفتند: مفلس نزد ما کسی است که پول و دارایی نداشته باشد. فرمود: به راستی مفلس کسی است که در روز قیامت با نماز و روزه و زکات می‌آید در حالی که به یکی توهین کرده و به یکی تهمت زده و مال دیگری را خورده و خون شخصی را ریخته و دیگری را زده، تمام این‌ها از حسناتش گرفته می‌شود ؛ اگر حسناتش تمام شود قبل از اینکه خطاهایش قضا شود، از خطاهای آن‌ها گرفته می‌شود و به او منتقل می‌شود و در آتش افکنده می‌شود».

آیا نمی‌ترسی از اینکه در روز قیامت با افلاس روبرو شوی به خاطر کثرت توهین و دشنام به کسانی که مستحق توهین نبوده‌اند؟ و حسناتی که در کسب آن‌ها رنج برده‌ای را از تو بگیرند؟

توصیه ما به شما این است: تلاش کن خودت حق را جویا شوی، و بدان که هیچ کسی جز عمل خودت در روز قیامت به تو نفعی نمی‌رساند، بنابراین از عملت مطمئن شو که آیا صالح است یا خیر؟ گاهی انسان کاری را انجام می‌دهد و گمان می‌کند که عمل صالحی است، سپس در روز قیامت غیر آن ثابت می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٍ خَٰشِعَةٌ٢ عَامِلَةٞ نَّاصِبَةٞ٣ تَصۡلَىٰ نَارًا حَامِيَةٗ٤﴾ [الغاشیة: 2-4]). «چهره‌هائی در آن روز خاشع و ذلت بارند. آن‌ها که پیوسته عمل کرده و خسته شده‌اند. و (سرانجام این زحمت‌کشان خسته و بیهوده‌گر) در آتش سوزان وارد می‌گردند».

و پیوسته از خداوندی که بر هر چیزی علیم است بخواه که تو را به‌سوی حقیقت راهنمایی کند، و به آن ختم دهد، و از جمله برترین دعاهایی که در روایت آمده اینست:

«اللهم أرنا الحق حقاً وارزقنا اتباعه، وأرنا الباطل باطلاً وارزقنا اجتنابه، ولا تجعله ملتبساً علینا فنضل واجعلنا للمتقین إماماً». «پروردگارا حق را آنگونه که هست به ما بنمایان و پیروی آن را بر ما ارزانی بدار، و باطل را آنگونه که هست بر ما بنمایان و اجتناب از آن را بر ما ارزانی بدار، و آن را بر ما ملتبس مگردان که گمراه شویم و ما را پیشوای متقیان قرار ده».

چرا صحابه را دوست داریم؟

ترجمه: لماذا نحب الصحابة

تهیه: خالد ابو صالح

الحمدلله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده نبينا محمد وعلى آله وصحبه أما بعد:

همانا که محبت و علاقه به اصحاب رسول الله ص در نزد اهل سنت و جماعت از اصول ایمان قلمداد می‌شود. چرا که این گروه (صحابه) برگزیدگان بشریت به شمار می‌آیند. آنان کسانی هستند که خداوند ﻷ ایشان را برای مصاحبت با رسولش و انتشار دینش انتخاب کرد. همان کسانی که وظیفه سنگین حفظ دین و تبلیغ آن را به نسل‌‌های آینده به نحو احسن انجام دادند. و گفتنی است که اگر این گروه برگزیده نبود شریعت اسلام نیز مانند دین یهود و مسیحیت دستخوش تحریف می‌شد. حال اگر کسی در صلاحیت و صداقت صحابه ایراد وارد کند در واقع به کتاب و سنتی که به وسیله ایشان به ما رسیده است طعن وارد کرده است.

از جانب دیگر، آیات و احادیث زیادی در فضیلت صحابه وارد شده است که دوست داشتن و دفاع از آنها، و دشمنی با کسانی که به ایشان توهین می‌کنند را بر ما واجب می‌کند.

بنابراین ما صحابه را دوست داریم برای اینکه:

1. خداوند تعالی از ایشان راضی گشته است، چنان که می‌فرماید: ﴿لَّقَدۡ رَضِيَ ٱللَّهُ عَنِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ إِذۡ يُبَايِعُونَكَ تَحۡتَ ٱلشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمۡ فَأَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ عَلَيۡهِمۡ وَأَثَٰبَهُمۡ فَتۡحٗا قَرِيبٗا١٨﴾ [الفتح: 18]. «خداوند از مؤمنان ـ هنگامى که در زیر آن درخت (بیعه‌الرضوان‌ که‌ در حدیبیه‌ انجام‌ گرفت) با تو بیعت کردند ـ راضى و خشنود شد; خدا آنچه را در درون دلهایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود مى‏دانست; از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزى نزدیکى (یعنى فتح‌ خیبر) بعنوان پاداش نصیب آن‌ها فرمود».
2. برای اینکه خداوند تعالی به صفت ایمان از صحابه یاد کرده است، چنانکه فرموده است:.﴿هُوَ ٱلَّذِيٓ أَيَّدَكَ بِنَصۡرِهِۦ وَبِٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾ [الأنفال: 62]. «خداوند است که تو را، با یارى خود و مؤمنان، تقویت کرد».
3. صحابه را دوست داریم زیرا خداوند آن‌ها را تایید کرده و آن‌ها را رستگار خوانده و به ایشان وعده بهشت داده است، در این باره می‌فرماید: ﴿لَٰكِنِ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ جَٰهَدُواْ بِأَمۡوَٰلِهِمۡ وَأَنفُسِهِمۡۚ وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمُ ٱلۡخَيۡرَٰتُۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ٨٨ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ ذَٰلِكَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ٨٩﴾ [التوبة: 88-89]. «ولى پیامبر و کسانى که با او ایمان آوردند، با اموال و جانهایشان جهاد کردند; و همه نیکی‌ها براى آنهاست; و آن‌ها همان رستگارانند! خداوند براى آن‌ها باغهایى از بهشت فراهم ساخته که نهر‌ها از زیر درختانش جارى است; جاودانه در آن خواهند بود; و این است رستگارى (و پیروزى) بزرگ!».
4. صحابه را دوست داریم زیرا خداوند درباره آن‌ها فرموده است: ﴿كُنتُمۡ خَيۡرَ أُمَّةٍ أُخۡرِجَتۡ لِلنَّاسِ﴾ [آل عمران: 110]. «شما بهترین امتى بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‏اند».

ابن عباس ب در تفسیر این آیه می‏گوید: منظور کسانی هستند که با محمد ص هجرت کردند.

1. صحابه را دوست داریم زیرا خداوند ﻷ نیز آن‌ها را دوست دارد، آنچنانکه فرموده است:﴿فَسَوۡفَ يَأۡتِي ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ يُحِبُّهُمۡ وَيُحِبُّونَهُۥ﴾ [المائدة: 54] «خداوند به زودی قومی را به وجود می‏آورد که آن‌ها را دوست دارد و آن‌ها نیز خداوند را دوست دارند». حسن بصری می‌گوید: قسم به خدا که این آیه در باره مردم حروراء[[16]](#footnote-16) نازل نشده است بلکه درباره ابوبکر و عمر و یارانشان نازل شده است.
2. صحابه را دوست داریم زیرا که خداوند از آن‌ها با صفت ایمان یاد کرده است، در این باره می‌فرماید: ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَهَاجَرُواْ وَجَٰهَدُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ ءَاوَواْ وَّنَصَرُوٓاْ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ حَقّٗاۚ لَّهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ٧٤﴾ [الأنفال: 74]. «و آن‌ها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، و آن‌ها که پناه دادند و یارى نمودند، آنان مؤمنان حقیقى‏اند; براى آنها، آمرزش (و رحمت خدا) و روزى شایسته‏اى است».

آن‌ها را دوست داریم چرا که پیامبر ص محبتشان را نشانه ایمان، و بغضشان را نشانه نفاق دانسته است، «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا اؤْتُمِنَ خَانَ»». (بخارى:33). «از ابوهریره س روایت است که نبی اکرم ص فرمود: «نشانۀ منافق، سه چیز است: اول اینکه در صحبت‏‌های خود، دروغ می‏گوید. دوم اینکه خلاف وعده، عمل می‏کند. سوم اینکه در امانت، خیانت می‏کند»».

نشانه ایمان دوست داشتن انصار و نشانه منافق تنفر از انصار می‏باشد.

1. صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر ص ما را از بدگویی آن‌ها منع کرده است و فرموده‏اند: «إذا ذكر أصحابي فأمسكوا». (الطبرانی). هرگاه درباره‏ی صحابه من صحبت به میان آمد از بدگویی آن‌ها خودداری کنید.
2. صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر ص آن‌ها را سبب امنیت امت اسلام دانسته است، در این باره فرموده‏اند: «النجوم أمنة للسماء، فإذا ذهبت النجوم أتى السماء ما توعد، وأنا أمنة لأصحابي فإذا ذهبتُ أتى أصحابي ما يوعدون، وأصحابي أمنة لأمتي، فإذا ذهب أصحابي أتى أمتي ما يوعدون». (مسلم). «ستاره‏‌ها سبب امنیت آسمان هستند پس هر گاه از بین بروند وعده‏ی (ناآرامی) آن فراخواهد رسید، و من سبب امنیت اصحابم هستم، پس هر گاه از دنیا رفتم وعده‏ی ناآرامی در آن‌ها فراخواهد رسید، و اصحابم سبب امنیت امتم هستند، پس هرگاه آن‌ها از دنیا رفتند وعده‏ی ناآرامی در امت من فراخواهد رسید».
3. صحابه را دوست داریم برای اینکه پیامبر ص آن‌ها را بهترین مردم معرفی کرده است، چنانکه می‏فرماید: «خير أمتي القرن الذي بعثت فيه، ثم الذين يلونهم، ثم الذين يلونهم». (مسلم). «بهترین افراد امت من کسانی هستند که من در بین آن‌ها مبعوث شده‏ام (صحابه)، سپس کسانی که بعد از ایشان می‏آیند (تابعین)، و سپس کسانی که بعد از ایشان می‏آیند (تبع تابعین)».
4. صحابه را دوست داریم زیرا که پیامبر ص ما را از ناسزا گفتن به آن‌ها باز داشته است، و فرموده است: «لا تسبوا أصحابي ، فوالذي نفسي بيده لو أنَّ أحدكم أنفق مثل أحد ذهباً ما بلغ مُدَّ أحدهم ولا نصيفه». (مسلم). «به اصحاب من ناسزا نگویید، قسم به آن کسی که جان من در دست اوست (خداوند) اگر هر یک از شما به اندازه‏ی کوه احد طلا بخشش کند، نمی‏تواند به اندازه‏ی نصف کف دست، حسنات آن‌ها نیکی کرده باشد، چه برسد به اندازه یک کف دست».
5. صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر ص کسی را که به آن‌ها ناسزا بگوید لعنت کرده است چنانکه می‏فرماید: «لعن الله من سب أصحابي». (الطبرانی). «خداوند لعنت کند کسی که به اصحاب من ناسزا بگوید».
6. صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر ص فرموده‏اند که نصرت و گسترش دین توسط ایشان و یارانشان خواهد بود، و این چنین هم شد. ایشان در این باره فرموده‏اند: «يأتي على الناس زمان، يغزو فئام من الناس، فيقال: فيكم من صاحب رسول الله ص؟ فيقولون: نعم، فيفتح لـهم، ثم يأتي على الناس زمان، فيغزو فئام من الناس، فيقال لـهم: فيكم من صاحب أصحاب رسول الله ص؟ فيقولون: نعم، فيفتح لـهم، ثم يأتي على الناس زمان، فيغزو فئام من الناس، فيقال لـهم: هل فيكـم من صاحب من صاحب أصحاب رسول الله ص؟ فيقولون: نعم، فيفتح لـهم». (بخاری ومسلم). یعنی: «زمانی فرا می‏رسد که گروهی از مردم جهاد می‏کنند، از آن‌ها پرسیده می‏شود که آیا در بین شما کسی هست که همراهی رسول الله ص کرده باشد، می‏گویند بله، و بدینوسیله پیروز می‏شوند، سپس زمان دیگری فرا می‏رسد و گروهی از مردم جهاد می‏کنند، به آن‌ها گفته می‏شود: آیا در میان شما کسی که صحابه‏ی پیامبر را همراهی کرده باشد، می‏گویند: بله، آنگاه پیروز می‏شوند، سپس زمانی فرا می‏رسد که گروهی از مردم به جهاد می‏پردازند، از آن‌ها سوال می‏شود که آیا در بین شما کسی هست که همراهان صحابه را همراهی کرده باشد، می‏گویند: بله، پس پیروز می‏شوند».
7. صحابه را دوست داریم چون آن‌ها وزیران پیامبر ص و یاران ایشان بودند، پیامبر ص در این باره می‏فرمایند: «إن الله تبارك وتعالى اختارني، واختار لي أصحاباً، فجعل لي منهم وزراء وأنصاراً وأصهاراً، فمن سبهم فعليه لعنة الله والـملائكة والناس أجــمعين، لا يقبل منه يوم القيامة صرف ولا عدل». (حاکم و آنرا صحیح دانسته است). یعنی «خداوند تبارک و تعالی مرا برگزید، و همچنین برای من یارانی برگزید، و برایم از بین این یاران وزیران و یاوران و خویشانی قرار داد، پس اگر کسی به آن‌ها ناسزا بگوید لعنت خداوند و ملائکه و تمامی مردم بر او باد، و در روز قیامت هیچگونه توبه و فدیه‏ای از او قبول نمی‏شود».
8. صحابه را دوست داریم زیرا دوست داشتنشان دلیل بر دوست داشتن پیامبر ص می‏باشد، و نفرت از ایشان نیز دلیل بر نفرت از پیامبر ص می‏باشد، رسول الله ص در این باره می‏فرماید: «الله الله في أصحابي، لا تتخذوهم غرضاً بعدي، فمن أحبهم فبحبي أحبهم، ومن أبغضهم فببغضي أبغضهم، ومن آذاهم فقد آذاني، ومن آذاني فقد آذى الله، ومن آذى الله أوشك أن يأخذه». «شما را بخدا، شما را بخدا، راجع به یاران (خدا را در نظر داشته باشید) آن‌ها را بعد از من هدف-انتقاد- خود قرار ندهید هرکس که آن‌ها را دوست داشته باشد، بخاطر دوستى من با آن‌ها دوستى می‏کند، و هر کس که بر آن‌ها بغض بورزد بخاطر دشمنى با من بر آن‌ها بغض می‏ورزد، و هر کس آن‌ها را اذیت کند، مرا اذیت کرده است، و کسى که مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده است، و کسى که خدا را اذیت کند بزودى او را بسزایش می‏رساند». (أحمد وترمذی واو آن را حسن دانسته است).
9. صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر ص نگه داشتن احترام ایشان و منزلتشان را نگهداری مکانت خود دانسته است، آنچنانکه می‏فرماید: «احفظوني في أصحابي، ثم الذين يلونهم، ثم الذين يلونهم». (ابن ماجه، وآلبانی آن را تصحیح کرده است). یعنی «منزلت مرا با نگه داشتن حرمت اصحابم و کسانی که تا دو قرن بعد از ایشان می‏آیند حفظ کنید».
10. صحابه را دوست داریم زیرا آن‌ها از اهل علم و فضیلت و اخلاق و راستگویی هستند، آنچنانکه پیامبر ص در این باره می‏فرماید: «أرأف أمتي بأمتي أبوبكر، وأشدهم في دين الله عمر، وأصدقهم حياء عثمان، وأقضاهم علي، وأفرضهم زيد بن ثابت، وأقرؤهم أبيّ، وأعلمهم بالـحلال والـحرام معاذ بن جبل، ألا وإن لكل أمة أميناً، وأمين هذه الأمة أبوعبيدة بن الجراح». (حاکم). «مهربان‌ترین فرد امتم برای امتم ابوبکر است، و محکم‏ترینشان در امر دین عمر است، و باحیاترینشان عثمان و بهترینشان در قضاوت علی و داناترینشان در علم میراث زید بن ثابت و آگاه‏ترینشان به قرائت قرآن ابیّ بن کعب و عالم‏ترینشان در حلال و حرام معاذ بن جبل می‏باشد، و در هر امتی امینی وجود دارد و امین امت من ابو عبیده بن الجراح است».

ابن مسعود س اینگونه اصحاب پیامبر ص را توصیف می‏کند:

وقتی که خداوند به قلب بندگانش نظر افکند قلب محمد ص را بهترین قلب بندگانش یافت، آنگاه بود که او را برای خود برگزید و به پیامبری مبعوث کرد، سپس برای بار دیگر به قلب بندگانش نظر افکند و قلب اصحاب پیامبر ص بهترین قلب‌های بندگانش یافت، آنگاه بود که آن‌ها را وزیران پیامبر ص قرار داد تا در راه دینش جنگ کنند.

و همچنین می‏فرماید: هر کس که می‏خواهد از سنت پیروی کند به کسانی که فوت کرده‏اند اقتدا نماید، زیرا نمی‏دانی آن کسی که زنده است دچار فتنه می‏شود یا نه، و آن کسانی که از دنیا رفته‏اند اصحاب پیامبر ص هستند، کسانی که از بین امت اسلام از همه در باور دینی‏شان قوی‏تر و عالم‌تر بودند و تکلفشان در دین از همه کم‌تر بود، قومی بودند که خداوند آن‌ها را برای همراهی پیامبرش ص و برپا کردن دینش برگزید، قدر و منزلت آن‌ها را بدانید و به روش آن‌ها اقتدا کنید چرا که آن‌ها بر هدایت و راه راست بودند.

فرموده امام اهل سنت احمد بن حنبل: در باره‏ی صحابه:

و از جمله مسایل واضح و آشکار بیان کردن نیکی‏‌های تمامی اصحاب رسول الله ص می‏باشد، و همچنین خویشتن داری از بازگو کردن اشتباهات و مخالفت‏هایی که در بین آن‌ها رخ داده است نیز از جمله همین مسایل می‏باشد، بنابراین اگر کسی به اصحاب رسول الله ص یا یکی از آن‌ها ناسزا بگوید، یا به آن‌ها توهین یا طعنه وارد کند، یا به ذکر معایب آن‌ها بپردازد و از آن‌ها یا یکی از آن‌ها عیب جویی کند، چنین شخصی مبتدع، رافضی، ناپاک، و مخالف اهل سنت است، و خداوند هیچ‏گونه توبه و فدیه‏ای را از او قبول نمی‏کند، و بر خلاف آن دوست داشتن صحابه سنت است، و دعا کردن در حقشان از قربات می‏باشد، و اقتدا کردن به آن‌ها وسیله نجات، و در پیش گرفتن راه و روش آن‌ها فضیلت به حساب می‏آید. و صحابه پیامبر ص بهترین مردم هستند، شایسته‏ی هیچ کس نیست که از آن‌ها بدگویی کند، یا اینکه به آن‌ها طعنه، عیب و توهین وارد نماید.

فرموده امام آجری: در باره‏ی صحابه:

و از جمله چیزهایی که خداوند توفیقش را داد که در کتابم: (شریعه) به رشته تحریر در آورم فضایل رسول الله ص می‏باشد، و بعد از آن به ذکر فضایل صحابه کرامش خواهم پرداخت، آن کسانی که خداوند آنان را برگزید و برای پیامبرش وزیر، خویشاوند، یاور و خلفای او برای امتش قرار داد، و آن‌ها مهاجرین و انصار هستند، خداوند از آن‌ها در قرآن به زیباترین اوصاف یاد کرده است، و همچنین در قرآن آمده است که خداوند از آن‌ها در تورات نیز به بهترین اوصاف یاد کرده است، و این فضل خداوند است، آن خداوندی که از فضل بسیار بزرگ و عظیمی برخوردار است و آن را به هر کس که بخواهد عطا می‏کند.

مهاجرین:

مهاجرین آن کسانی هستند که به خداوند و رسولش ص ایمان آوردند، و با عملشان ایمانشان را ثابت کردند، با پیامبر ص در تمام سختی‏‌ها ایستادگی کردند، ذلت و گشنگی در راه خدا را بر عزت و سیری در راه غیر خدا ترجیح دادند. در راه رضای خداوندی با خویش و ناخویش در افتادند، با پیامبر ص هجرت کردند، و پدر و مادر و خانواده و قبیله و ثروت و دارایی خود را در این راه ر‌ها کردند، و با تنگدستی به مدینه آمدند، تمام این‌ها به سبب آن محبتی بود که به خداوند تبارک وتعالی و رسول گرامیش داشتند.

خداوند و رسولش از تمام کسان و چیزهایی که ذکر کردیم برایشان مهم‌تر بودند، و این به سبب ایمان راستین، عقل صحیح، نفس پاک، رای درست، صبر شکیبا، و توفیق خداوند ﻷ بود، خداوند می‏فرماید:.﴿رَضِيَ ٱللَّهُ عَنۡهُمۡ وَرَضُواْ عَنۡهُۚ أُوْلَٰٓئِكَ حِزۡبُ ٱللَّهِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾ [المجادلة: 22] «خداوند از آن‌ها خشنود است و آن‌ها نیز از خداوند خشنودند، آن‌ها حزب الله‌اند، بدانید حزب‌الله پیروزان و رستگارانند».

انصار:

کسانی هستند که خداوند آنان را برای نصرت و یاری دینش و پیروی از پیامبرش برگزید، از وقتی که پیامبر ص هنوز در مکه بود ایمان آوردند، با او بیعت کردند، و در بیعتشان با او صادق بودند، او را دوست داشتند و به یاریش برخاستند، و از آن نوری که بر او نازل شد پیروی کردند، به سبب محبتی که به پیامبر ص داشتند از او خواستند تا با ایشان به مدینه بیاید، ولی پیامبر به ایشان فرمود که هنوز وقتش نرسیده، سپس آن مهاجرینی که در مکه با پیامبر ص بیعت کرده بودند به شهر خود مدینه بازگشتند و خبر ایمان خود را به پیامبر برای برادران خود بازگو کردند، پس آن‌ها نیز ایمان آوردند و در این راه استوار ماندند.

وقتی که پیامبر ص به‌سوی ایشان هجرت فرمودند بسیار خوشحال شدند و مقدمشان را گرامی داشتند و با آغوش باز از او استقبال کردند، و او را اکرام و تعظیم نمودند، و دانستند که این هجرت مبارک نعمتی بزرگ از جانب خداوند برای آن‌ها می‏باشد.

سپس بقیه مهاجرین از مکه آمدند، انصار از هجرت آن‌ها نیز بسیار خوشحال شدند، به نحو احسن به آن‌ها نیکی کردند، خانه‏های خود را بین همدیگر تقسیم کردند، آن‌ها را بر زن و بچه‏ی خود ترجیح دادند، بسیار آن‌ها را دوست داشتند، و بعد از اینکه با هم دشمنی و عداوت داشتند به توفیق خداوند قلب‌هایشان با هم اُنس گرفت و در راه او با هم برادر شدند.

خداوند در وصف صحابه می‏فرماید: ﴿وَإِن يُرِيدُوٓاْ أَن يَخۡدَعُوكَ فَإِنَّ حَسۡبَكَ ٱللَّهُۚ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَيَّدَكَ بِنَصۡرِهِۦ وَبِٱلۡمُؤۡمِنِينَ٦٢ وَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡۚ لَوۡ أَنفَقۡتَ مَا فِي ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا مَّآ أَلَّفۡتَ بَيۡنَ قُلُوبِهِمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ أَلَّفَ بَيۡنَهُمۡۚ إِنَّهُۥ عَزِيزٌ حَكِيمٞ٦٣﴾ [الأنفال: 62-63]. «و اگر بخواهند تو را فریب دهند، خدا براى تو کافى است; او همان کسى است که تو را، با یارى خود و مؤمنان، تقویت کرد و دلهاى آن‌ها را با هم، الفت داد! اگر تمام آنچه را روى زمین است صرف مى‏کردى که میان دلهاى آنان الفت دهى، نمى‏توانستى! ولى خداوند در میان آن‌ها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است!».

و در جای دیگر نیز می‏فرماید:﴿وَٱذۡكُرُواْ نِعۡمَتَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ كُنتُمۡ أَعۡدَآءٗ فَأَلَّفَ بَيۡنَ قُلُوبِكُمۡ فَأَصۡبَحۡتُم بِنِعۡمَتِهِۦٓ إِخۡوَٰنٗا وَكُنتُمۡ عَلَىٰ شَفَا حُفۡرَةٖ مِّنَ ٱلنَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنۡهَا﴾ [آل عمران: 103]. «و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهاى شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‏اى از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد».

پس همه صحابه از مهاجرین و انصار با هم بر محبت خداوند ﻷ و رسول گرامیش ص، و بر همکاری و همدلی برای یاری دین پیامبر ص و اجرا کردن دستورات ایشان در هر حالت خوش و ناخوشی متفق شدند، و از هیچ کس در این را واهمه‏ای نداشتند.

به همین سبب خداوند از مهاجرین و انصار در قرآن بیش از چند بار با بهترین اوصاف یاد کرده است، و به همه‏ی آن‌ها وعده بهشت برین را داده است، آن بهشتی که در آن جاویدان هستند، و فرموده است که او از صحابه و آن‌ها نیز از خداوند خشنود گشته‏اند: ﴿أُوْلَٰٓئِكَ حِزۡبُ ٱللَّهِۚ أَلَآ إِنَّ حِزۡبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾ [المجادلة: 22] «آن‌ها حزب الله‌اند، بدانید حزب‌الله پیروزان و رستگارانند».

فرموده امام ذهبی/ در باره‏ی صحابه:

کسی می‏تواند فضایل صحابه را بداند که زندگی و تعاملشان را در زمان پیامبر ص و بعد از وفات ایشان مورد بررسی قرار دهد، آنانی که با هم در ایمان آوردن، جنگیدن با کفار، نشر دین، برپا کردن امور دین، بالا بردن شان دستور خداوند و پیامبرش، یاد آموزی فریضه‏‌ها و سنت‌های پیامبر ص به دیگران، در تمام این امور از هم پیشی می‏گرفتند، و اگر صحابه نبودند به هیچ وجه نه اصل و نه فرعی از دین الهی به ما نمی‏رسید، و به هیچ وجه از اخبار و احادیث پیامبر ص با خبر نمی‏شدیم. بنابراین اگر کسی به آن‌ها طعنه بزند، یا به آن‌ها ناسزا بگوید، به کلی از دین اسلام خارج می‏شود، زیرا طعنه زدن به صحابه مبنی بر اعتقاد داشتن به نادرستی آن‌ها می‏باشد، و دلالت بر حقد آن‌ها بر صحابه می‏دهد، و باعث انکار و رد آن اوصافی می‏شود که خداوند در قرآن کریم و رسول الله ص در سنت پاکش از آن یاد کرده‏اند.

و همچنین صحابه بهترین اسباب رسیدن به احادیث پیامبر ص هستند، و اگر کسی به اسباب طعن وارد کند در حیقیقت طعن بر اصل (پیامبر ص) وارد کرده است، و توهین به ناقل نصوص شریعت، در حقیقت توهین به خود نصوص می‏باشد، و این مساله برای هر کسی که اهل تدبر باشد، و از نفاق و کفر و الحاد در عقیده‏اش به دور باشد قابل درک است. (الکبائر ص 274).

فضیل بن عیاض: می‏گوید: محبت صحابه ذخیره‏ای برای آخرت است، خدا رحمت کند کسی را که بر صحابه محمد ص رحمت بفرستدد.

و عبدالله بن المبارک: نیز می‏گوید: اگر در شخصی دو ویژگی وجود داشته باشد امیدوارم که از عذاب روز قیامت نجات یابد، راستگویی، و محبت اصحاب محمدص.

و ابوبکر بن الطیب نیز اشعاری در وصف بعضی از صحابه سروده است که این مضمون را در بر دارد: من به الگو بودن علی آنچنان معتقد هستم که به نجات ابوبکر از آتش جهنم معتقدم، و از عمر و همراهانش احساس رضایت دارم، و به هیچ وجه راضی نبودم که عثمان در خانه‏اش به قتل برسد، تمام صحابه در نزد من قدوه و بزرگ هستند، و آیا با چنین اعتقادی مورد ملامت قرار می‏گیرم؟!، خدایا اگر می‏دانی که من آن‌ها را فقط به خاطر رضا و خشنودی تو دوست دارم پس مرا از آتش جهنم نجات ده.

1. - حرف او بمعنی یا که در حدیث وجود دارد در اصطلاح علم حدیث تشکیک راوی است، یعنی راوی دقیق نمی‌داند که پیامبر هنگام بیان این حدیث فرموده: مع الناس یا مع الجماعه یا فی المسجد. یعنی فقط یکی از آنها را بیان فرموده اما راوی در شک است. پس در اینگونه موارد (او) یا بمعنی ترتیب نیست. [↑](#footnote-ref-1)
2. - نکاح تحلیل عبارت است از حلال گرداندن زنی که طلاق سوم داده شده برای همسر اولش به این ترتیب که زن با مرد دیگری ازدواج کند و آمیزش با او صورت گیرد و سپس آن مرد او را طلاق دهد بدون اینکه قبلاً بر این ازدواج و طلاق دوم توافق شده باشد. که در این نوع نکاح شرعاً جائز است زن دوباره با شوهر اول خود ازدواج نماید. ﴿فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُۥ مِنۢ بَعۡدُ حَتَّىٰ تَنكِحَ زَوۡجًا غَيۡرَهُ﴾ [البقرة: 230]. «اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر) او را طلاق داد، از آن به بعد، زن بر او حلال نخواهد بود؛ مگر اینکه همسر دیگرى انتخاب کند (و با او، آمیزش‏جنسى نماید)».

   ا ما آنچه که بعضی‌ها درباره نکاح تحلیل انجام می‌دهند و لعن پیامبر شامل آنهاست بدین صورت است که بعد از طلاق زن از همسرش، با مرد دیگری به توافق می‌رسند که زن را به عقد وی درآورند و سپس آن مرد بعد از آمیزش زن را طلاق بدهد. اینجا است که پیامبر ص می‌فرماید (لعنت خدا بر تحلیل کننده و تحلیل شونده باد). [↑](#footnote-ref-2)
3. - مجلسی در بحار الأنوار (ص621)، کلینی در الکافی قسمت فروع (6/115). [↑](#footnote-ref-3)
4. - چون نسبش از دو جهت به ابوبکر منتهی می‌شود :اول از جهت مادرش فاطمه دختر قاسم بن ابی بکر. و دوم از جهت مادر بزرگ مادریش اسماء دختر عبدالرحمن بن ابی بکر که مادر فاطمه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر است. رجوع کشف الغمه اربلی (2/373). [↑](#footnote-ref-4)
5. - نگا: الکافی (5/7) و کتاب سلیم بن قیس (ص362). [↑](#footnote-ref-5)
6. - نسب قریش مصعب زبیری (ص45). [↑](#footnote-ref-6)
7. - نسب قریش مصعب زبیری (52). [↑](#footnote-ref-7)
8. - عمدة الطالب فی أنساب آل ابی طالب. ابن عنبة (111). [↑](#footnote-ref-8)
9. - نهج البلاغة خطبه شماره (97). [↑](#footnote-ref-9)
10. - نهج البلاغة (ص350) تحقیق: صبحی الصالح. [↑](#footnote-ref-10)
11. - روضة الکافی ( 8/101). [↑](#footnote-ref-11)
12. - کشف الغمة (2/360). [↑](#footnote-ref-12)
13. - علی اربلی (2/66) «کشف الغمة فی معرفة الأئمة. [↑](#footnote-ref-13)
14. - مقاتل الطالبیین»تألیف ابوالفرج اصفهانی (ص: 88، 142، 188)چاپ بیروت. واربلی در «کشف الغمة» (2/66)، و مجلسی در جلاء العیون (ص582). [↑](#footnote-ref-14)
15. - شرح نهج البلاغة تألیف: ابن ابی حدید (10/581) چاپ ایران، وتاریخ مسعودی (2/344). [↑](#footnote-ref-15)
16. 1- حروراء نام منطقه‏ای در عراق است که خوارج در آن ساکن بودند. [↑](#footnote-ref-16)